

خنده به روایت بنده!

فرهنگ تصویری خنده برای همزیستی با کووید ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ...!



۵۰۰ خنده ثبت شده طی بیش از ۴ دهه عکاسی

محمود امیری

شهریورماه ۱۳۹۹

عکس روی جلد در سال ۱۳۶۸ با دوربین مامیا ۲۲۰ و فیلم رنگی کداک ثبت شده و ایده اصلی آن متعلق به دوست طراح و کاریکاتوریست قدیمی ام علی دیواندری می باشد که در روی پشت بام خانه آنها در خیابان سبلان تهران گرفته شده است.

خنده به روایت بنده!

فرهنگ تصویری خنده برای همزیستی با کووید ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ...!

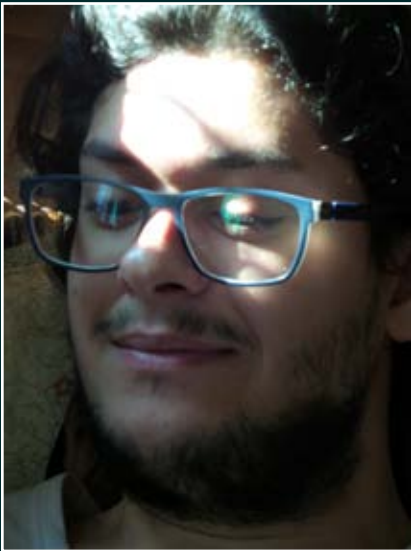


عکس: رضا شکری ۱۳۹۴

۵۰۰ خنده ثبت شده طی بیش از ۴ دهه عکاسی

محمود امیری

شهریورماه ۱۳۹۹





این اثر در ۴۸۴ صفحه در تاریخ شهریور ماه ۱۳۹۹
توسط محمود امیری، متولد ۱۳۳۶ سبزوار و متوفی
...!!!! طراحی و آماده نشر گردیده و در سایت وی
www.mahmoudamiri.com به صورت
رایگان با فرمت pdf منتشر شده است. از خوانندگان
محترم بدون رودربایستی، خنده بی دریغ و فراموشی
شرایط کرونا را خواهانم و برایشان شادی و سلامتی
آرزو می کنم.

عکسهای این مجموعه طی ۴۷ سال اخیر گرفته شده اند!!! از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۲ با دوربین آنالوگ و فیلمهای
۱۳۵ و ۱۲۰ و از سال ۱۳۸۲ با انواع دوربین ها و گوشی های تلفن دیجیتال از ۲ تا ۲۴ مگا پیکسل عکاسی شده اند.

تقديم به همه کسانی که عکسشان را گرفته ام و ...
همه کسانی که عکس مرا گرفته اند!

● خندهٔ کار ۳۵۵

خندهٔ وقار
خنده و بازی
ژست خنده
خندهٔ شرم

● خندهٔ خاص ۴۶۳

نمایش
مجسمه

● مقدمه ۱۱

● خندهٔ تابناک ۱۵

خندهٔ ناب
شکرخند
لذت

● خندهٔ شادی ۱۴۹

رضایت
تبسم
شکرخند
بازی

● خندهٔ جمعی ۲۸۳

خنده در جمع
خنده زورکی
خنده گیج
خنده سؤال
خنده رندی
پوزخند

مقدمه

خنده به روایت بنده!

وقتی که کرونا توراً خانه نشین کرده و از طرفی دچار بیماری خودبازنشستگی! ذاتی هم شده ای و نان و آبت هم تأمین است و یک عمر هم از عالم و آدم عکس گرفته ای و در آرشیوت انبوهی از عکس های جورواجور داری چه فکری به سرت می زند؟ پروژه جدید! کتاب جدید! چه موضوعی؟ هزار تا موضوع هست: زنان، کوچه، درخت، منظره، کودک، فرم، کار و ... خنده! بله خنده! چرا که نه! در این شرایط استرس زا اگر دیدن چنین کتابی بتواند اندکی شادی نصیب بیننده اش بکند چه عیبی دارد. می دانم که متاسفانه گروهی از مردم آن چنان درگیر تأمین مایحتاج روزانه خود هستند که فرصتی برای مطالعه و توجه به روح و روان خود پیدا نمی کنند. بله می دانم که با نبود امنیت اقتصادی جایی برای فرهنگ و تفنن باقی نمی ماند... اما جز امیدوار بودن و تلاش هایی در حد مقدور چه باید کرد؟ جوامع به کندی تغییر می کنند و در فاصله تولد و مرگ یک نسل نمی توان تغییرات زیادی را انتظار داشت اگرچه ما در بهترین شرایط تاریخی از جهت سرعت تحولات قرار داریم اما باز هم رفع دشواری های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پدیده زشت و اهریمنی بهره کشی انسان از انسان گویا به زمان باز هم بیشتری نیاز دارد.

این صحبت ها برای این بود که نگوئید در این شرایط و خنده؟ می دانم اما این عکس ها واقعا در طول متجاوز از ۶۰ سال زندگی من در شرایط گوناگون گرفته شده اند و بسیاری از همین چهره های خندان هنوز هم زنده هستند و رشد کرده اند و می خندند... (والبته گروهی هم به خاطره ها پیوسته اند!) پس هنوز هم خنده می تواند موضوع مهمی باشد.

هنگامی که به آرشیوم مراجعه کردم از همان سالهای اولیه عکاسی ام (دهه پنجاه شمسی) با چهره های زیادی روبرو شدم که با کیفیات مختلف می خندند ... یا در عالم خودشان هستند یا برای غلبه بر عصبیت که از مواجه شدن با دوربین عکاسی در خود احساس می کردند و یا حتی به خواهش عکاس! سعی کردم در مرحله اول همه جور خنده ای را گردآوری کنم و بعداً آنها را دسته بندی کرده و با نظم و انسجامی جدید برای دیدن آماده کنم.

خنده و تئوری های بنده!

خنده جزو پیچیده ترین ویژگی های واکنشی موجودات زنده و به ویژه انسان است. وجود خنده در بین سایر جانداران بجز انسان مورد تردید است. ممکنست قیافه تنبل یا لاما یا صدای جانورانی چون کفتار و دلفین و برخی واکنش های پستاندارانی نزدیک به انسان نظیر میمونها و نظایر آنها تداعی کننده خنده برای انسان باشند اما وجود خنده به عنوان کنشی اجتماعی به صورت صوت و تصویر برای ایجاد ارتباط با هم نوع برای سایر جانداران بجز انسان به سختی قابل پذیرش است.

موجود زنده برای بقای خود تلاش می کند. او به غذا، سرپناه، امنیت، ارتباطات اجتماعی و دوستی و عشق و زادآوری نیازمند است. عدم امنیت فردی و اجتماعی انسان را دچار ترس، خشم و پرخاش، اندوه و بی خوابی و بی قراری میکند و بالعکس وجود امنیت برایش، لذت، شادی، خواب و آرامش به ارمغان می آورد.

بازتاب این آرامش و لذت در مناسبات اجتماعی و چهره به چهره انسان ها با تغییراتی در اندام آن ها به ویژه صورت و صدا منعکس می شود تا وضعیت خود را به اطلاع دیگران نیز برساند و هماهنگی و ارتباط اجتماعی حفظ شود.

میزان شادی و رضایت بسته به شدت و ضعف آن به اشکال گوناگون در اندام انسان و به ویژه در اجزای صورت او و بخصوص در دهان او منعکس می شود. رضایت، احساس مثبت، هیجان مثبت و شادی ملایم و انفجار شادی هریک به شکلی در صورت انسان بازتاب می یابد.

در واقع خنده در تن انسان بارگذاری می شود! هنگام خندیدن، میزان باروت (هیجان) مشخص می شود! چاشنی ها آماده می شوند! گلنگدن کشیده می شود! نشانه گیری انجام می شود و انفجار و شلیک خنده از دهان انجام می شود به هزاران شکل مختلف!

خنده اشکال فراوان دارد: خنده گیج، خنده بی اختیار، لبخند پنهان، لبخند تمسخر، لبخند آشکار، زهرخند، ریزخند، قاه قاه و الی آخر

خنده از نظریه‌ی پدیا!

خنده واکنشی صدادار به احساس خوشحالی، یا در مواقع ناراحتی است که به آن خنده تلخ می‌گویند عوامل متعددی نظیر شنیدن یک جوک یا مورد غلغلک قرار گرفتن می‌تواند باعث پیدایش خنده شود. خنده در رفتار انسان و بعضی از حیوانات دیده می‌شود. خنده جزئی از رفتار انسانی است که به وسیله مغز برای تنظیم احساسات تولید می‌شود، و بدین وسیله انسان‌ها را در روابط اجتماعی کمک می‌کند. خنده در دید روانشناسی، نشانه‌ای برای برقرار کردن رابطه‌ای مثبت با دیگران است. خنده می‌تواند مسری باشد و خنده یک نفر باعث پیدایش خنده در دیگران شود. این می‌تواند دلیل محبوبیت استفاده از صدای خنده در نمایش‌های کمدی را توضیح دهد. خنده از انقباض حنجره به وسیله اپیگلوت ایجاد می‌شود. مطالعه خنده و تأثیرات آن بر بدن را خنده‌شناسی می‌گویند.

نقش خنده در سلامت جسمانی

محققان می‌گویند افراد خندان به دلیل ترشح نوعی ماده شیمیایی در حال خنده، کسانی هستند که درد کمتری احساس می‌کنند.

خنده درمانی

خنده درمانی در موارد زیر استفاده می‌شود: کاهش استرس، تقویت سیستم ایمنی بدن، جلوگیری از بیماری و کاهش وزن.

خنده درمانی نسبت به دارو درمانی بسیار مفیدتر است و در مدت کوتاهی می‌تواند بیمار را درمان کند.

خنده مصنوعی و حالات چهره

پیش از همه این داروین بود که متوجه شد اگر از بروز نشانه‌های یک هیجان مثلاً حالت بغض و غم جلوگیری کنیم احساس غم و اندوه کمتری خواهیم داشت. روان‌شناس مشهور قرن نوزدهم «ویلیام جیمز» که پدر علم روان‌شناسی نامیده می‌شود به یک نظر افراطی رسید و عنوان کرد که: «اگر یک نفر هیجانی را با صورتش بروز ندهد، اصلاً حسش نخواهد کرد». در حال حاضر به ندرت روان‌شناسی را می‌توان یافت که با ایده ویلیام جیمز موافق باشد، اما شواهد چشم‌گیر جدیدی وجود دارد که به شکل‌های دیگر بخشی از نظرات وی را تأیید می‌کند، مبنی بر اینکه احساسات تنها به مغز مربوط نیستند، بلکه به عنوان مثال حالت‌های چهره نیز نقش قابل توجهی در شکل‌گیری و تقویت هیجان‌ها ایفا می‌کنند.

روان‌شناسان دانشگاه کاردیف در ولز دریافتند افرادی که توانایی اخم کردنشان به وسیله تزریق «بوتاکس» تحلیل رفته بود به صورت میانگین «شادتر» از افرادی هستند که قدرت اخم کردن شان مختل نشده است.

هیجان‌انگیزترین پژوهش در این رابطه مربوط به پژوهشگران دانشگاه مانهیم آلمان است که حتی شرکت کنندگان در آن انگیزه اصلی پژوهش‌گران را نمی‌دانستند. به شرکت‌کننده‌ها گفته شده بود شما در پژوهشی شرکت می‌کنید که قرار است میزان دشواری انجام کارها بدون استفاده از «دست» را بسنجد. سه گروه شرکت‌کننده می‌بایست «مدادی» را به یکی از دو حالت زیر در طول آزمایش با دهانشان نگه می‌داشتند. به گروه نخست گفته شد مدادها را با لب خود نگه دارند که ناخواسته موجب می‌شد چهره‌شان حالت اخم و ناراحتی به خود بگیرد. گروه دوم باید مداد را با دندان نگه می‌داشت (برای این عمل Risorius یا عضله خنده به گوشه‌ها جمع می‌شود) که ناخواسته حالت چهره خندان را ایجاد می‌کند و گروه سوم که گروه کنترل بود باید مداد را با دستی نگه می‌داشت که کار کمتری از آن می‌کشید. هر سه گروه می‌بایستی پرسش‌های پرسش‌نامه و همین‌طور میزان دشواری این عمل را نمره می‌دادند. آخرین تکلیف برای این شرکت‌کننده‌ها (که در واقع هدف اصلی پژوهش بود) نمره دادن به «میزان خنده‌دار بودن» یک کارتون کوتاه بود آن هم وقتی که مداد را با دهان یا دندان نگه داشته بودند و طبیعتاً چهره‌شان ناخواسته حالت غم یا شادی به خود گرفته بود. همان‌طور که انتظار می‌رفت گروهی که مداد را با دندان نگه داشته بود (گروه خندان) کارتون را بسیار خنده‌دارتر ارزیابی کرده بود، بدون آن‌که شرکت‌کننده‌ها کوچک‌ترین سرنخی از واقعیت ماجرا داشته باشند. چیزی که این یافته‌ها پیشنهاد می‌دهد این است که خنده مصنوعی می‌تواند باعث شادی شود و حالت‌های صورت حتی اگر واقعاً منظور خاصی پشت شان نباشد می‌توانند به صورت معناداری خلق و خو و احساسات ما را تحت تأثیر قرار دهند.

روز جهانی خنده (به انگلیسی: World Laughter Day) اولین یکشنبه ماه مه هر سال برگزار می‌شود. روز جهانی خنده، در ۱۹۹۸ توسط دکتر مادن کاتاریا، بنیانگذار حرکت جهانی **یوگای خنده** با هدف بیداری جهانی برای برادری و دوستی زهر مار از راه خنده است. مردم در این انجمن‌ها دور هم جمع می‌شوند تا فقط بخندند. شعبه ایرانی خنده هم ظاهراً در ایران در فرهنگسرای سرو در پارک ساعی از چندین سال پیش افتتاح شده است...

دو هفته بعد از شروع به کار بنده! (۲۳ مرداد ماه ۱۳۹۹)

– حالا حدود دو هفته از بررسی و انتخاب عکس از آرشیوم گذشته است. مهمترین دغدغه ام در این مدت نحوه تفکیک انواع خنده و دسته بندی آنهاست. در جستجوهای اینترنتی به یک تقسیم بندی نه چندان جذاب! برخوردیم که همه جا کپی شده بود و طی آن خنده را به هشت نوع:

۱- خنده با لب های بسته ۲ - خنده ی کج ۳- خنده ی زورکی ۴ - خنده ی واقعی ۵- پوز خند ۶- خنده ی خودپسندانه ۷- خنده با دهان باز ۸ - خنده به سبک مهمانداران هواپیما تقسیم کرده بودند که به نظر سطحی و مکانیکی می رسید اگر چه حاوی بخش هایی از واقعیت هم بود.

به فرهنگهای لغات مراجعه کردم به انواع خنده به شرح زیر برخوردیم:

بیهوده خنده - تر خنده - پُر خنده - خنده زدن - خنده قباسوختگی - خنده شیرین - دیر خنده - زعفران خنده - زهر خنده - شکر خنده - لبخنده - در برخی فرهنگ ها از انواع خنده با مضامین ادبی خاص نام برده شده بود:

خنده می . خنده جام . خنده مینا. خنده صراحی

خنده قباسوختگی: خنده ظاهری که در دل ناشاد کامی است

خنده گل: شگفتن گل . باز شدن گل

خنده جام: کنایه از پرتو شراب است

خنده مینا: خنده شیشه . خنده جام

خنده آفتاب: خنده شب گشت صبح، خنده صبح آفتاب

خنده شیر و مستی پیل : بروز غضب

خنده شمع: افروختن شمع

خنده خنجر یا شمشیر: کنایه از خون ریختن . خنده تیغ

خنده شکرین: خنده شیرین . خنده خوش

خنده شب: کنایه از روشنایی سحر

خنده زهر آلود: خنده ای که از روی قهر باشد و آن را خنده خون آلود نیز گویند.

خنده زمین: کنایه از دمیدن سبزه و ریاحین

خنده گریستن: کنایه از گریه شادی کردن و طرب نمودن

خنده برق: گریه ها در پرده دارد عیشهای بیگمان، خنده بی اختیار برق باران آورد.

خنده گه: خنده گاه کنایه از لب و دهان معشوق

خنده انگیز : خنده آور خنده آورنده . مضحک . مسرت انگیز

خنده ریش : خنده خریش کسی که بر او خنده زنند و ریشخند کنند و بمعنی فاعل و مفعول تمسخر هر دو آمده و آن را خنده ریش نیز گویند و ریشخند بهمین معنی است مضحکه . مسخره . مایه سخریه . آلت استهزاء...

خنده خیز: خنده خیزنده . موجب خنده شوند. خنده کننده

خنده دار: خنده دارنده . مضحک . مضحکه . خنده آور

خنده رو: خنده روی مقابل ترش روی . بشاش . خوش خلق . مقابل اخمو

خنده زن: خنده کن . خنده کننده

خنده طراز: خنده مانند

خنده مین: خنده دار. مضحک

خنده ناک: متبسم . شاد. ضاحک . خرم

خوش خنده: نیک خنده . شکر خنده . نیکو خنده . آنکه خوب خندد

زعفرانی خنده: خنده بسیار. مأخذش گل کردن . خنده بی اختیار است از تماشای

زعفران زار

نیم خنده: تبسم . نیم خند

سر شک خنده: گریه شادی است که آن را گریه شیرین نیز گفته اند، بخلاف اشک

تلخ که از ماتم و غصه باشد

خنده دندان نمای: خنده بلندی که موجب باز شدن لبها و نمایش دندانها شود. قهقهه

خنده جفت کردن: با کس دیگر هم خنده شدن

و ...

وسرانجام، این نوع تقسیم بندی:

گریه و خنده

گل خنده: گل خندیدن، خنده شیرین

خنده از ته دل

خنده نخودی: آهسته خندیدن

خنده بلند

خنده ملایم

توانایی خنده

اسباب خنده

خنده زور کی

صدای خنده

شلیک خنده

با خنده

هر هر خنده

مایه خنده

خنده نیشی

خنده گریانک

خنده پیش خود

خنده توام با خرناس

خنده زیر لبی

خنده نیمه آشکار

زدن زیر خنده

روده بر شدن از خنده

به رعشه انداختن از شدت خنده

به لرزه در آوردن از شدت خنده

هر ته، کر ته، کردن؛ لهجه و گویش تهرانی

خنده کردن، خنده بدون مورد

مضحکه

هر و هر؛ خنده پیاپی، صدای خنده.

هر و کر؛ خندیدن، صدای خنده، خنده پیاپی

.....

در اینترنت مطالب زیادی در مورد مکانیزم خنده و فواید آن، نقش اجتماعی و فردی خنده، نحوه حضور و بروز خنده در ادبیات از ادبیات کلاسیک تا مدرن، تأثیرات شادی بر سلامتی و نظایر آن وجود دارد که علاقمندان می توانند خود دنبال کنند.

تا یادم نرفته بگویم که امسال کتابی از هانری برگسون توسط مهستی بحرینی ترجمه شده تحت عنوان خنده (جستار در معنی امور خنده آور) که در سال ۱۹۰۰ نوشته شده بوده! و طی آن این فیلسوف شهودی یا ایده آلیست می کوشد توضیح دهد معنی خنده چیست و بگوید چه چیزی در کنه امر خنده آور نهفته است.

تلاش برای تقسیم بندی عکس های خنده:

فکر کردم براساس وضعیت تن و بازتاب های خنده بر روی بدن انسان بیایم انواع

خنده را تقسیم بندی کنم و به این نتیجه رسیدم:

خنده بر اساس وضعیت اجزاء تن:

اندام: شکم، کمر، دست ها، سر

صورت: چشم، ابرو، پیشانی، لب، دندان، چانه، گونه

دهان: بسته، فشرده، کمانی، نیم بسته، بسیار باز، مورب، نیم باز

اما دیدم این هم که مکانیکی است و فقط براساس شکل ظاهری تن است و به

وضعیت ذهنی و تفکر و ارتباط دیالکتیکی تن و ذهن که در حقیقت بر انواع خندیدن

حاکم است تطبیق نمی کند خلاصه حسایی پکر شده بودم و با خودم گفتم حالا اول

بگذار براساس عکس هایم تعدادی فولدر درست کنم تا بعد ببینم فصل های مختلف

کتاب را باید چگونه تقسیم کنم.

چند روز بعد...

هنگامی که عکس ها از درون آرشیوم انتخاب شدند آنها را در ۳۳ فولدر به شرح زیر

تقسیم کردم اگر چه بعضی عکس ها را می شد در بیش از یک فولدر هم قرار داد

. به هر حال فعلا ۳۳ فولدر با موضوعات زیر دارم که تعدادی بسیار فربه! و تعدادی

هم بسیار لاغر و در حد چند عدد عکس هستند:

خنده بازی - خنده پرسش - خنده جمعی - خنده در جمع - خنده رضایت -

خنده رندی - خنده زور کی - لبخند در مجسمه و نقاشی - خنده شادی - خنده

شرم - خنده فکورانه - خنده کار - خنده کودک - خنده گیج - خنده لذت

- خنده ملایم - خنده ناب - پوزخند - تبسم - خنده تابناک - خنده نخودی

- خنده نمایش - خنده و بازی - خنده وقار - ریشخند - زهر خند - شکر خند -

قهقهه - گریه و خنده - لبخند - نیشخند - هر و کر - هم خنده شدن ...

طی چند مرحله حدود ۵۰۰ عکس را که در ابتدا انتخاب کرده بودم حذف کردم.

حال باید با ادغام موضوعات نزدیک به هم فصول مختلف کتاب را تعیین می کردم

خوبی نرم افزارهای صفحه آرایی اینست که به راحتی می توان هر صفحه و مطلبی را

حذف و اضافه و جابجا کرد در حالی که حتی شماره صفحه هم به طور اتوماتیک جابجا

خواهد شد! خوب حالا شاید بشود گذاشتن عکس ها را شروع کرد.

.....

..... چند هفته بعد کتابی با متجاوز از ۹۰۰ صفحه داشتم که باز هم نصف تصاویر

را حذف کردم تا بالاخره کتاب به این صورتی شد که در اختیار شماست!

خندهٔ تابناک

خندهٔ ناب

شکرخند

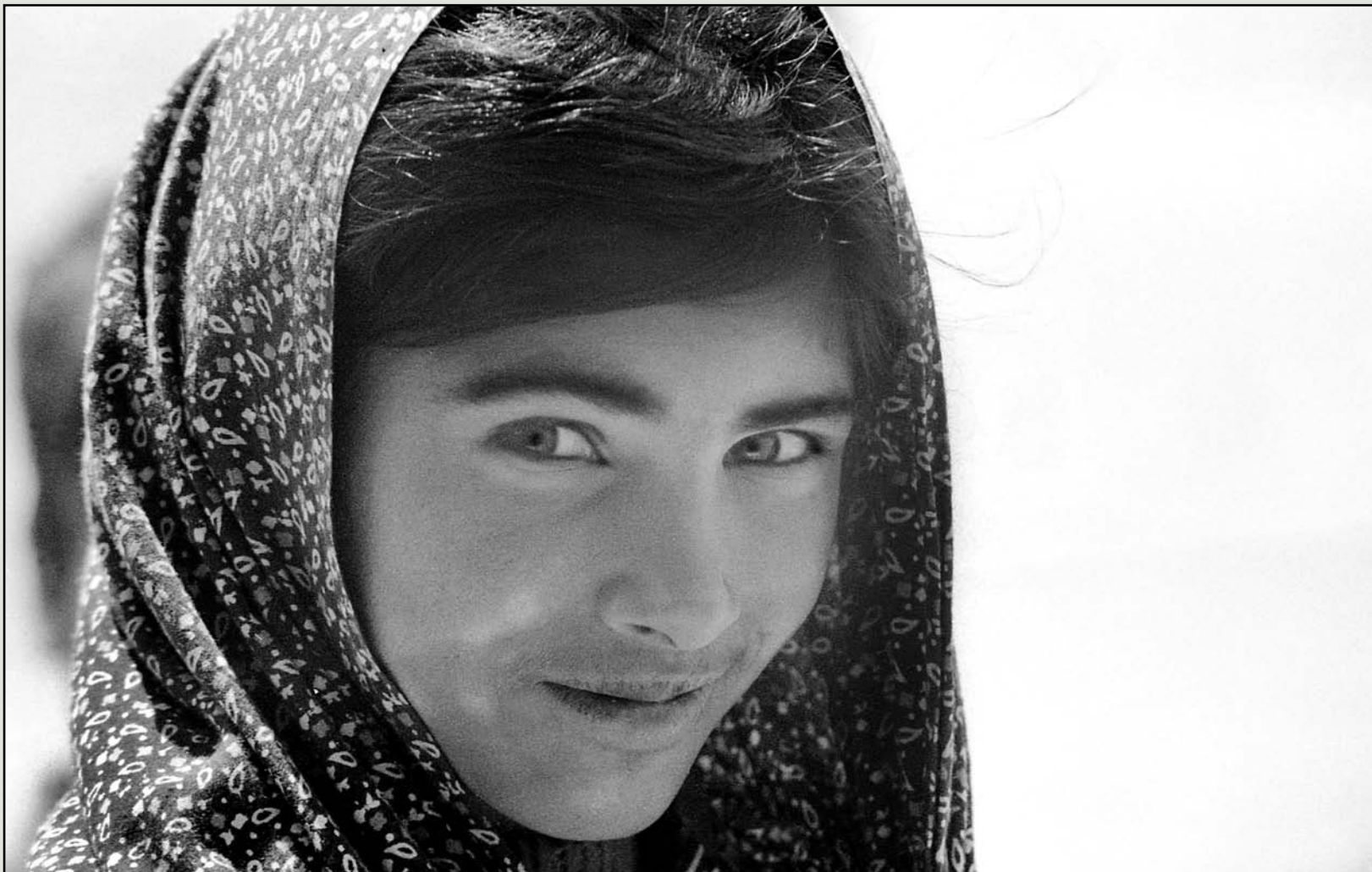
لذت



در سال ۱۳۹۴ مشغول عکاسی از محصولات در کارخانه ایمن تیار در شهرک صنعتی سپهر در شهرستان نظرآباد استان البرز بودم که کارگر جوانی با شرم و حیای خاص به من نزدیک شد و گفت: نمیشود عکس مرا هم بگیری؟ گفتم چرا نمی شود روی این صندلی بنشین تا عکست را بگیرم و بعد از تنظیم نورها به سرعت عکسی از او گرفتم و او هم رفت. بیشتر این افراد گویی فقط عکس گرفتن برایشان مهم است و داشتن عکس چندان اهمیتی برایشان ندارد. عکس پر انرژی این کارگر جوان طلایه کتاب من در مورد خنده و شادی است.



در سال ۱۳۹۶ در شهر پکن در خیابان وان فوجینگ این دختر جوان چینی تلاش می کرد تا نوعی چای مخصوص را به مشتریان فروشگاه بفروشد. به نظر تازه کار می آمد و با شرم و حیای خاصی وظیفه اش را انجام می داد. با خوشرویی پذیرفت که چند عکس از او بگیرم.



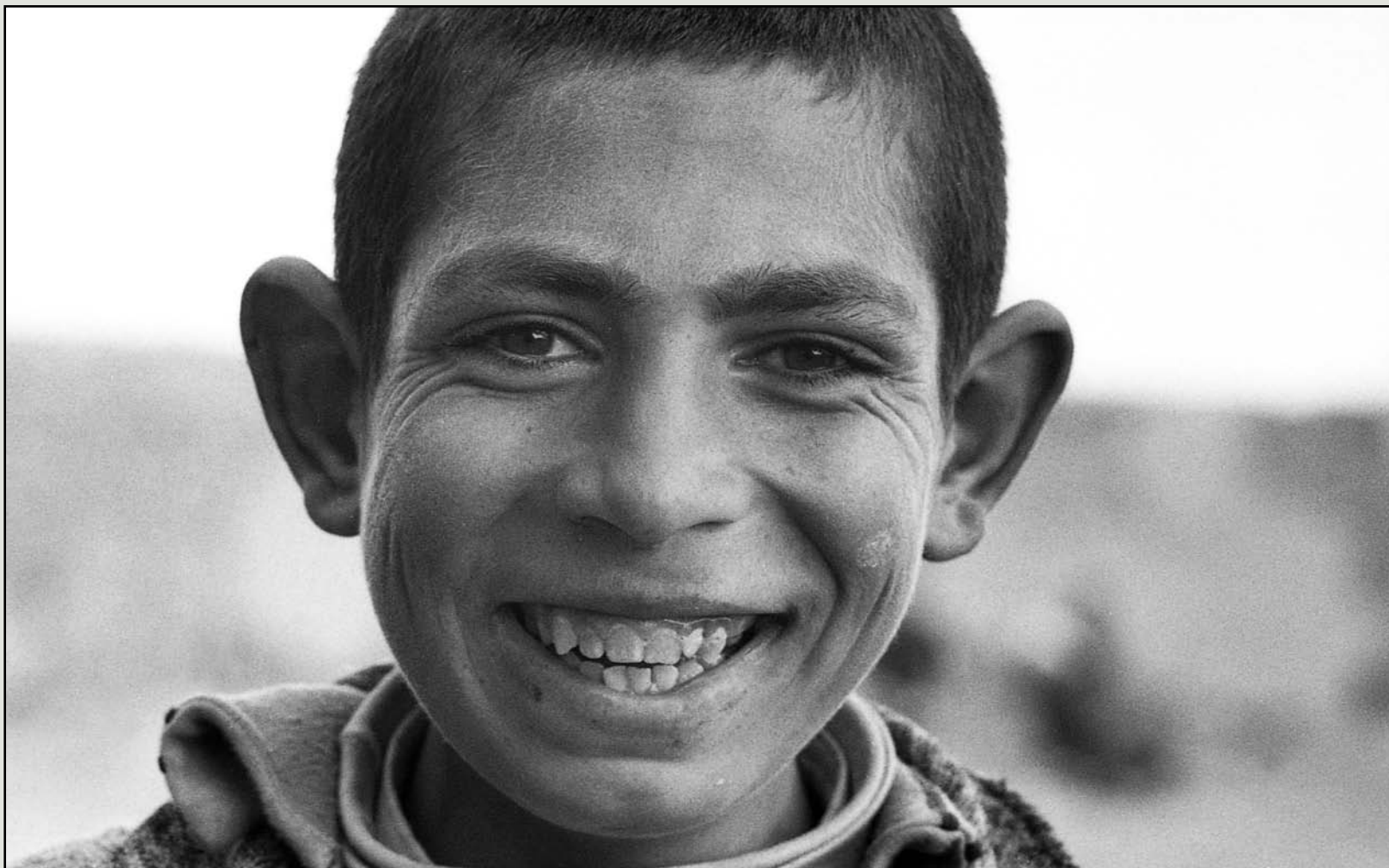
در پاییز سال ۱۳۵۶ با استفاده از مرخصی سربازی به دیدن برادرم در بخش شیب آب زابل رفتم. او سپاهی دانش بود و من حدود یک هفته از روستا و دانش آموزان و همکارانش عکاسی کردم. گاه زیبایی های عمیقی از درون فقر و محرومیت های شدیدی که در آن روستا حاکم بود ساطع می شد.



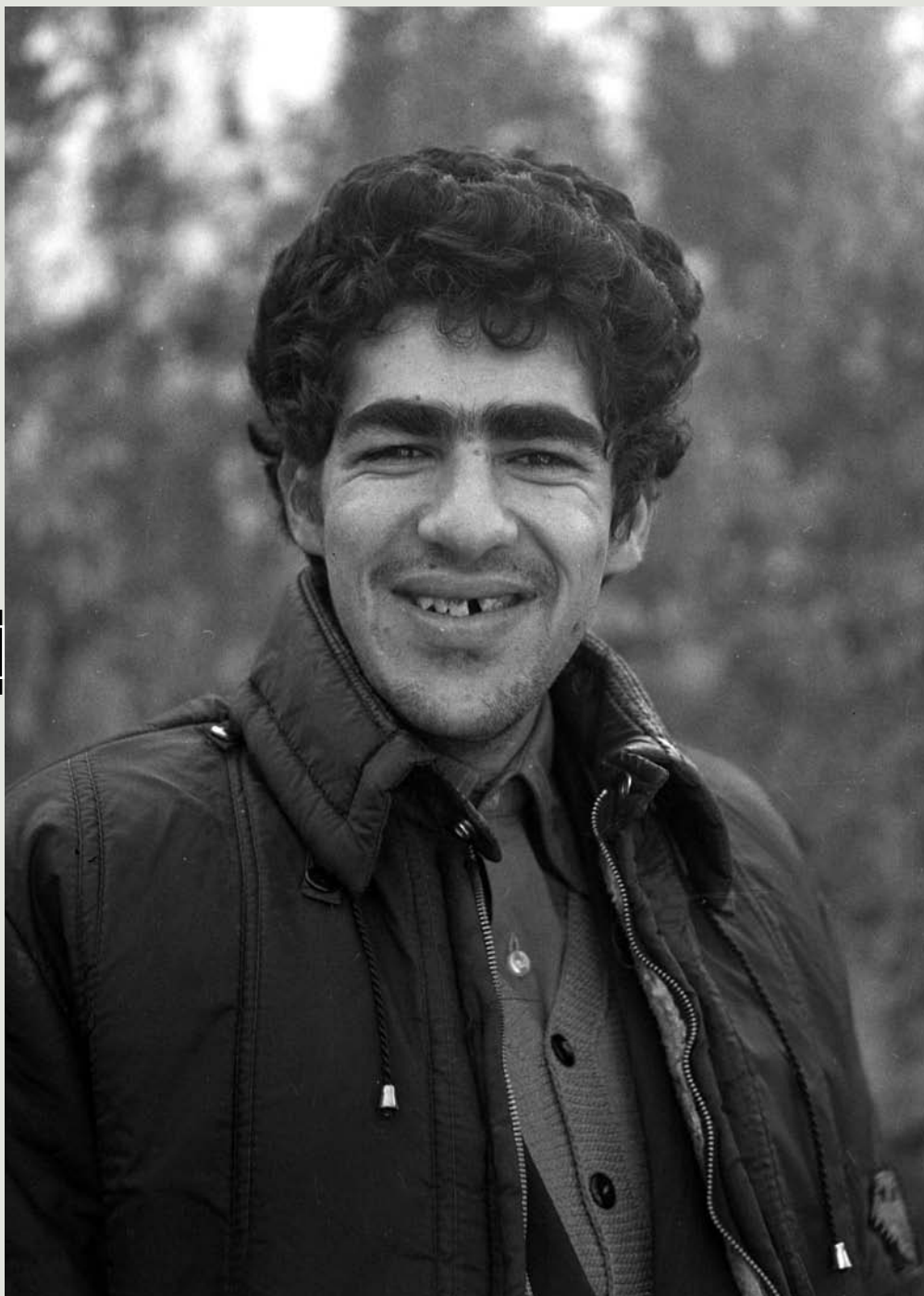
در سال ۱۳۵۲ نوجوانی ۱۷ ساله بودم که با تأثر و عکاسی و نقاشی آشنا شده و زمان های لذت بخشی را با عکاسی کردن می گذرانیدم. برادرم حمید هم عکاسی می کرد. این عکس در خانه پدری ام در کوچه کلاه فرنگی سبزوار گرفته شده است.







برادرم حمید بعد از انقلاب معلم بود و اغلب در روستاهای بخش جوین سبزوار شاغل بود. من هم گاهی به او سرمی زدم و از او و دانش آموزانش عکس می گرفتم دقیقاً نمی دانم این عکس را من گرفته ام یا او! به هر حال باید سال ۱۳۵۹ باشد.



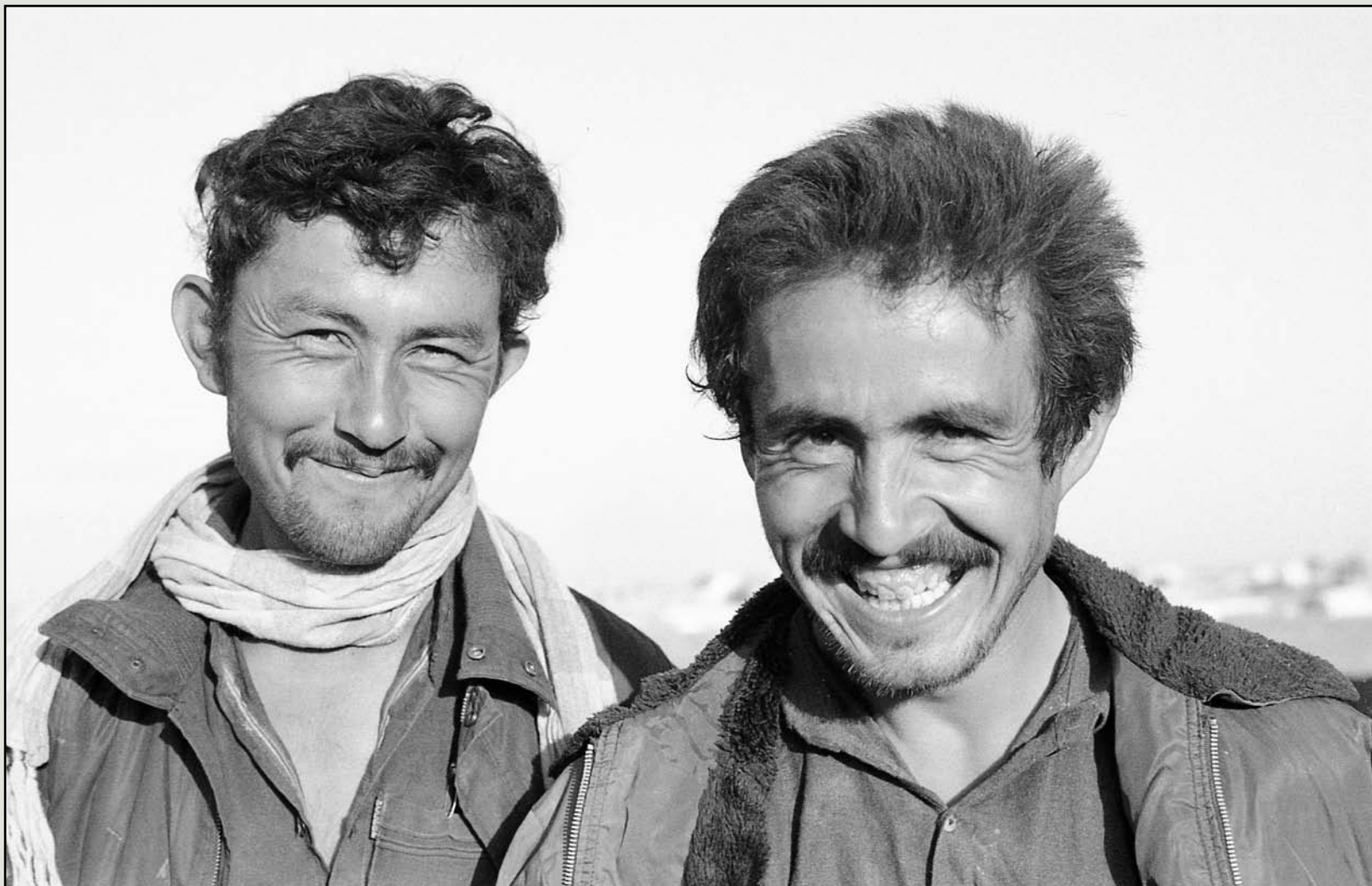
سال ۱۳۵۴، سبزوار



سال ۱۳۵۹ در مشهد از دختر جوانی عکس گرفتم که در کودکی در سبزوار هم بازی و همسایه مان بود! فیلم رنگی اش را خودم در سبزوار ظاهر و چاپ کردم و چند عکس بزرگ هم به او هدیه دادم!



سال ۱۳۷۱، تهران ، فضای صمیمی درون خانواده
موقعیت های دلپذیری برای عکاسی فراهم می آورد
که طی آن عکاس و دوربین کاملاً به فراموشی سپرده
می شوند.



سال ۱۳۶۸ که برای همیشه در تهران ساکن شده بودم برای عکاسی از یک پروژه ساختمانی به ایران شهر رفتم و در محوطه کارگاه ساختمانی از کارگران خونگرم و دوست داشتنی بلوچ عکاسی کردم.



سال ۱۳۶۸ کارگر بلوچی در ایرانشهر







سال ۱۳۹۱ در پارک ساعی تهران





سال ۱۳۹۷ شهر جیپور ، هند
دوست حیوانات در معبد میمون ها
خودش می گفت که تلویزیون بی بی سی
هم فیلمی از زندگی او در این محل تهیه
کرده است.



سال ۱۳۹۶ در محله قدیمی هوتونگ
در شهر پکن چین



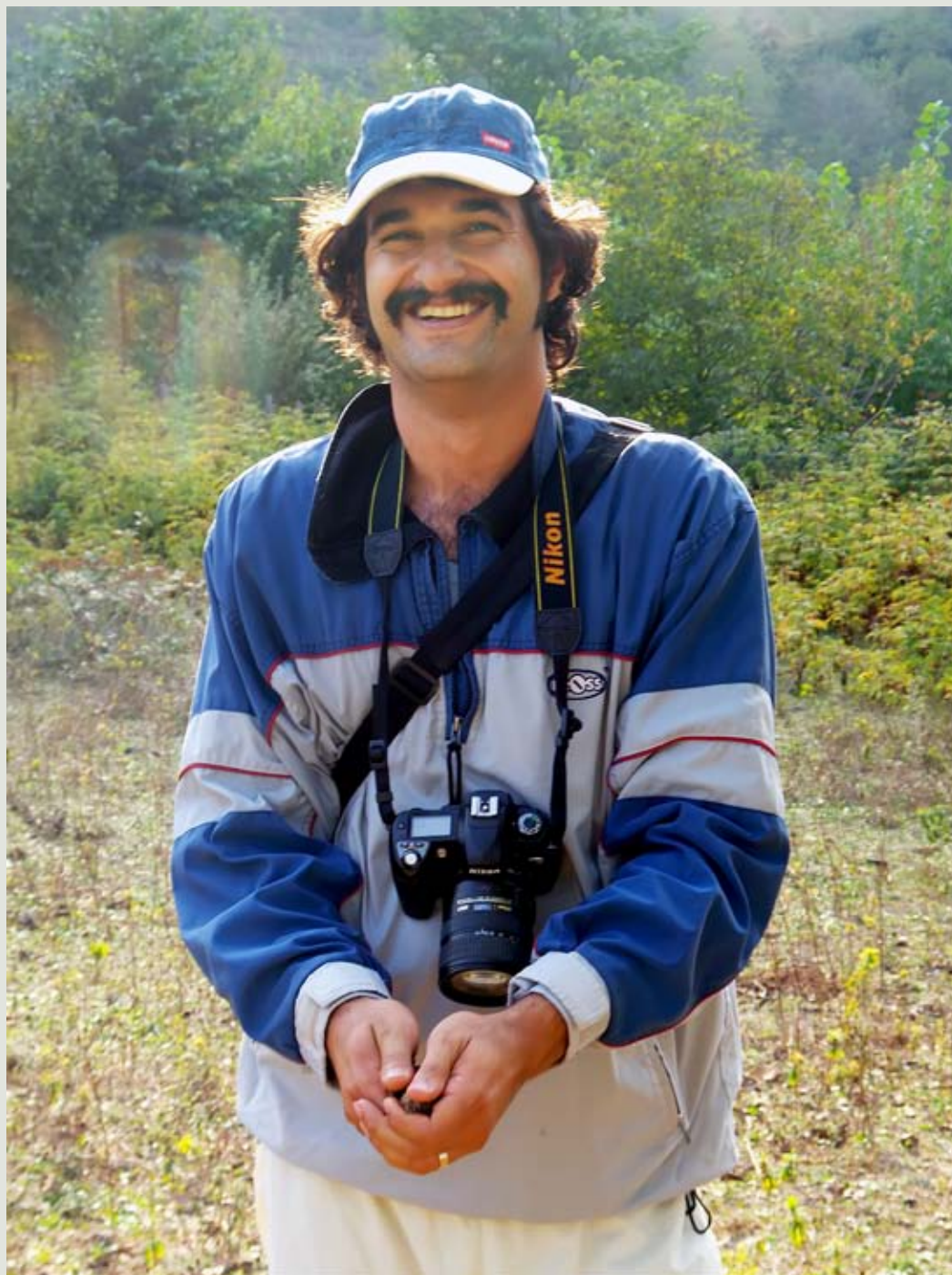
سال ۱۳۵۶ بخش شیب آب زابل، روستای گرگیج، خواهر و برادری
که دانش آموزان برادرم بودند و هم او از آنها عکس گرفته است..





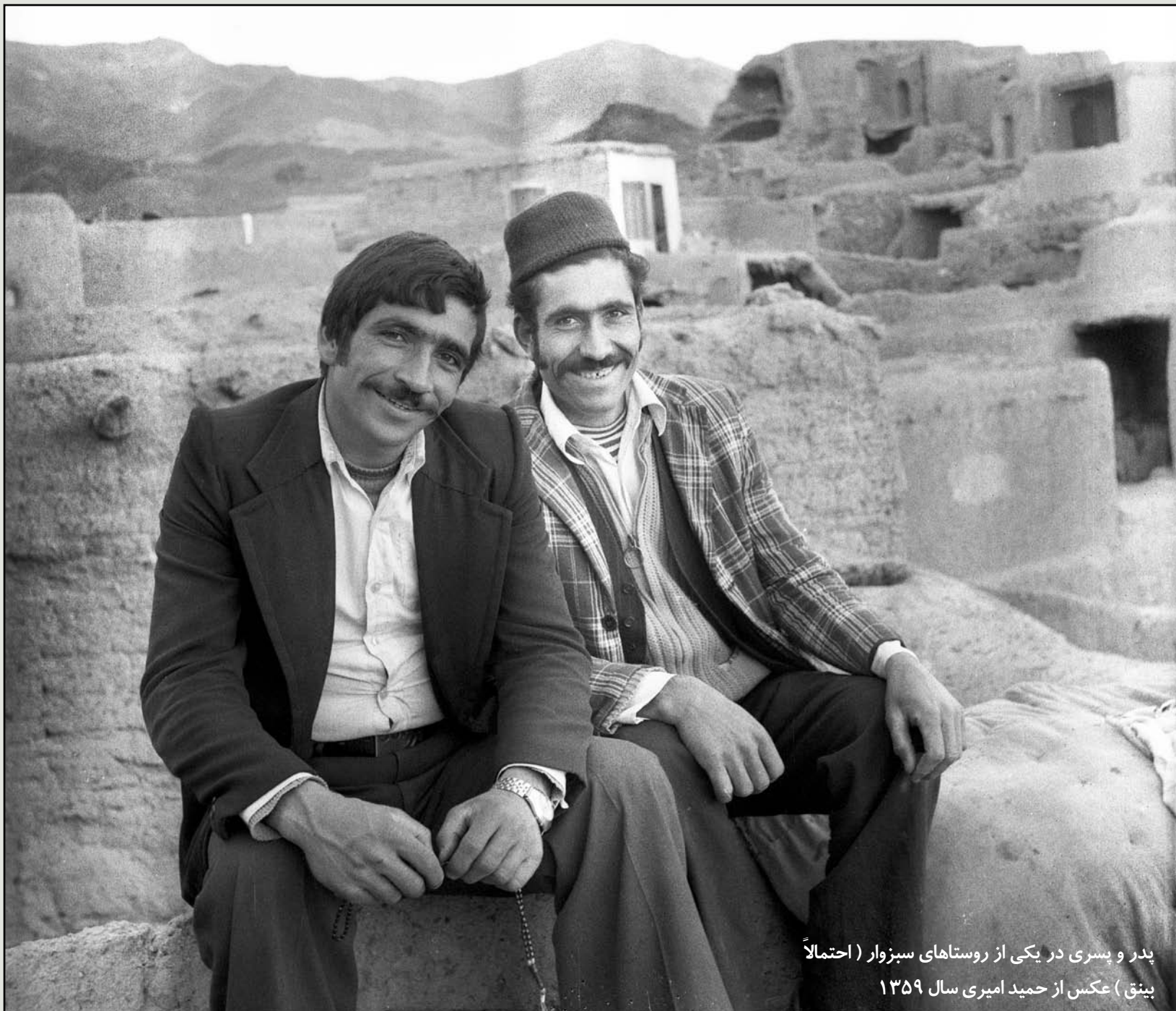


سال ۱۳۹۷ هروی، تهران



سال ۱۳۹۴ بسطام نوشهر





پدر و پسری در یکی از روستاهای سبزوار (احتمالاً
بینق) عکس از حمید امیری سال ۱۳۵۹



تهران، سال ۱۳۹۷ شادی پدر و مادر، در
هنگام گفتگو با نوه شان در خارج از کشور







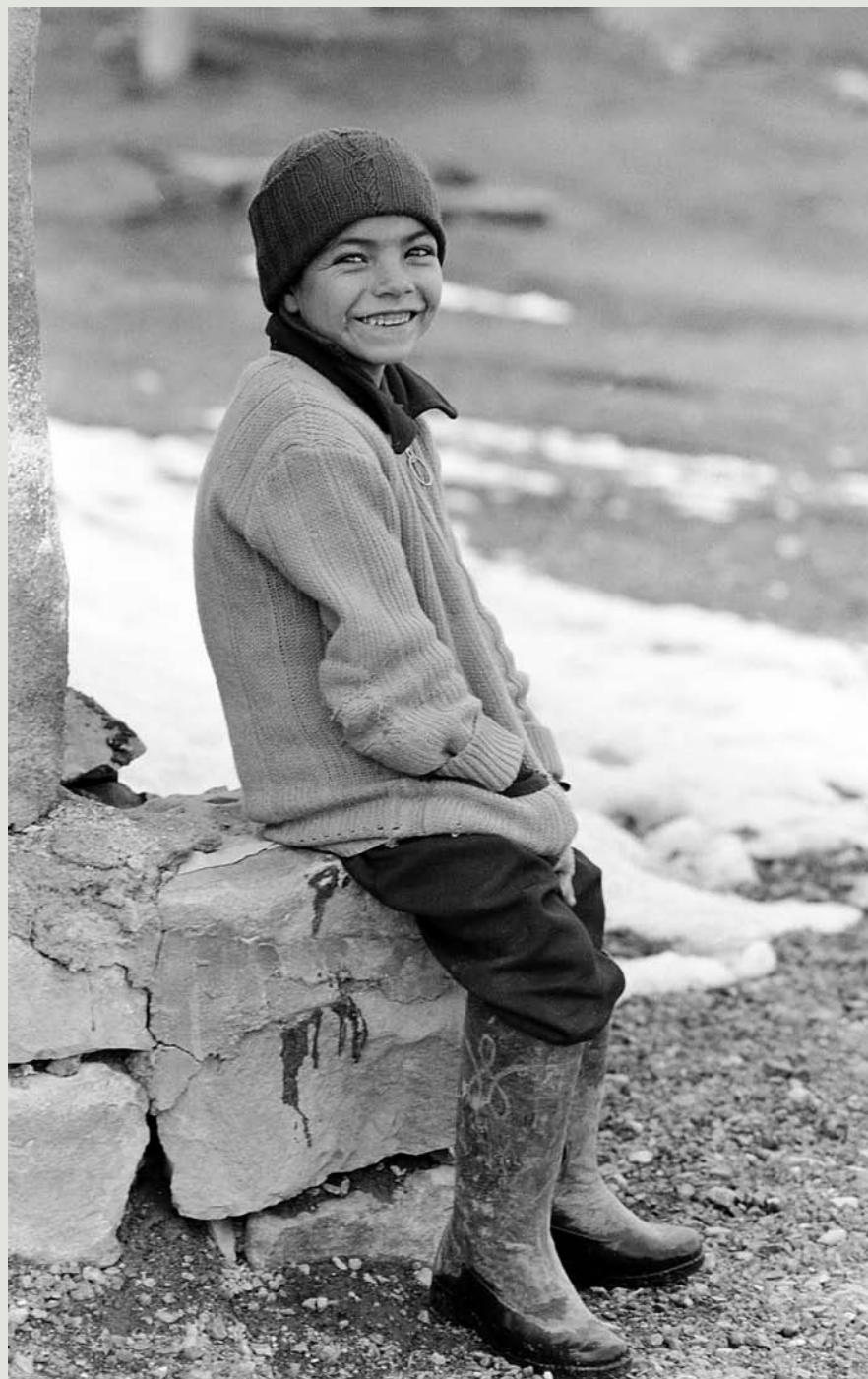




سال ۱۳۹۶ دوست محقق و نویسنده ام
در سفر چین در شهر پکن



سال ۱۳۹۶ در محله قدیمی
هوتونگ در شهر پکن چین







سال ۱۳۹۶ در محله قدیمی هوتونگ
در شهر پکن چین



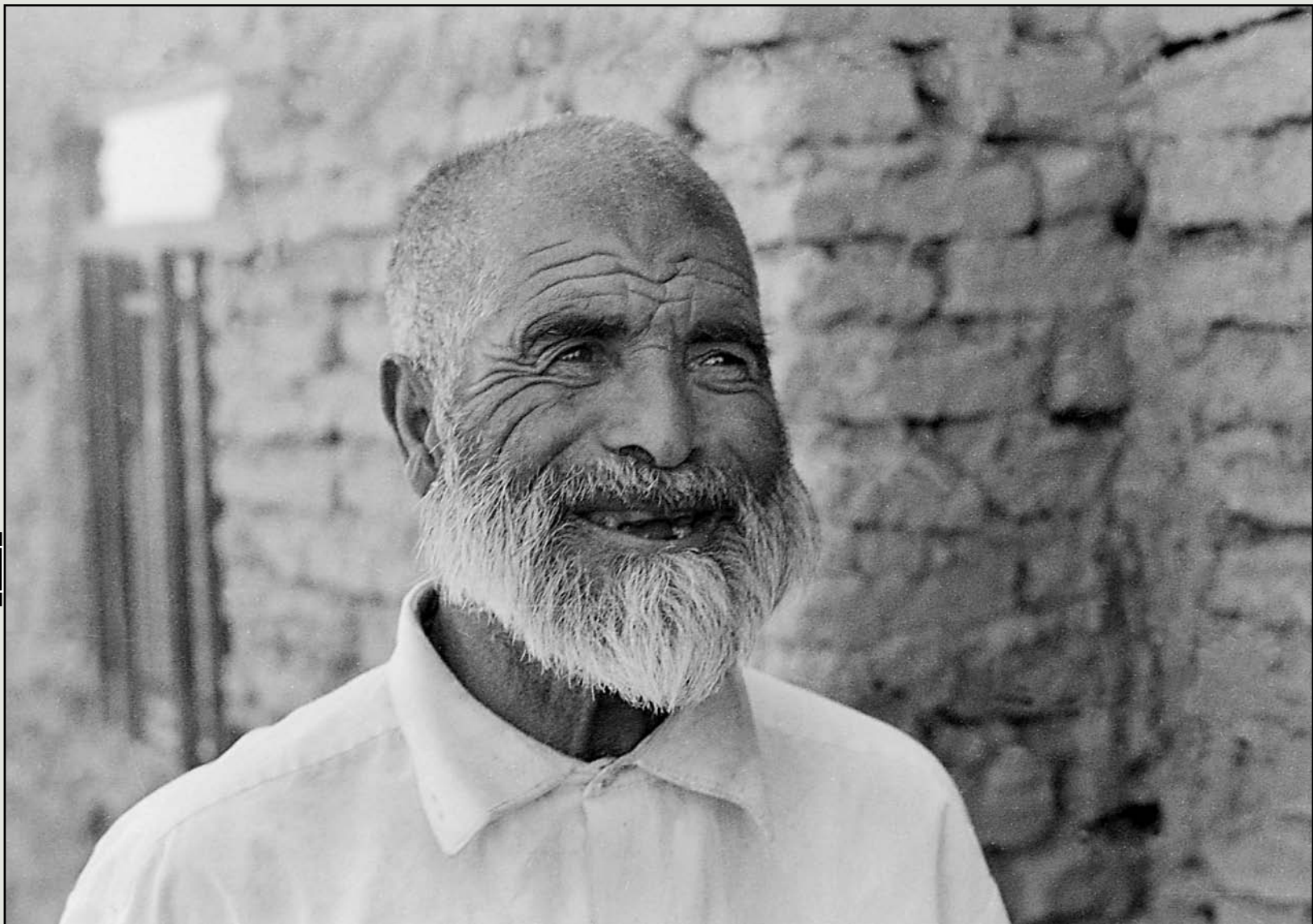
سال ۱۳۹۶ در نزدیکی استادیوم لانه
پرنده المپیک در شهر پکن چین





سال ۱۳۹۷ فرودگاه بین المللی امام تهران









سال ۱۳۹۷ عرفان عسگری راهنمای نور در سفر هند





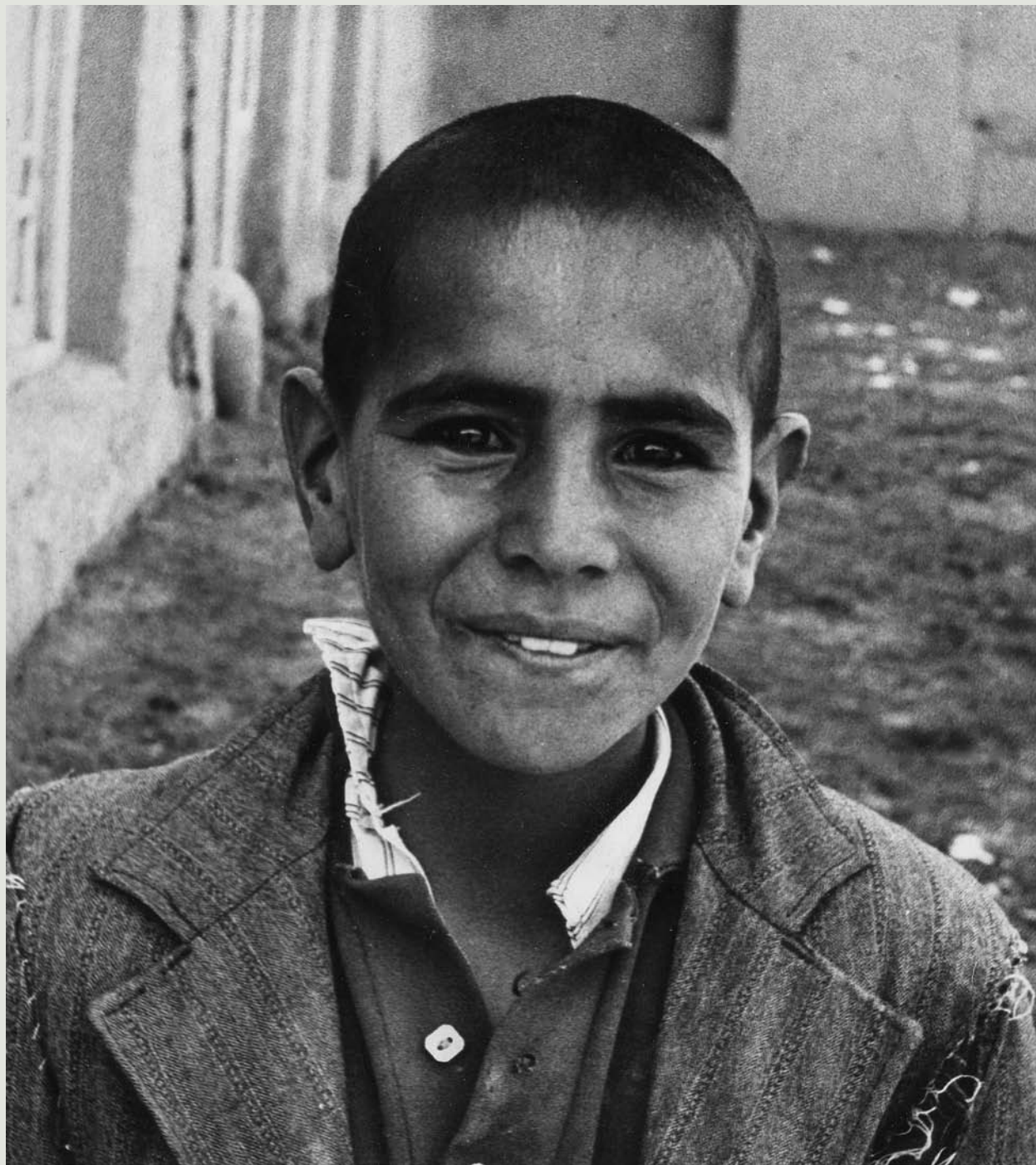




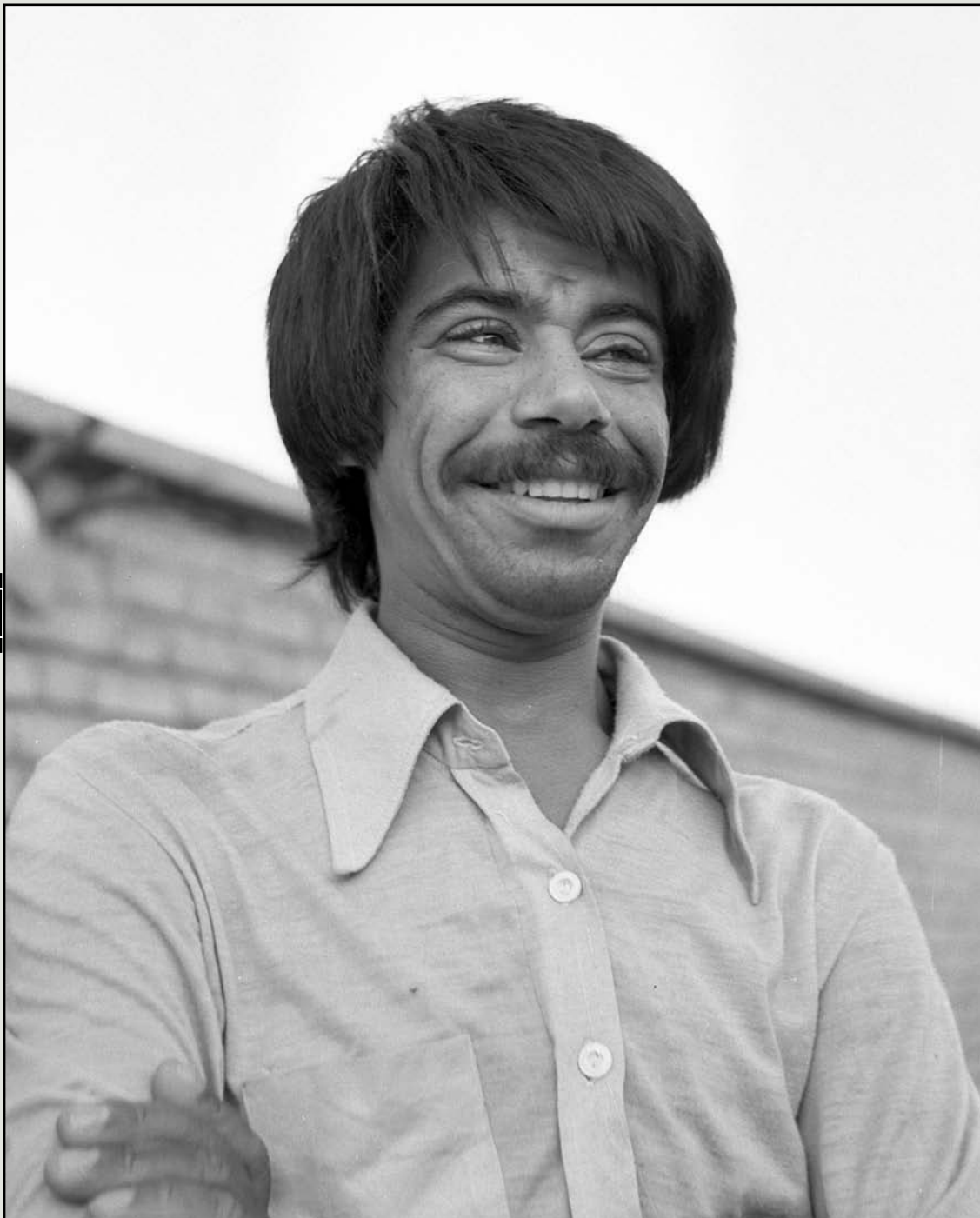
سال ۱۳۷۱ پسر صاحبخانه مان در محله نظام آباد، تهران



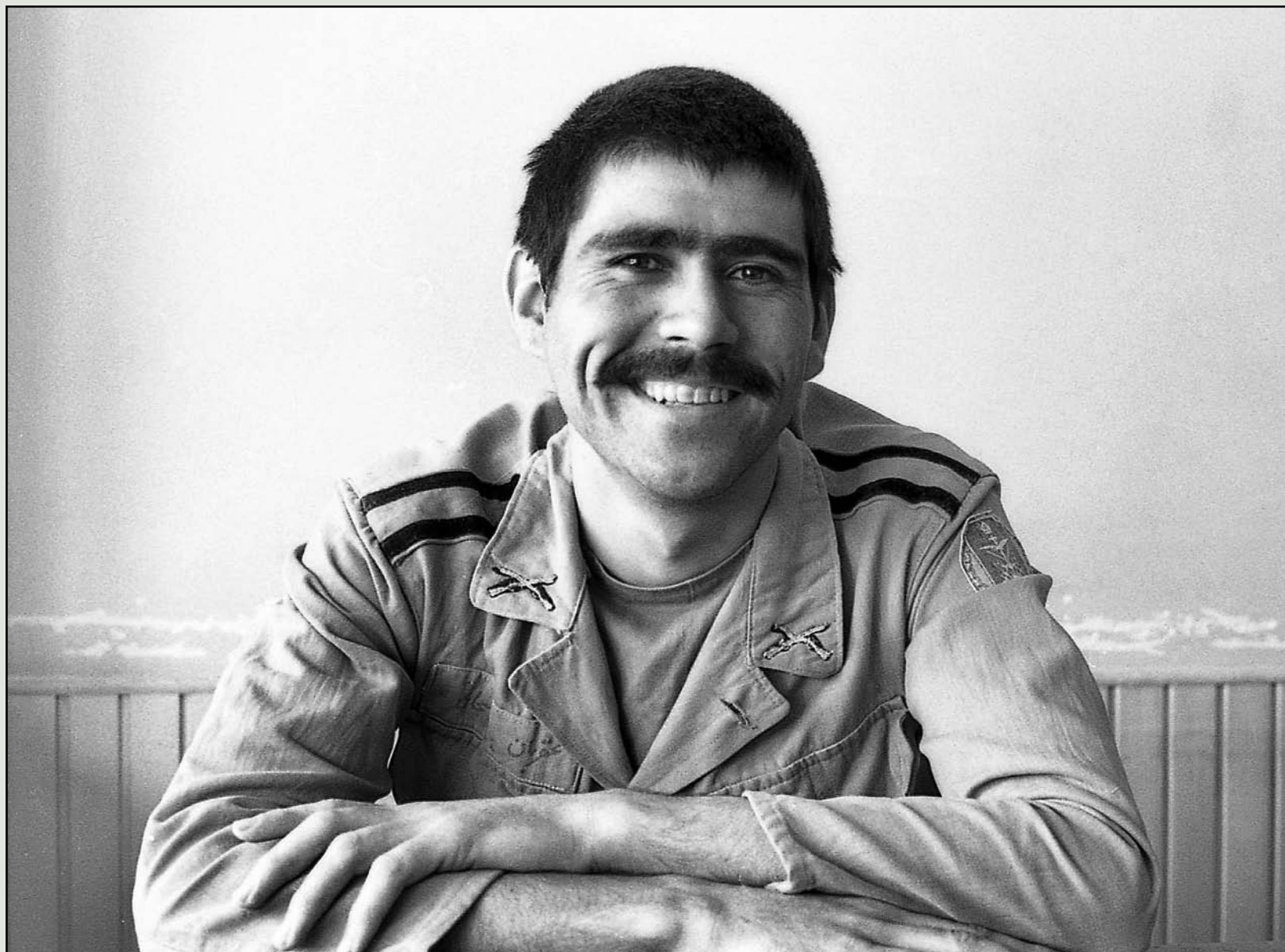
سال ۱۳۵۴ با یکی از دوستان در سفر شاهرود

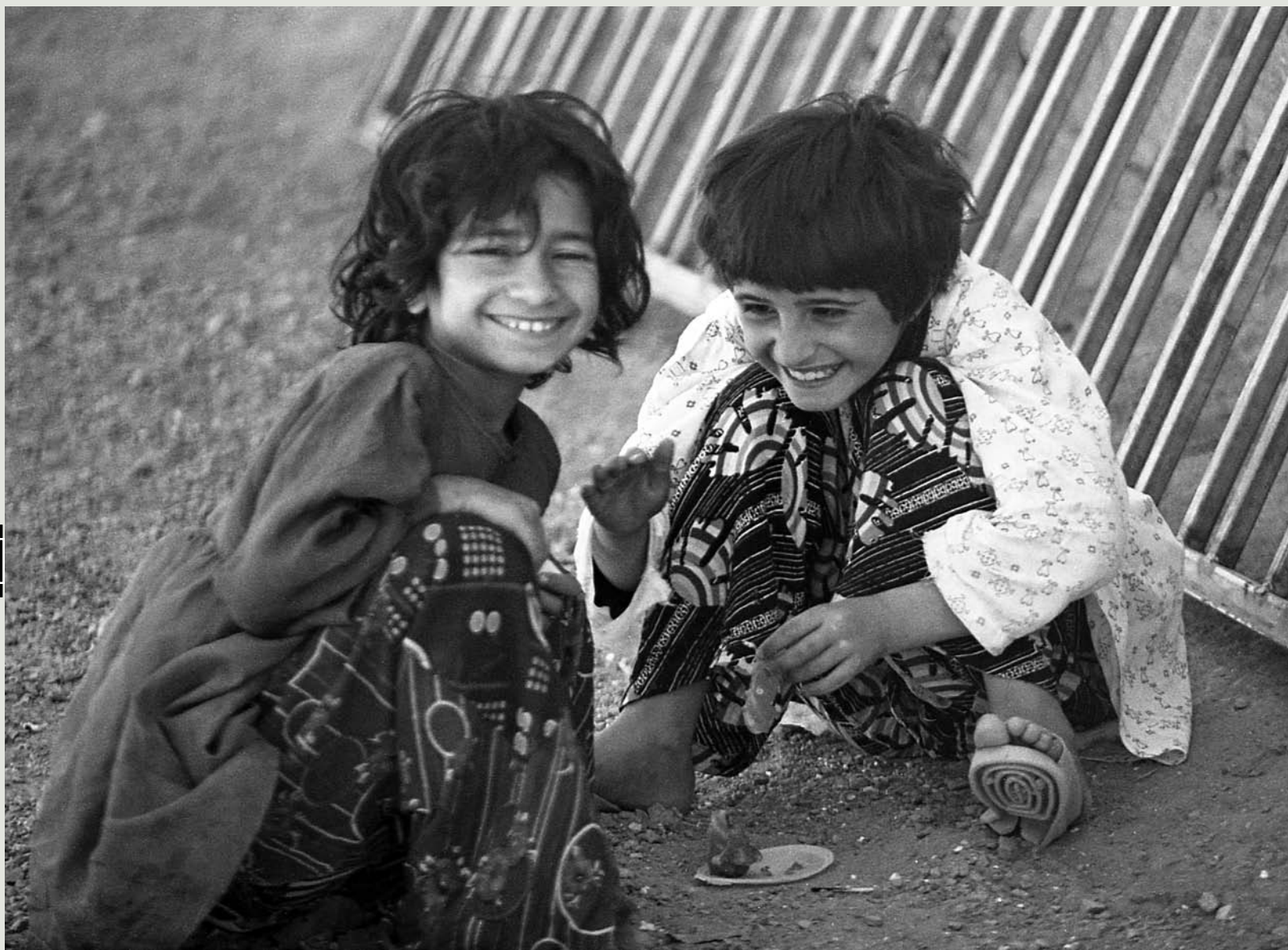


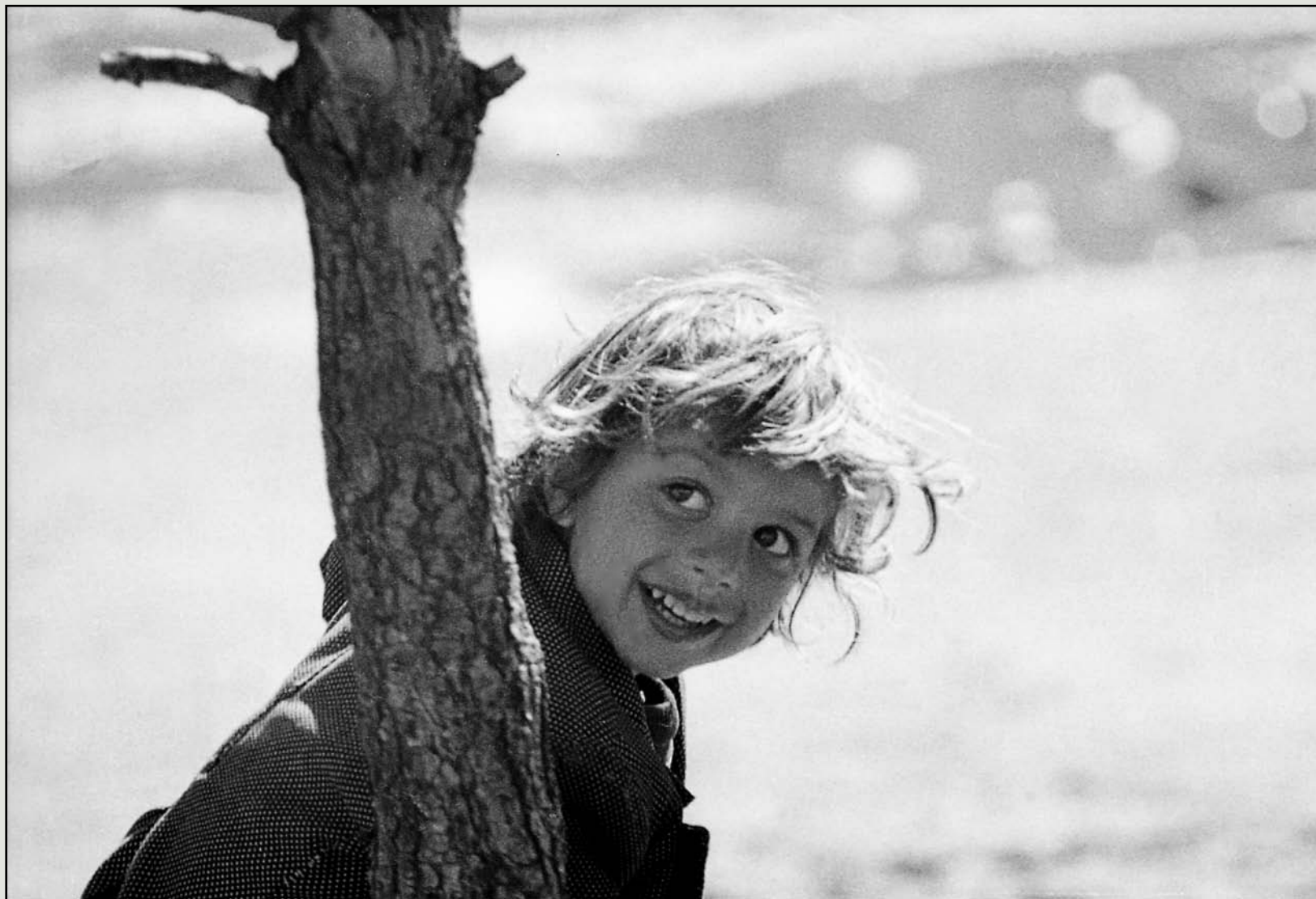
سال ۱۳۵۹ روستای ابراهیم آباد جوین، سبزوار



سال ۱۳۵۴ اردوی عمران در سمنان

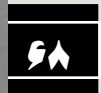
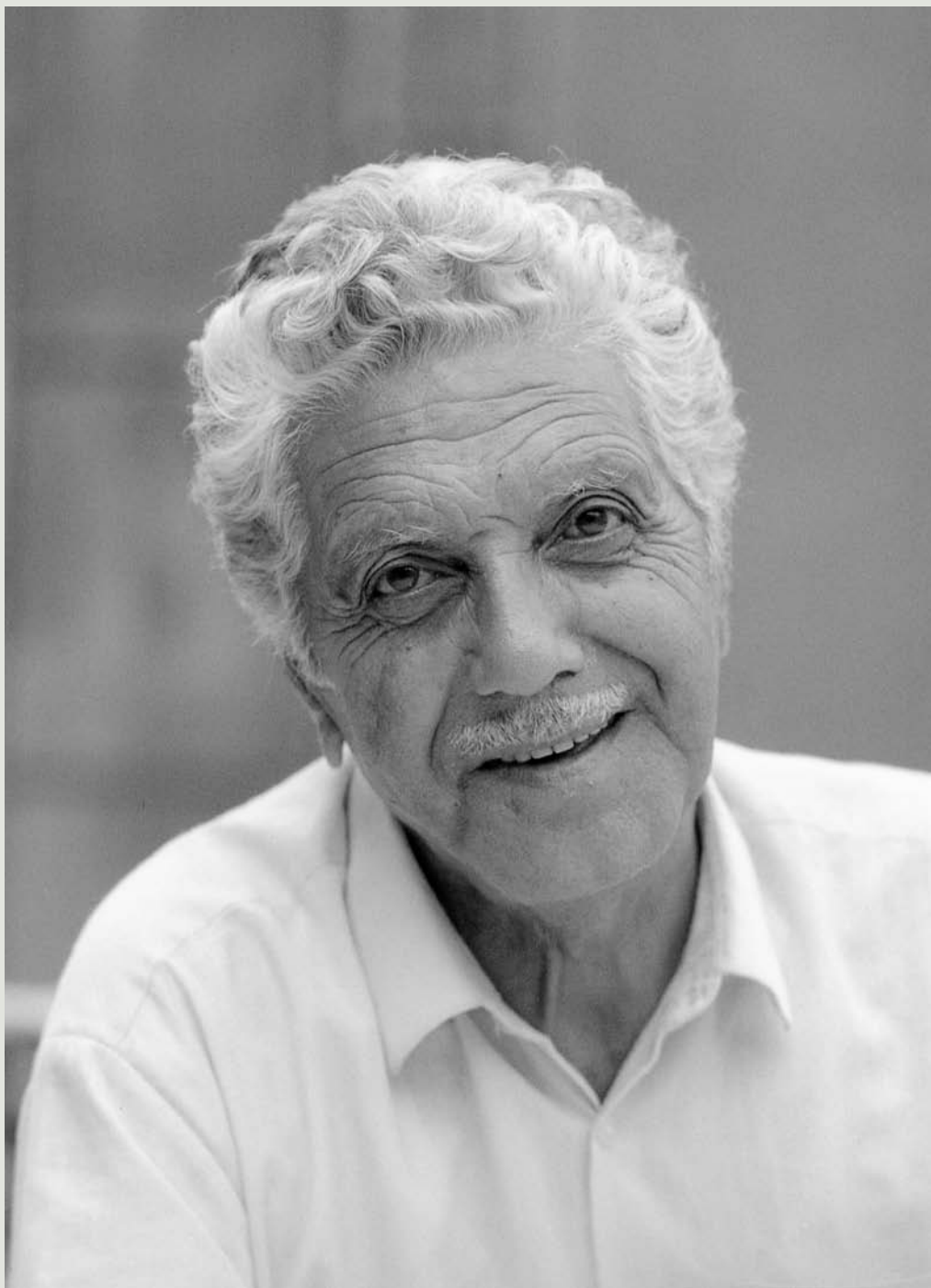




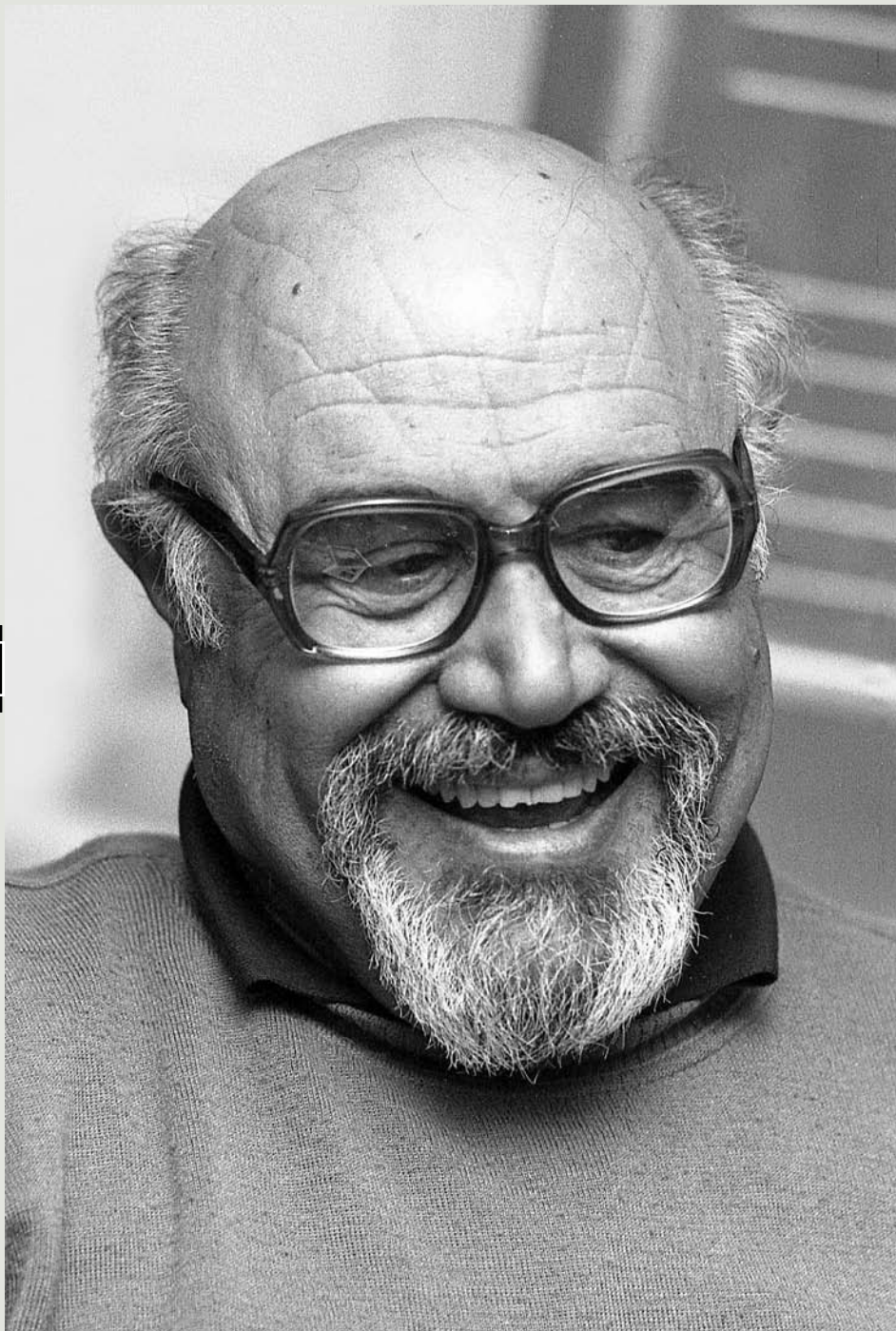




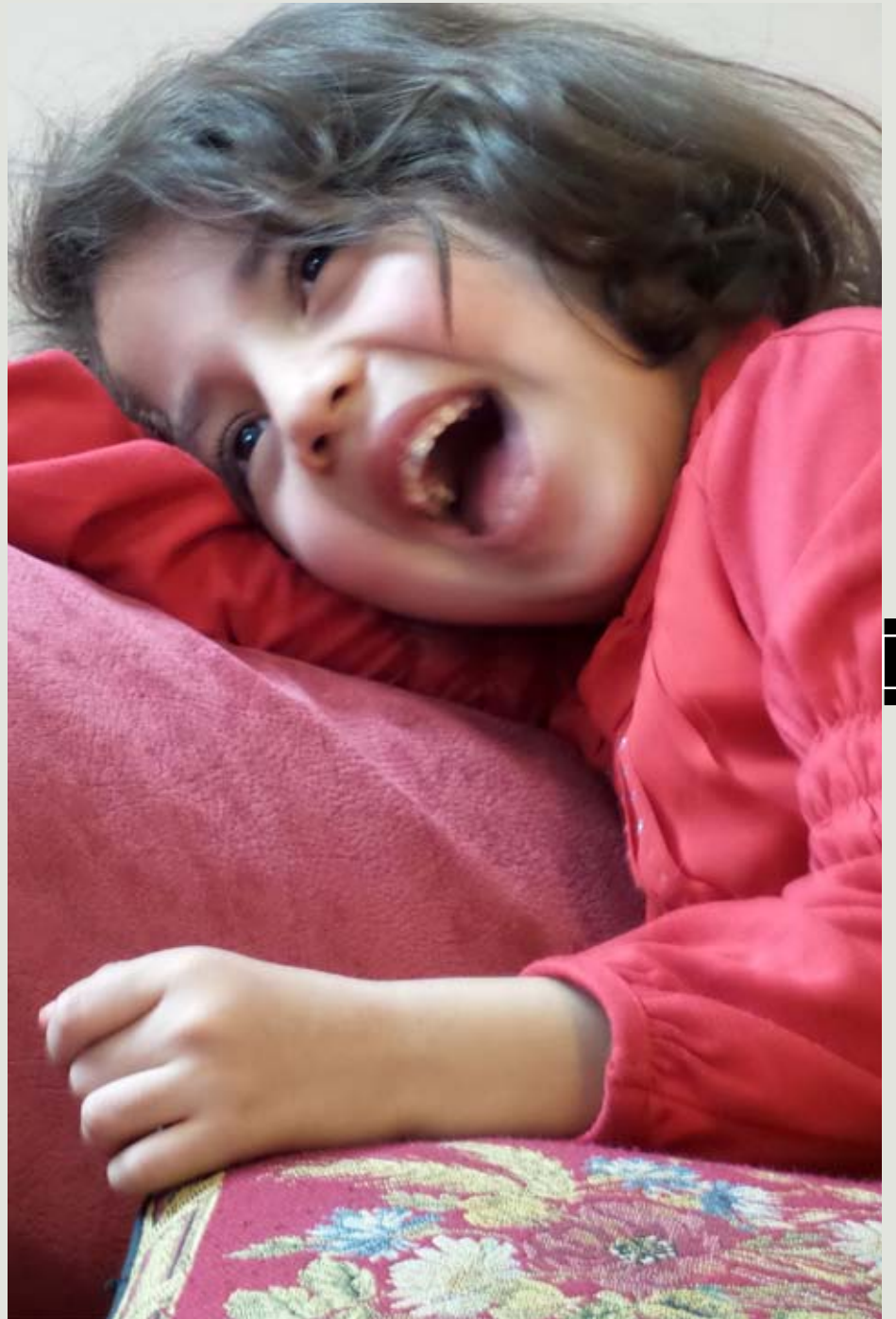
سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲ در تهران



سال ۱۳۷۲ تهران



فخرالدین فخرالدینی استاد درس پرتره در دانشکده
هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۲



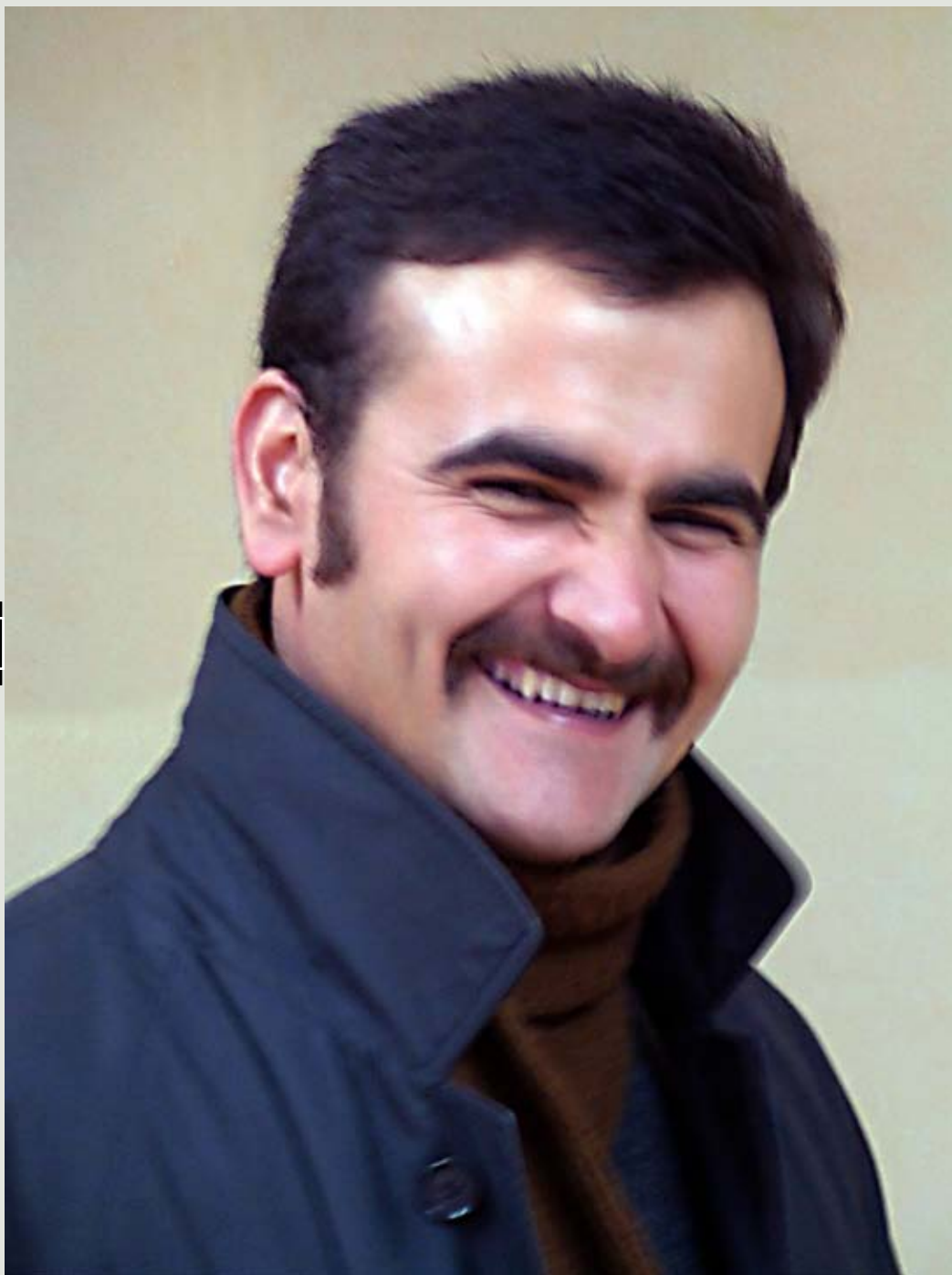
سال ۱۳۹۵ ، سبزوار



سال ۱۳۹۵، کرج



سال ۱۳۹۲ بسطام نوشهر، طوفان همه
چیز را آشفته کرده بود و زمان مناسبی
بود برای عکاسی از مهمانان خوبمان!



سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ چندنمایشگاه
از آثار هنرمندان سبزواری در نگارخانه
سپنج برگزار کردیم منجمله اقامرتضی!







سال ۱۳۹۷ ، تهران



سال ۱۳۹۷، گرگان



سال ۱۳۹۶ تهران



سال ۱۳۹۶ تهران



سال ۱۳۶۹ تهران

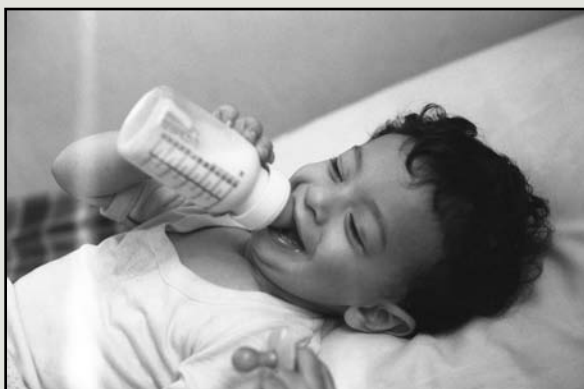


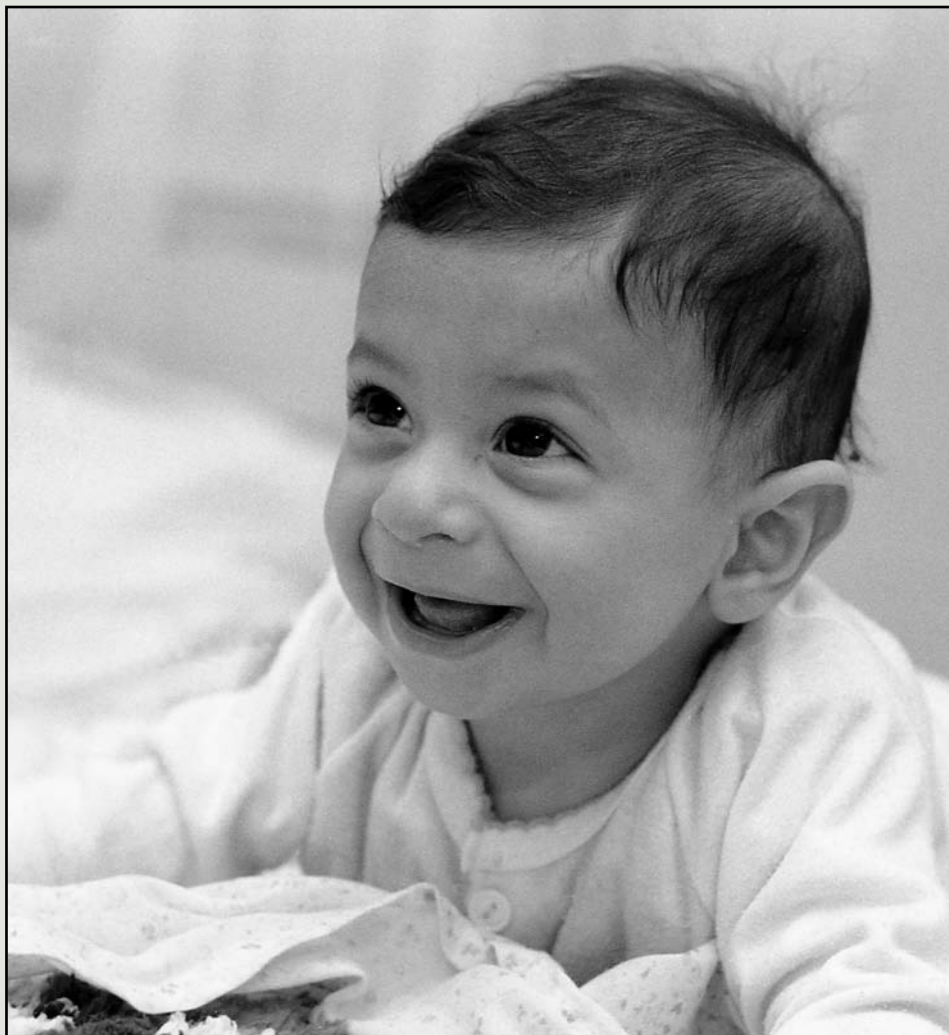
سال ۱۳۷۲ تهران





سال ۱۳۷۳ تهران





سال ۱۳۶۸ تهران سال ۱۳۷۳ تهران





سال ۱۳۹۲ یزد



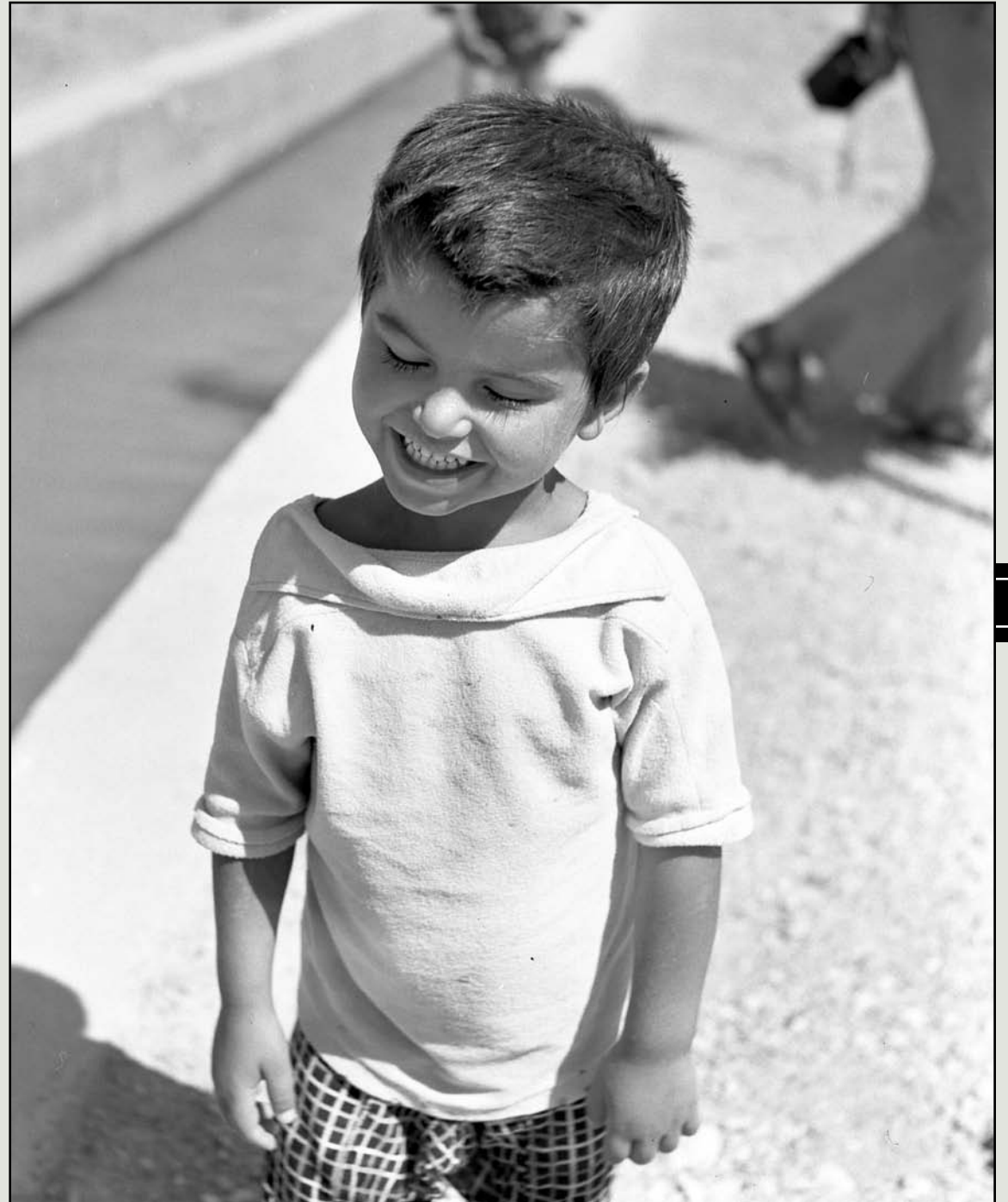




سال ۱۳۷۱ مشهد



سال ۱۳۷۳ مشهد



سال ۱۳۵۳ دامغان





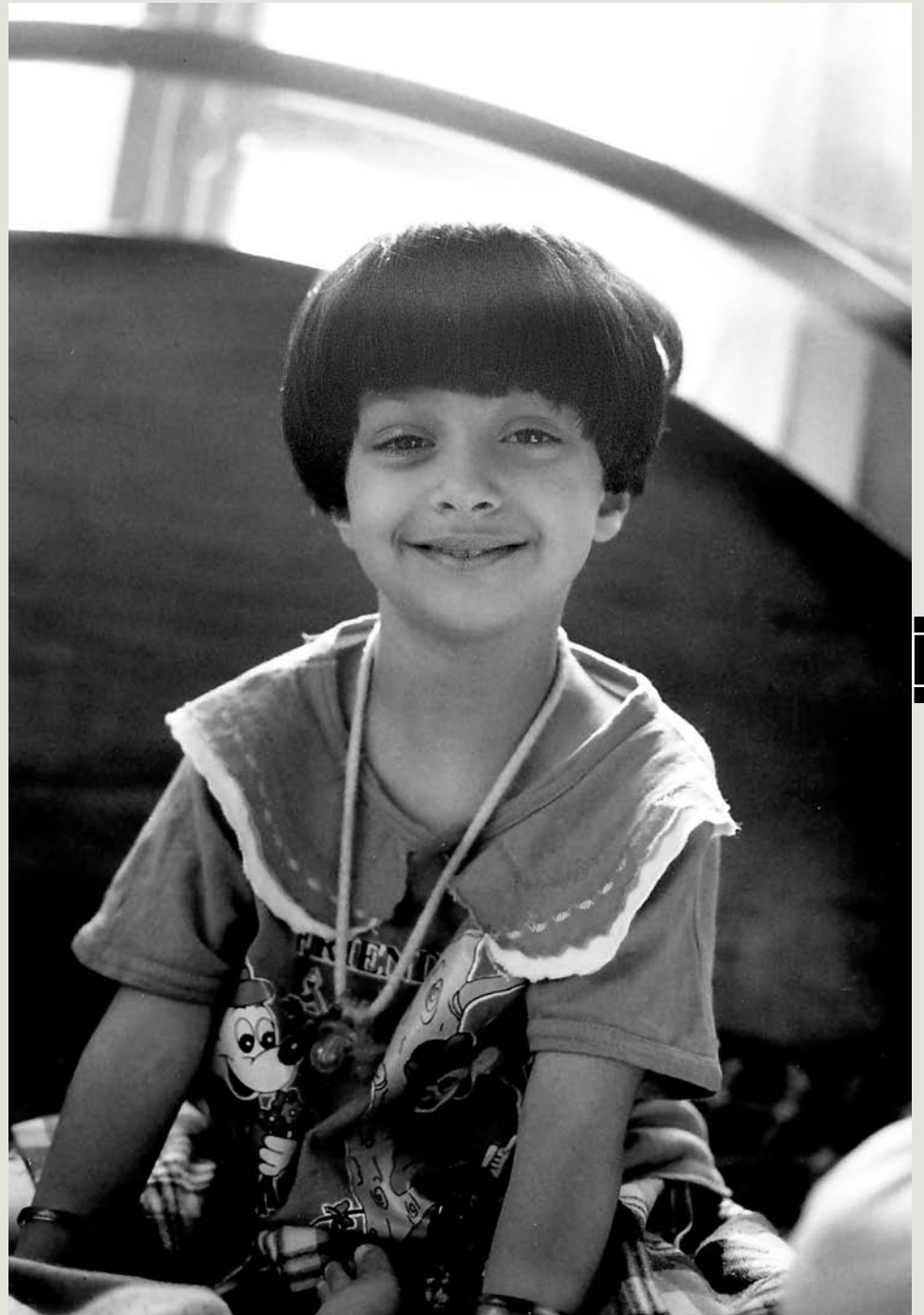
سال ۱۳۵۳ برآباد، سبزوار















سال ۱۳۷۳ تهران

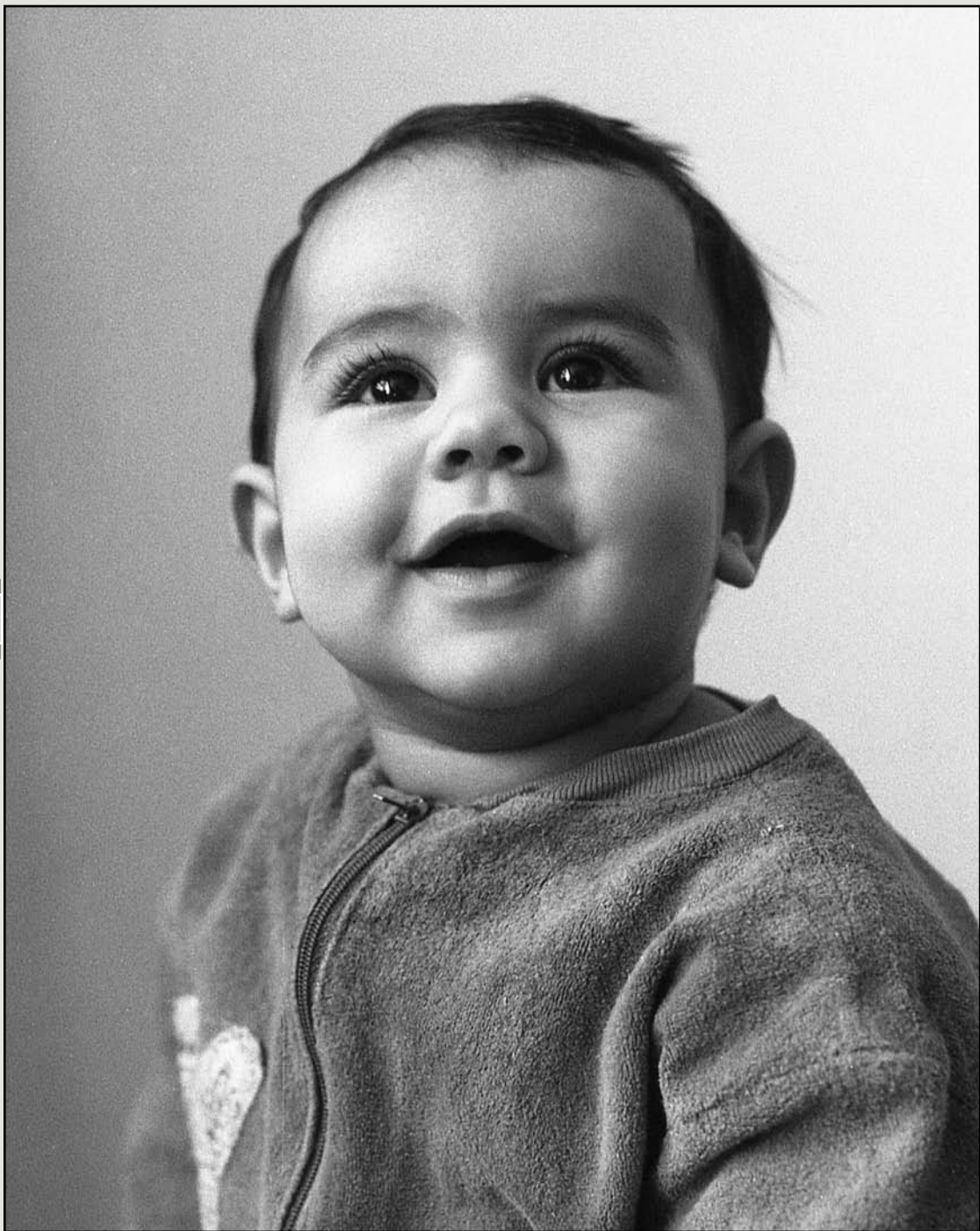








۱۳۶۸ تهران



۱۳۶۸ تهران



سال ۱۳۹۶ چند ماه قبل از مهاجرت، دوست
و هم کلاسی دانشگاه و هنرمند خلاق

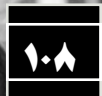
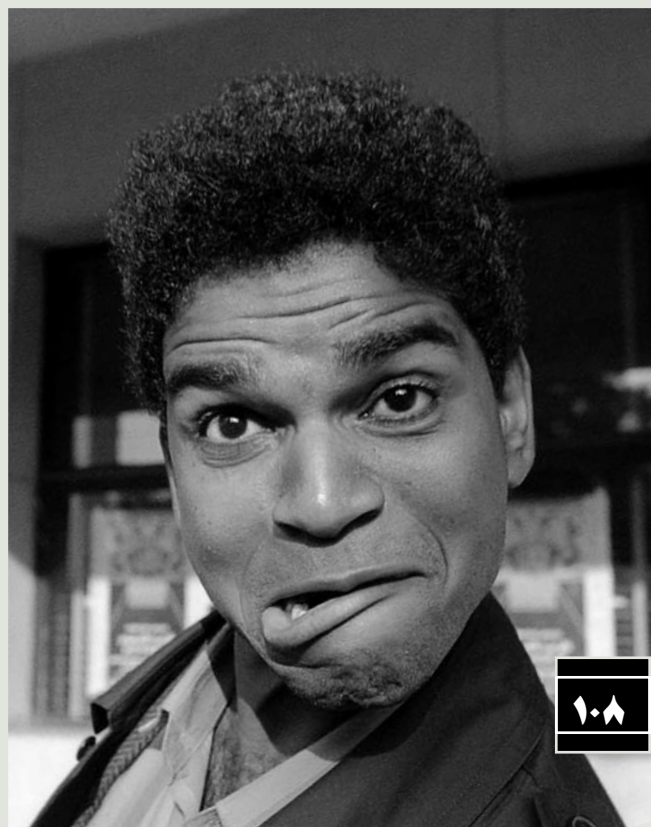




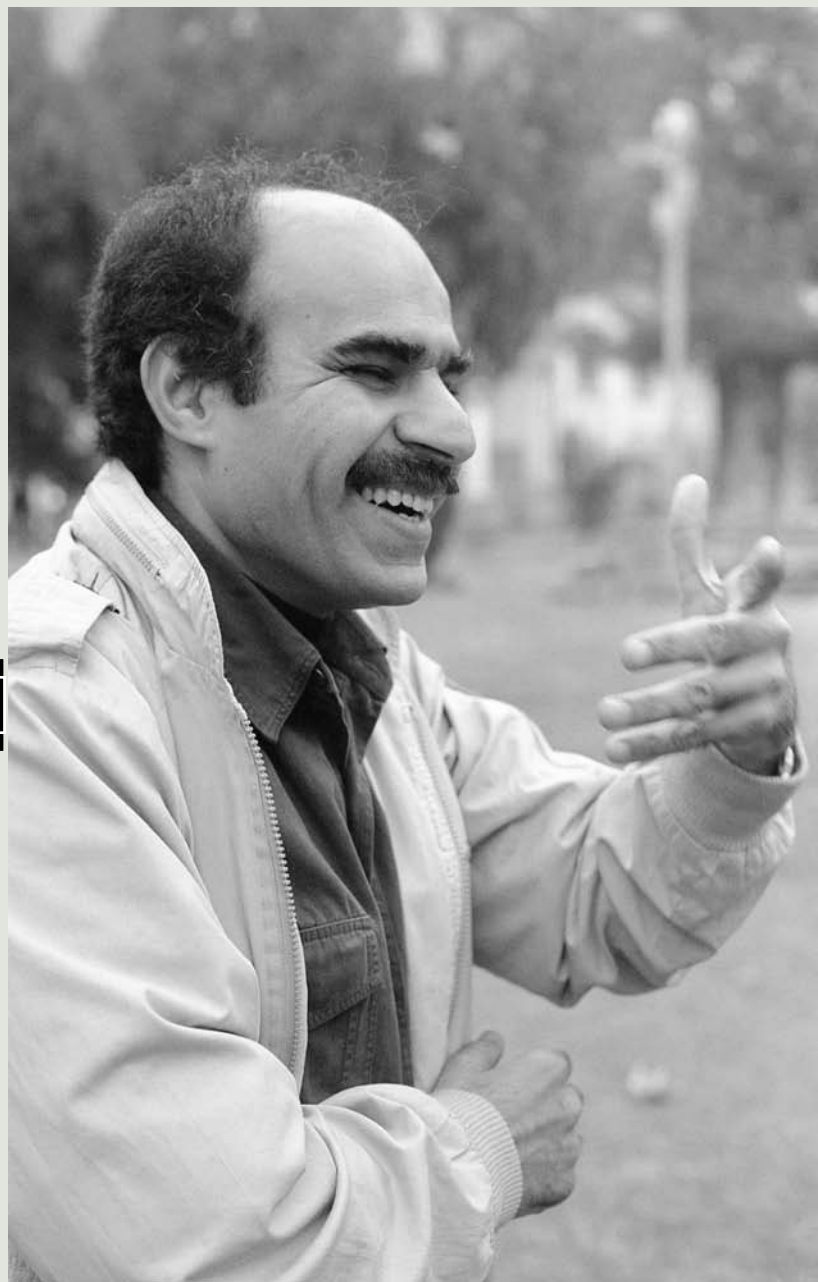








سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ و دوستان رشته عکاسی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران



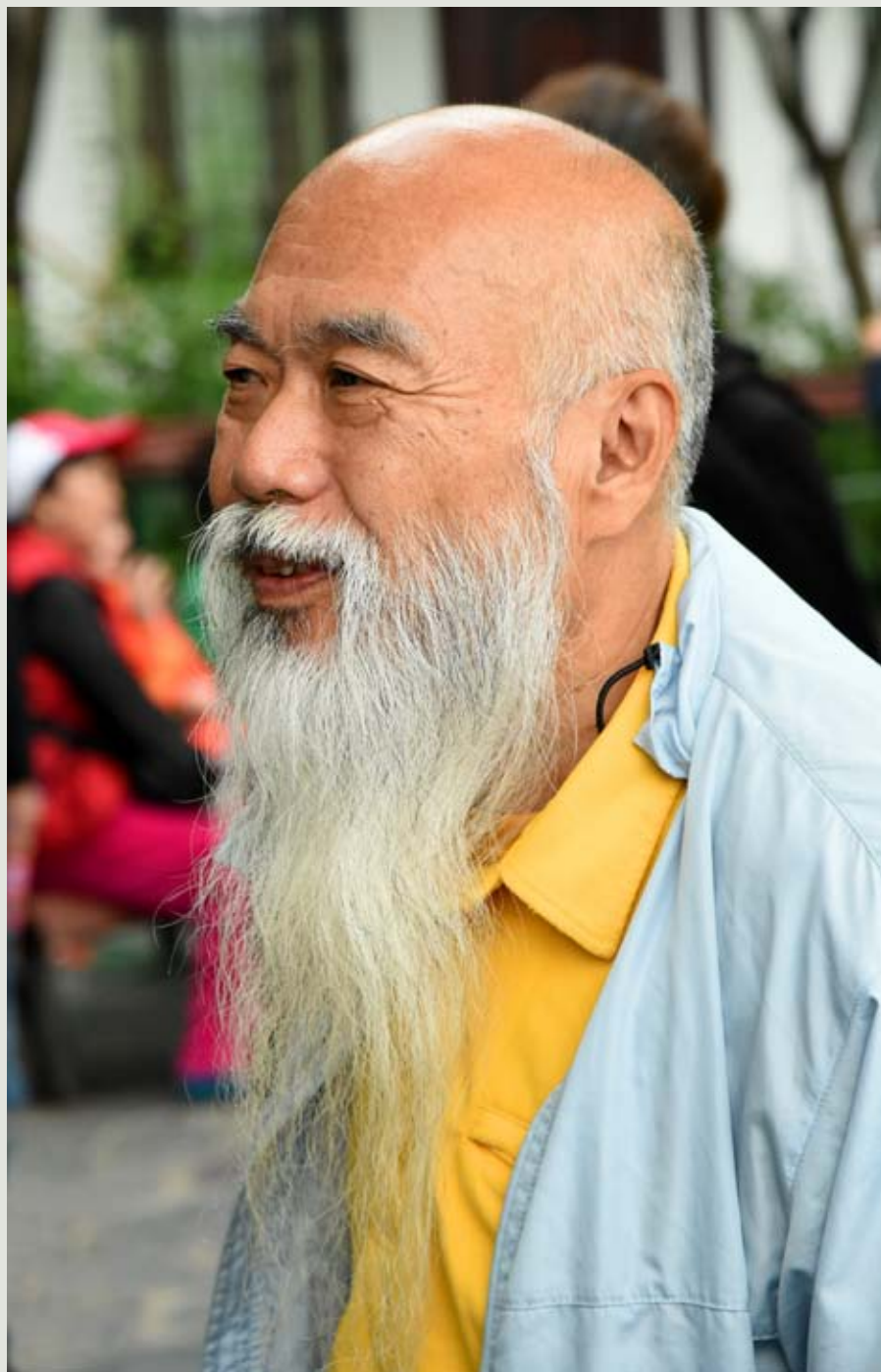
سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ و دوستان رشته عکاسی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران



سال ۱۳۹۱ لبخندی جاودانی قبل از
جدایی همیشگی در تهران



سال ۱۳۸۸ چمخاله، لیخندهای بی بازگشتِ عزیزی که بازندگی قهر کرد.



سال ۱۳۹۶ بازدید کننده ای
در قصر تابستانی در پکن، چین



سال ۱۳۹۶ هانگزو، چین





سال ۱۳۹۲ با استاد کوهنوردی در
بازگشت از قله سیلان قزوین به تنکابن



سال ۱۳۹۲ حصارچال در مسیر صعود به علم کوه کلاردشت

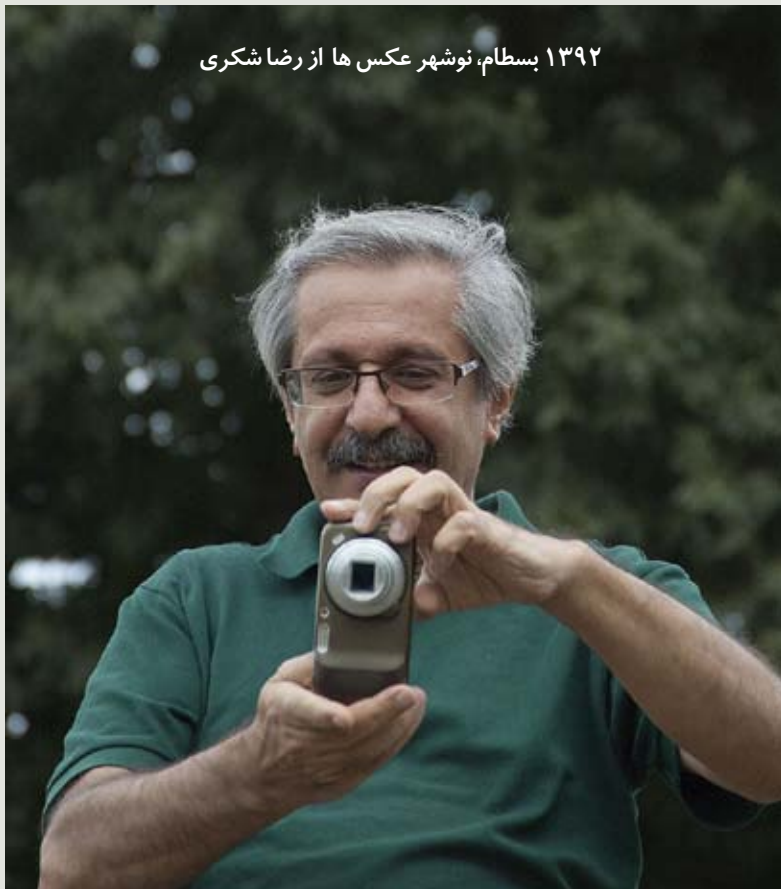
سال ۱۳۵۷ در تهران به خانه دوستی که
 با هم در خدمت سربازخانه بودیم! رفتم و
 در آنجا در زیر پرتره ای از جناب زیگموند
 فروید بالنز فیش آبی که به مبلغ ۷۰۰ تومان
 خریده بودم عکسی به یادگار گرفتم!





سال ۱۳۷۵ شوخی با دندان های مصنوعی
زننده یاد، پدر همسر گرامی در تهران!

۱۳۹۲ بسطام، نوشهر عکس ها از رضا شکری





لبخند جاودانی روانشاد مادر در سبزوار در سال ۱۳۷۲



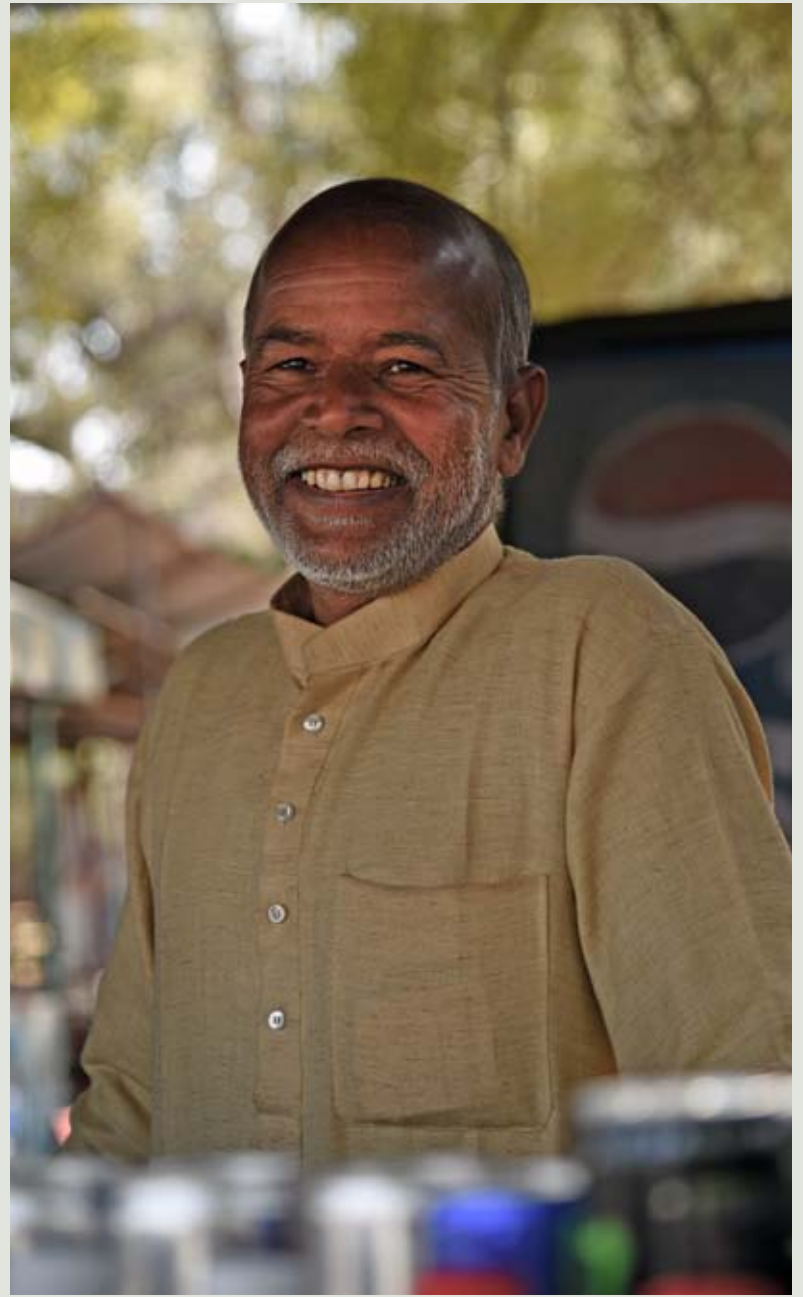


سال ۱۳۵۸ سبزوار، فلکه عراق ، همسر و فرزند یکی از دوستانم، ظهور و چاپ فیلم رنگی در لابراتوار چاپفیلم توسط خودم انجام شده ، البته به علت خط و خش فراوان نگاتیو پس از حدود ۴۰ سال ناگزیر شدم رتوش سنگینی روی ان انجام دهم! ببخشید!









بهمن ۱۳۹۷ هوا محل، جیپور، هند



بهمن ۱۳۹۷ جال محل، دریاچه مان ساگار، جیپور، هند



سال ۱۳۷۳ تهران



سال ۱۳۹۲ بسطام نوشهر



می توانید تصور کنید که این گربه خوشحال در حال آواز خواندن و قهقهه زدن است! کی به کیه! بسطام نوشهر ، ۱۳۹۴







سال ۱۳۹۷، استان گلستان، گنبد،
روستای اینچه برون



سال ۱۳۹۷، استان گلستان، بندر ترکمن









سال ۱۳۹۲ حصارچال در مسیر علم کوه، کلاردشت















سال ۱۳۹۶ برج مروارید، شانگهای، چین











سال ۱۳۵۴ با دوستان از داورزن در راه نیر، سبزوار

خنده شادی

رضایت

تبسم

شکرخند

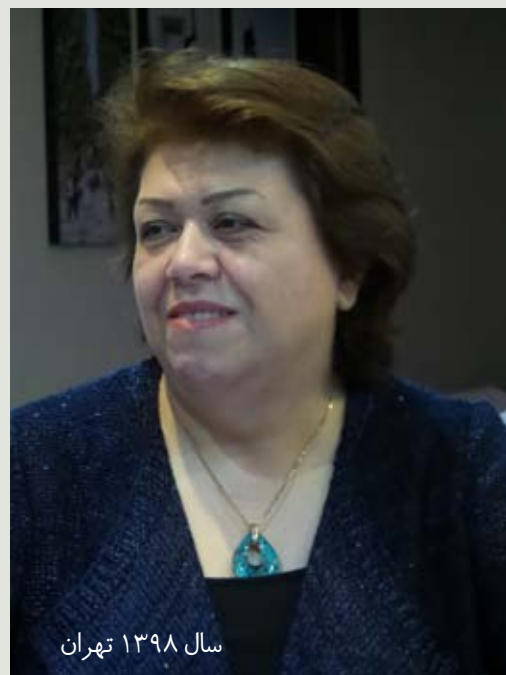
بازی







سال ۱۳۹۸ تهران



سال ۱۳۹۸ تهران



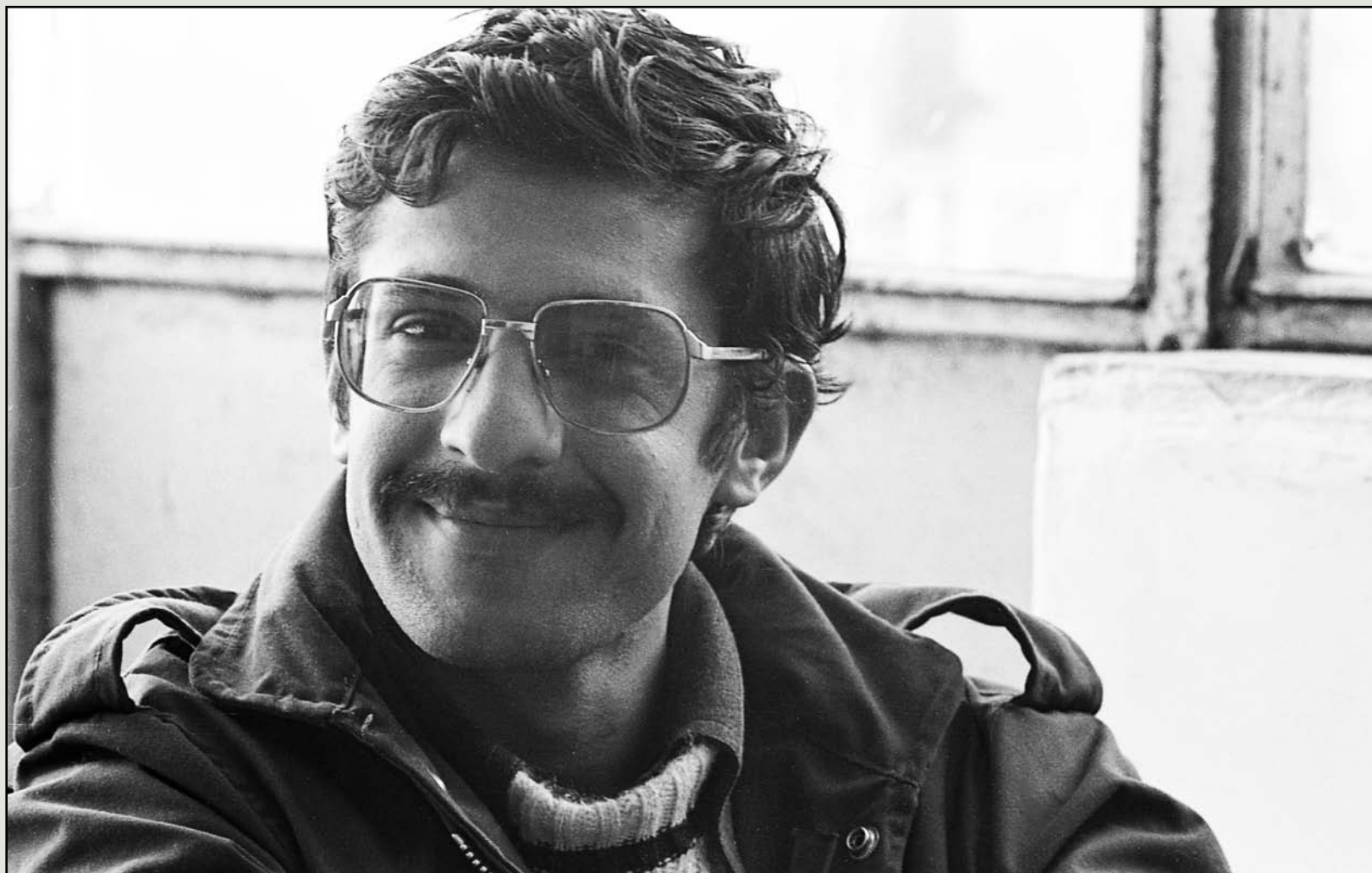
سال ۱۳۹۲ نوشهر



سال ۱۳۷۱ تهران



سال ۱۳۷۵ جنت آباد تهران









سال ۱۳۵۴ روان شاد عمه ام از دیدن عکس خودش خوشحال شده است.

















سال ۱۳۹۶ بازار و باغ یو، شانگهای، چین





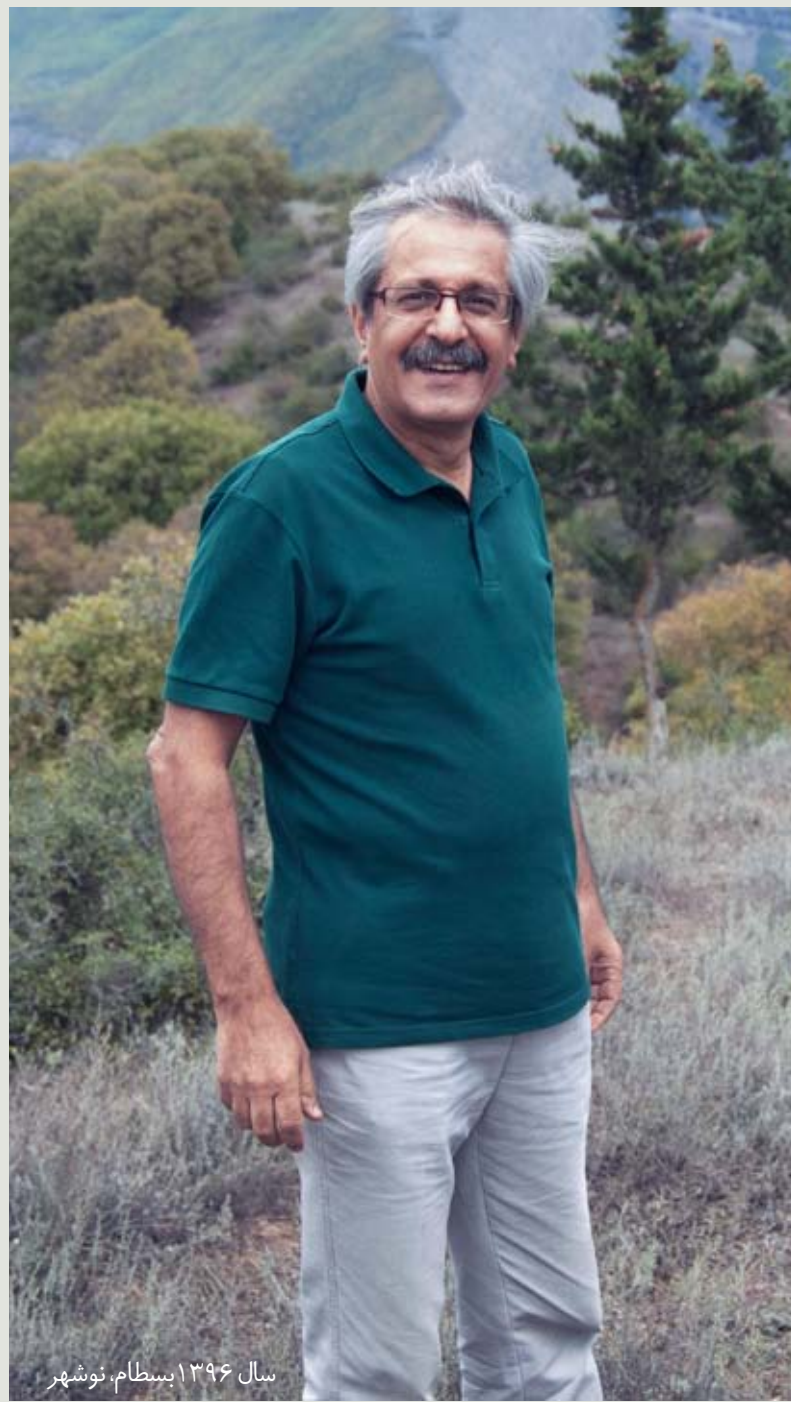
سال ۱۳۸۷ سبزوار روستای سیدآباد



سال ۱۳۸۹ مشهد



سال ۱۳۹۶ بسطام، نوشهر



سال ۱۳۹۶ بسطام، نوشهر





سال ۱۳۹۲ همسران و هموردان در مسیر صعود به قله علم کوه کلاردشت

سال ۱۳۹۲ صعود بر قله سه‌هند، مراغه، آذربایجان شرقی



سال ۱۳۹۲ در مسیر کوه سیالان، الموت قزوین





سال ۱۳۹۶ روستای جوجیائو شانگهای، چین











سال ۱۳۹۶ مقبره گاندی در شهر دهلی، هند







سال ۱۳۹۶ مراسم عروسی در شهر دهلی، هند











سال ۱۳۹۲ تهران، نبرد با سرطان...



سال ۱۳۹۴ بسطام، نوشهر





سال ۱۳۹۶ چالوس





سال ۱۳۹۲ در مسیر صعود به قله علم کوه کلاردشت





سال ۱۳۹۷ جال محل در دریاچه
مان ساگار ، جیپور، هند



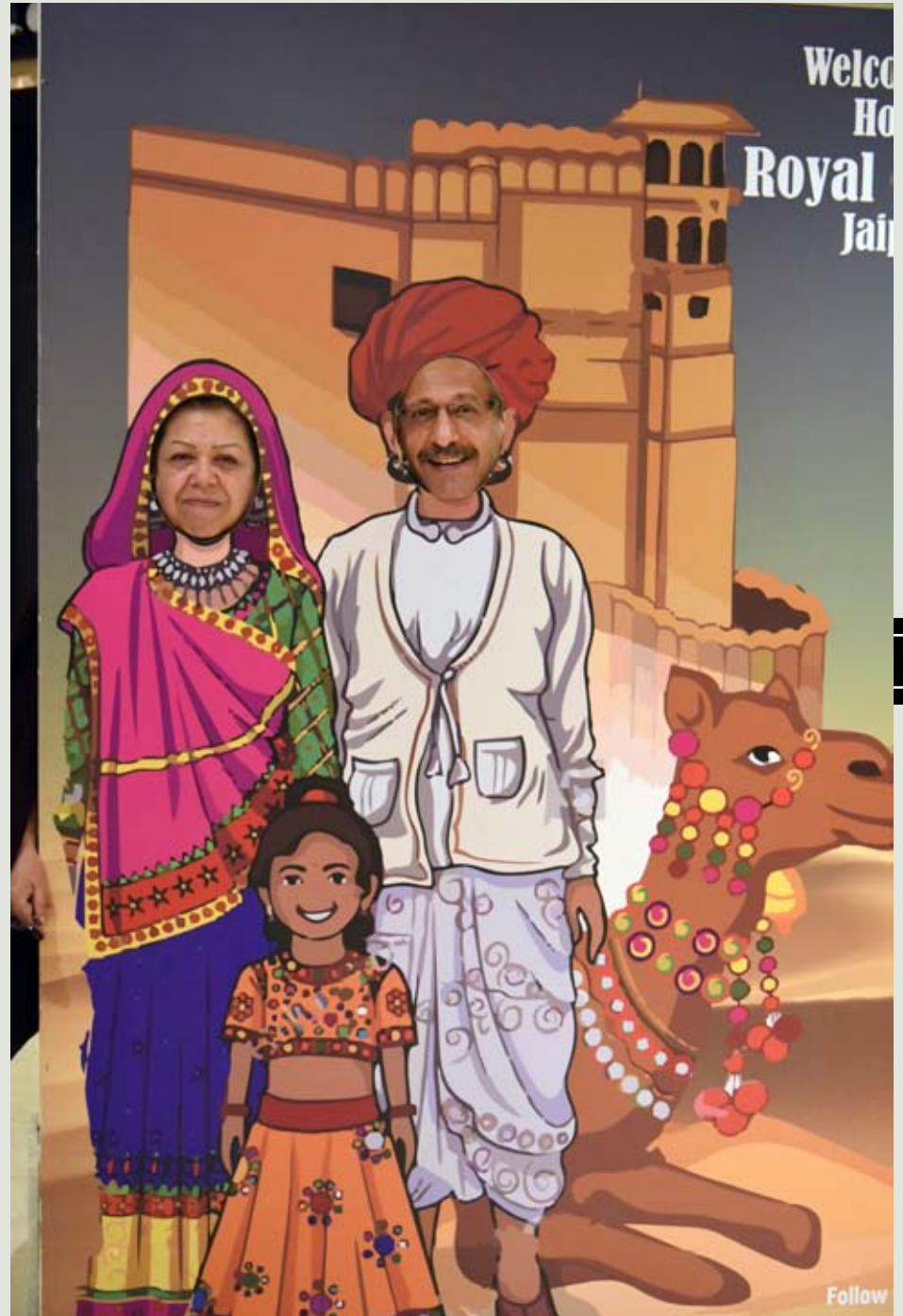




سال ۱۳۹۷ در محوطه مقبره
گانندی در شهر دهلی نو، هند



سال ۱۳۹۱ لادیفانس، پاریس، فرانسه
(لبخندش با شما!)





سال ۱۳۹۶ مرکز طب سنتی در پکن، چین



سال ۱۳۹۴ پسر عمو و پسر عمه های مهربان! تهران





سال ۱۳۷۴ تهران











سال ۱۳۹۷ تهران





















سال ۱۳۹۶ منطقه سنتی هوتونگ، پکن، چین





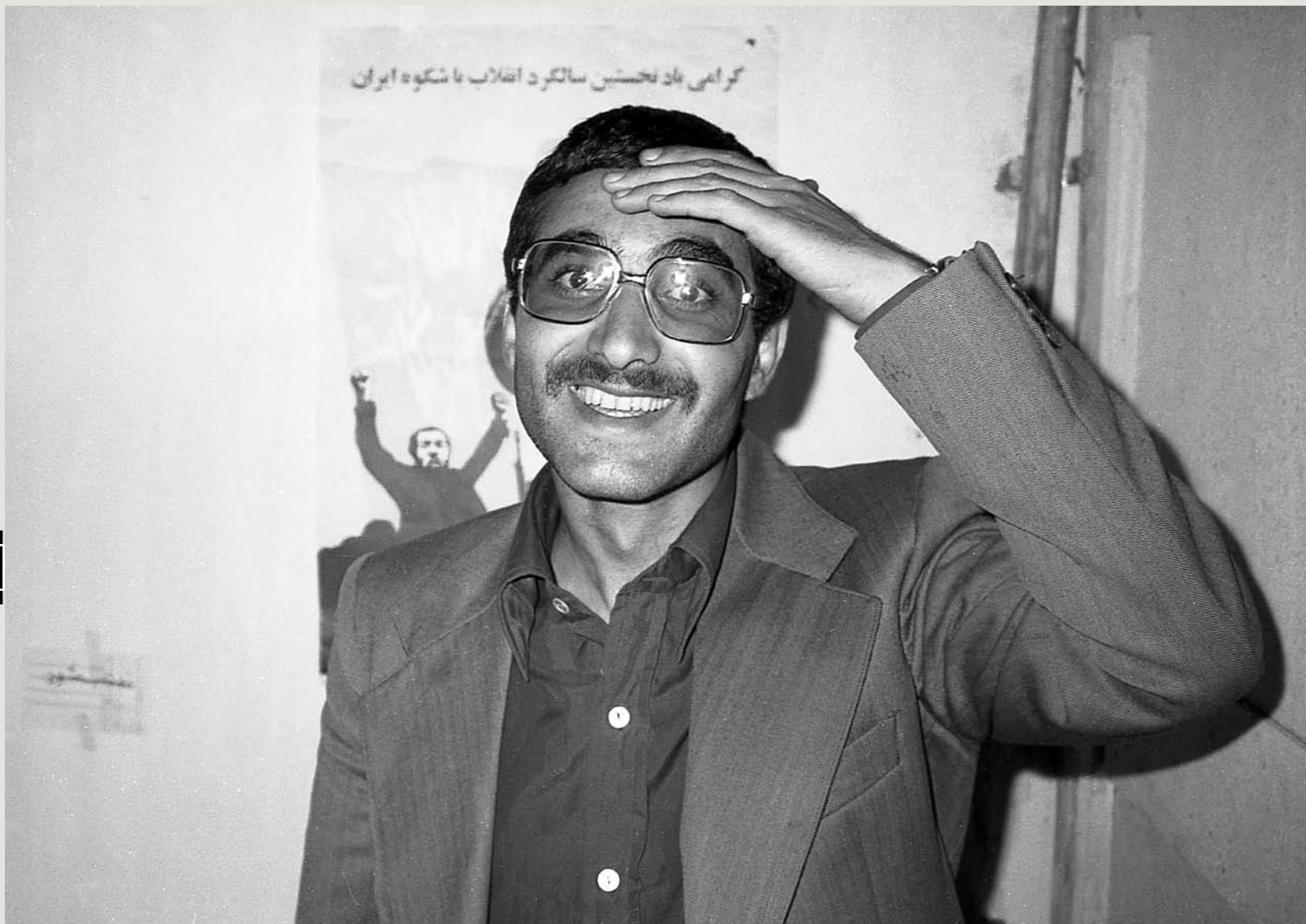




سال ۱۳۹۷ جیپور، هند



سال ۱۳۹۴ روستای ملکشاہ، شهر ستان خوشاب، بخش مشکان، دهستان یام، سبزواری



سال ۱۳۵۹ کتابفروشی فرهی، سبزوار

سال ۱۳۵۴ ایستگاه راه آهن سلطان آباد،، سبزوار





سال ۱۳۷۲ دانشجویان رشته عکاسی
دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران





سال ۱۳۶۶ روستای دیواندر، سبزوار







سال ۱۳۹۶ هانگزو، چین















سال ۱۳۹۶ تهران











سال ۱۳۹۱ پارک ساعی ، تهران



سال ۱۳۹۱ لیخند مونا لیزا، موزه لوور ، پاریس ، فرانسه

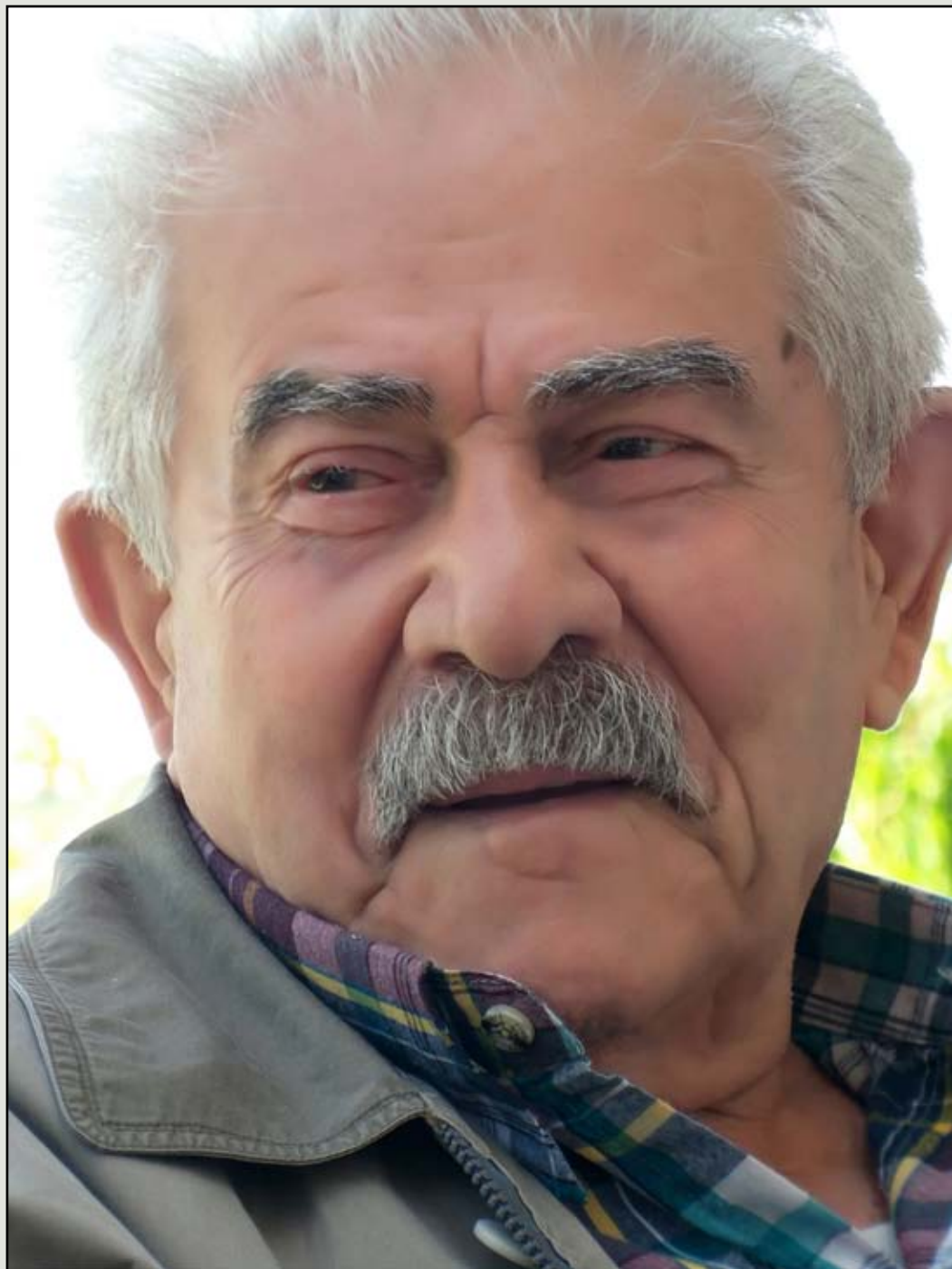


سال ۱۳۹۷ کرج









سال ۱۳۹۶ چالوس







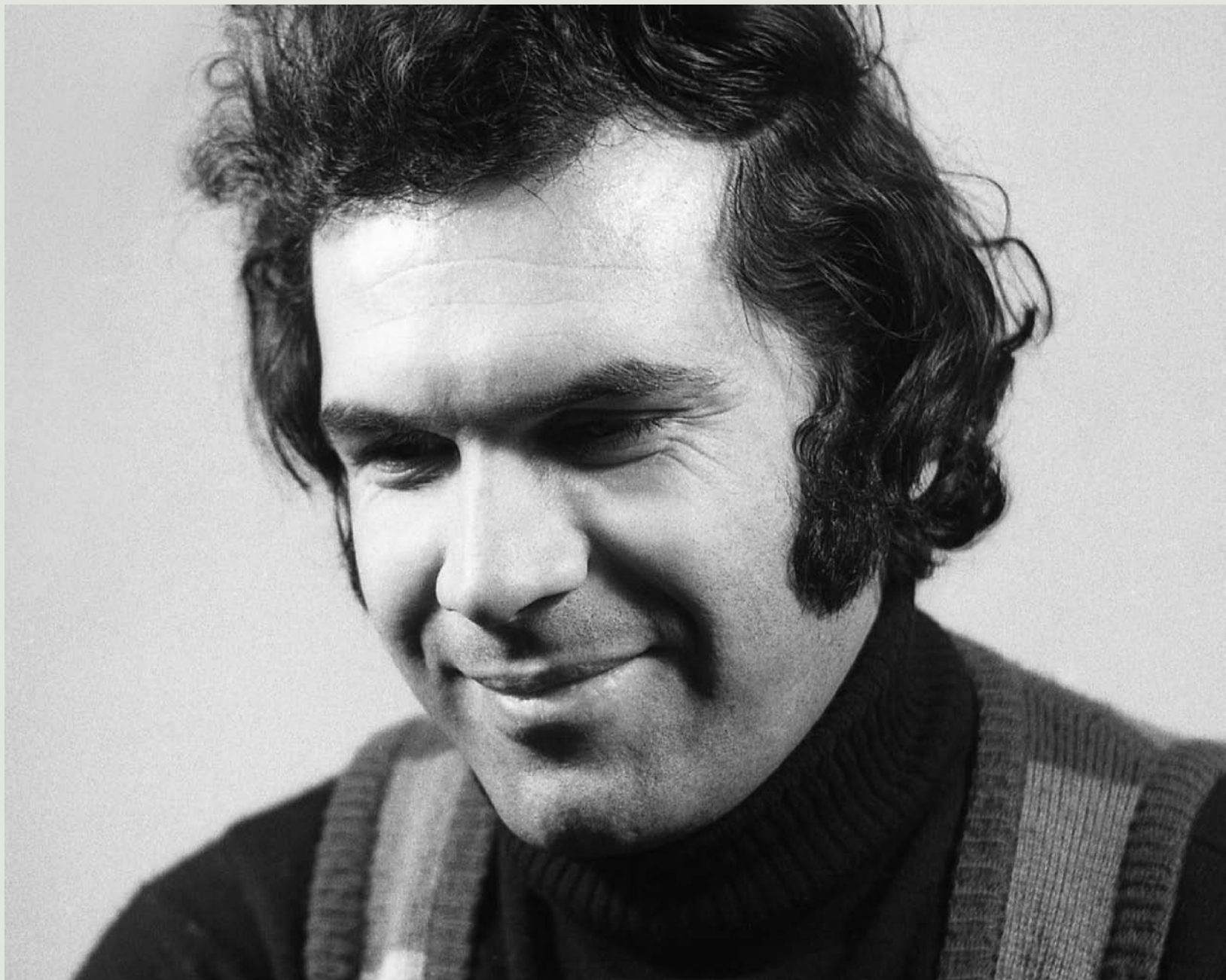
سال ۱۳۹۴ روستای مور، سبزوار







سال ۱۳۹۱ پاریس، فرانسه







سال ۱۳۶۶ عکاسی پیام، سبزوار



سال ۱۳۵۳ صاحب خان، سبزوار















سال ۱۳۹۴ بسطام، نوشهر

















سال ۱۳۹۷ دھلی نو ، هند



سال ۱۳۹۷ دھلی نو ، ہند













سال ۱۳۹۷ معبد میمون ها ، جیپور، هند
شاید ته دلش به من عکاس می خندد!







سال ۱۳۹۴ روستای کاهان ، بخش مشکان، شهرستان خوشاب، سبزوار

خندهٔ جمعی

خنده در جمع

۲۸۲ خنده زورکی

خنده گنج

خنده سؤال

خنده رندی

پوزخند





















سال ۱۳۹۶ هانگزو، چین



۲۹۶



سال ۱۳۹۶ محوطه معبد آسمانی، پکن، چین







۲۹۶



سال ۱۳۹۶ استادیوم المپیک ، پکن، چین





۲۹۹



سال ۱۳۹۷ راج گهات آرامگاه گاندی، دهلی نو، هند



سال ۱۳۹۷ راج گهات آرامگاه گاندی، دهلی نو، هند



سال ۱۳۹۷ راج گهات آرامگاه گاندی، دهلی نو، هند





سال ۱۳۵۳ روستای دیواندر، سبزوار









سال ۱۳۵۳ شاهرود









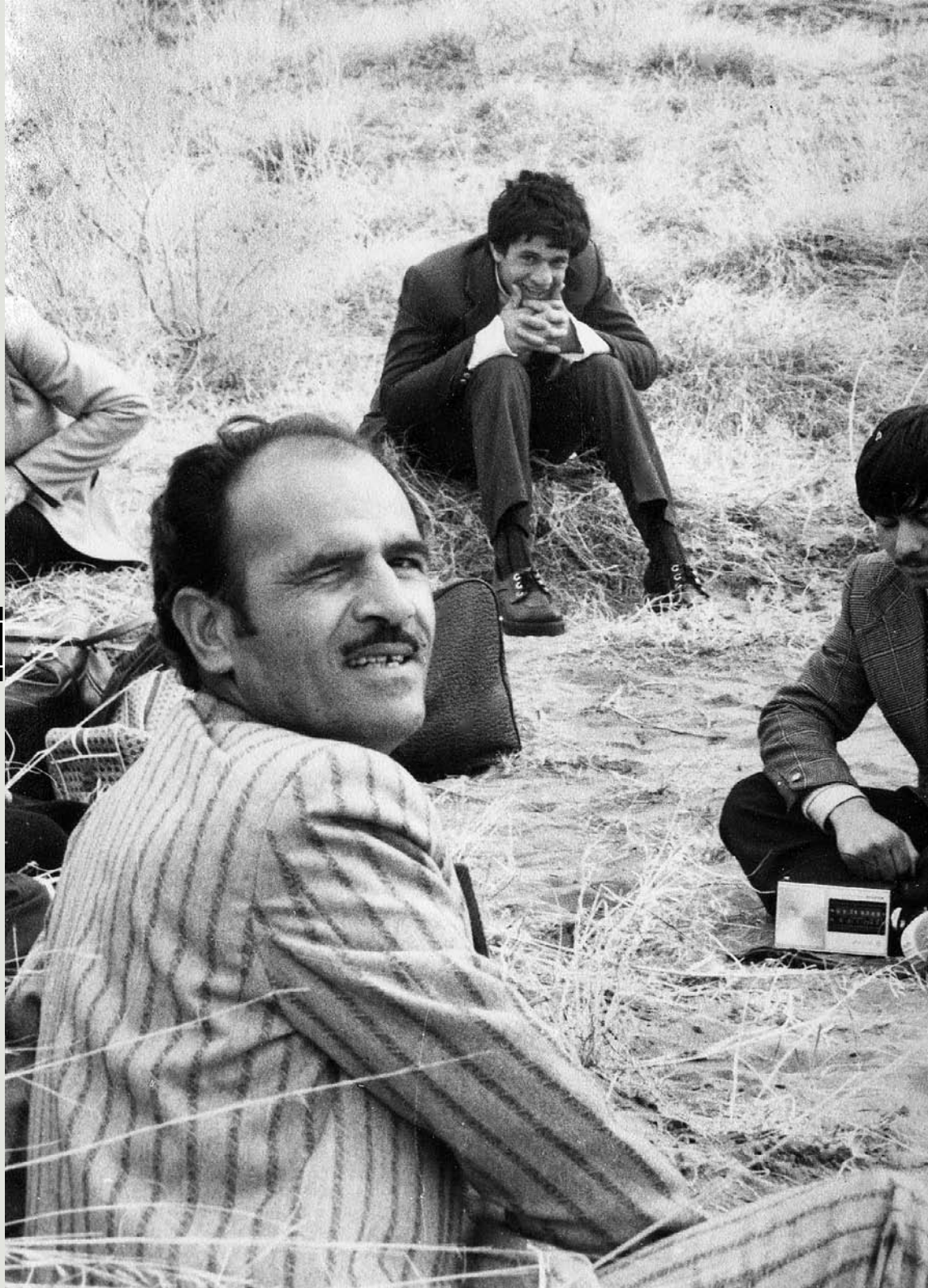
سال ۱۳۷۴ خانه و خانواده اسدالله یکتا هنرپیشه ایرانی پاکدشت، مامازن، تهران





سال ۱۳۵۴ باغ ملی سبزوار





سال ۱۳۵۲ اردوی کویری برای کاشت درخت تاغ در حارث آباد
سبزوار در معیت جناب صفی آبادی با سپاس از علی دیواندری،
عکاس: محمود دواچی





سال ۱۳۹۷ معبد سیک ها ، دهلی نو ، هند



سال ۱۳۹۴ بازگشت از سیلان، رودخانه تنکابن



سال ۱۳۹۴ رودخانه تنکابن در
مسیر بازگشت از قله سیلان قزوین









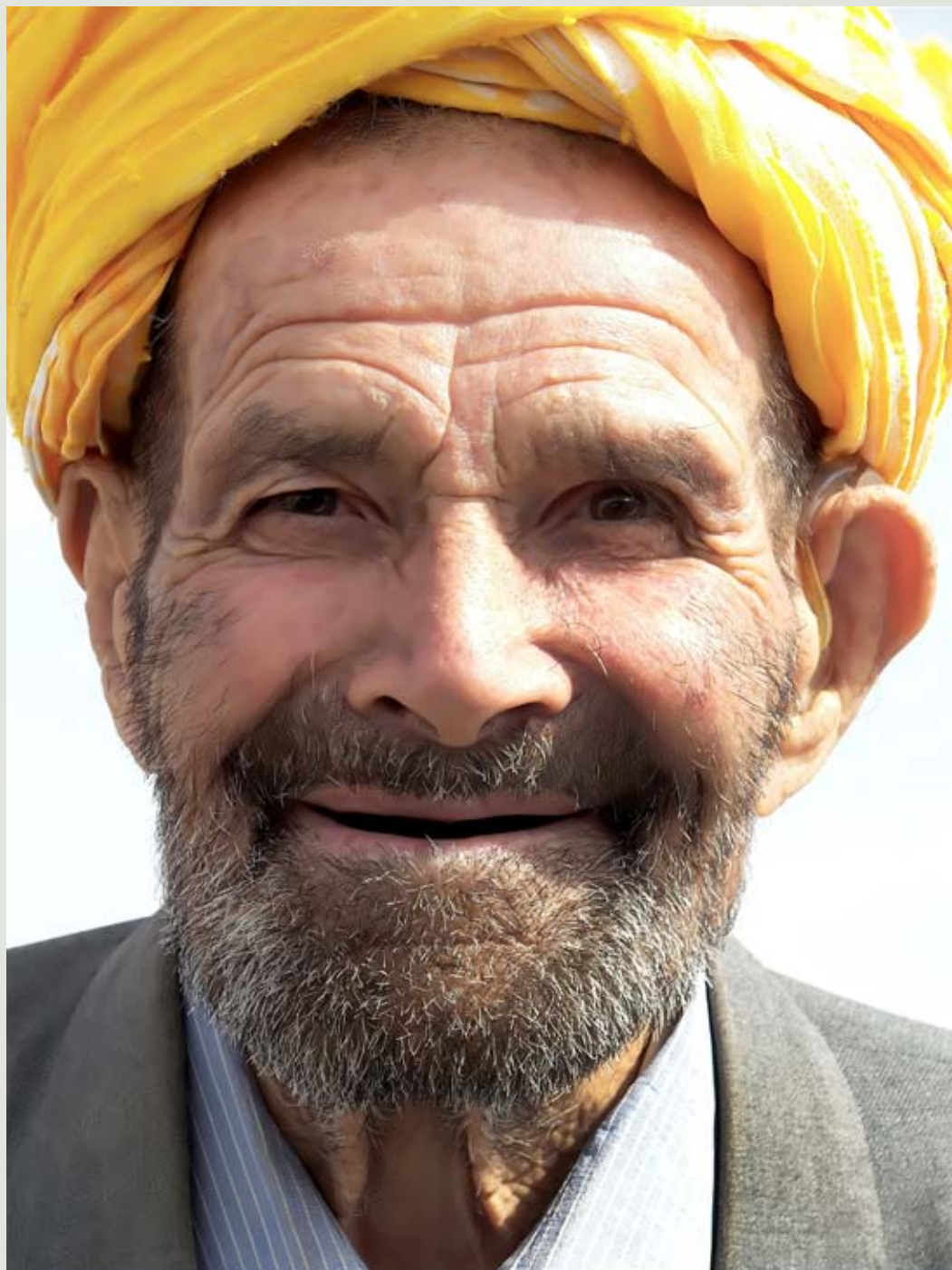
سال ۱۳۹۴ روستای نشیب، شهر سلطان آباد



سال ۱۳۹۴ روستای جهان، شهرسلطان آباد

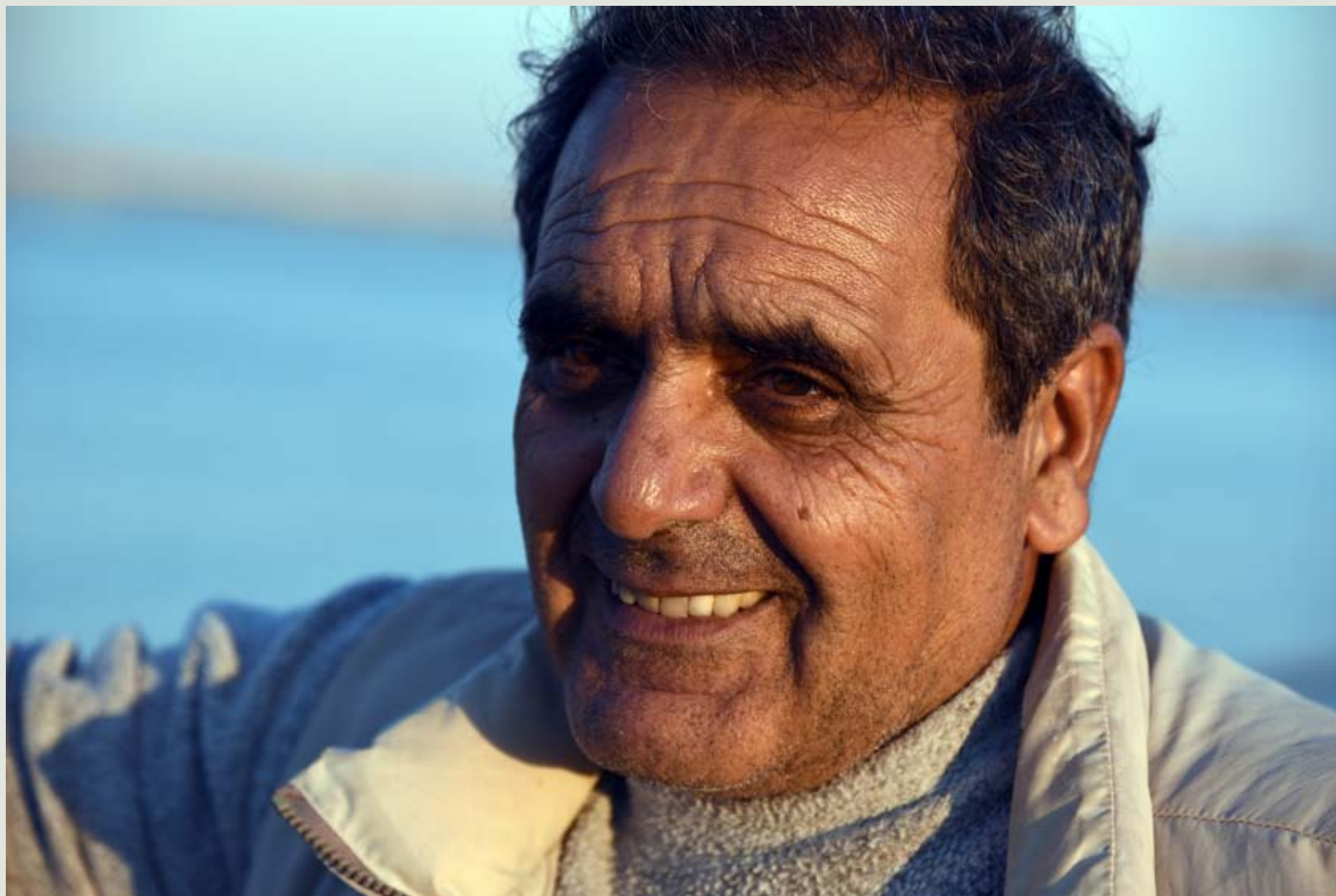


سال ۱۳۹۴ روستای نشیب، شهرسلطان آباد





سال ۱۳۹۴ روستای مشکان، شهر سلطان آباد









سال ۱۳۹۶ شهر آبی جوجیائو شانگهای، چین





سال ۱۳۹۶ در مسیر یکن به شانگهای، چین











سال ۱۳۹۶ بازار و باغ یو، شانگهای، چین









سال ۱۳۹۴ تخت جمشید، شیراز



سال ۱۳۵۴ سبزوار



سال ۱۳۹۴ روستای آبرود، دهستان
مزینان، شهرستان داورزن، سبزوار

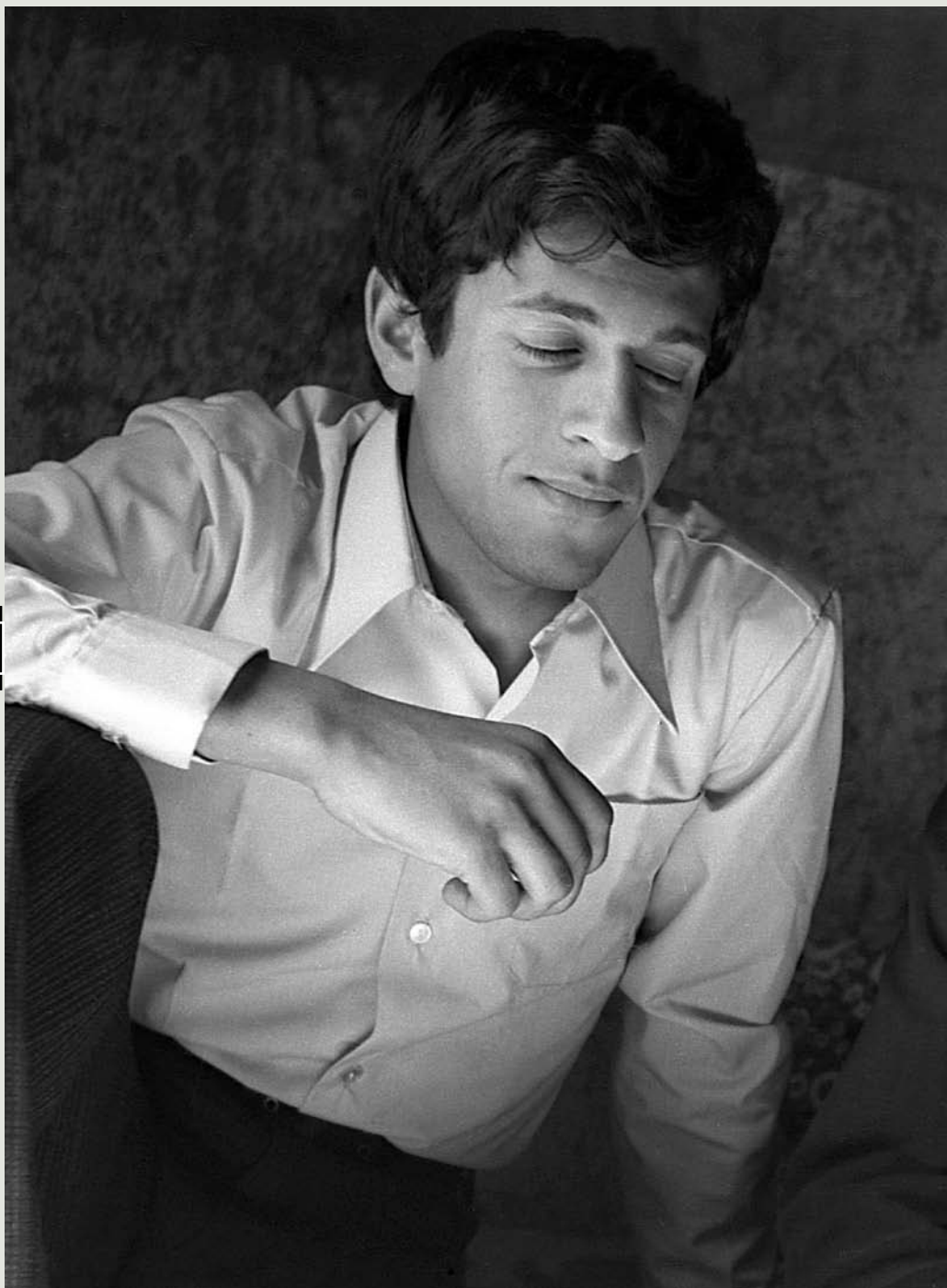


سال ۱۳۹۴ روستای مور، دهستان
مزینان، شهرستان داورزن، سبزوار

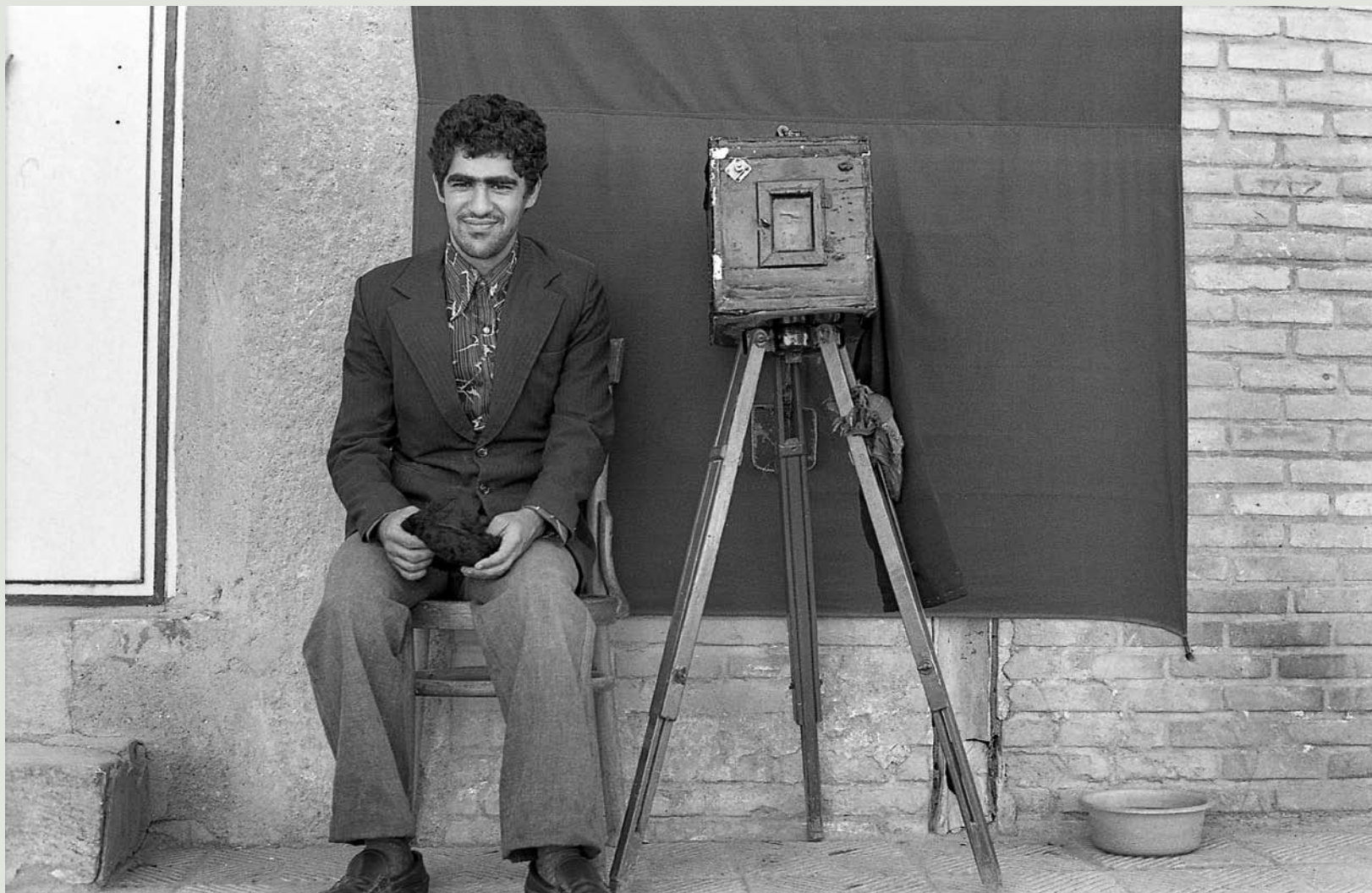


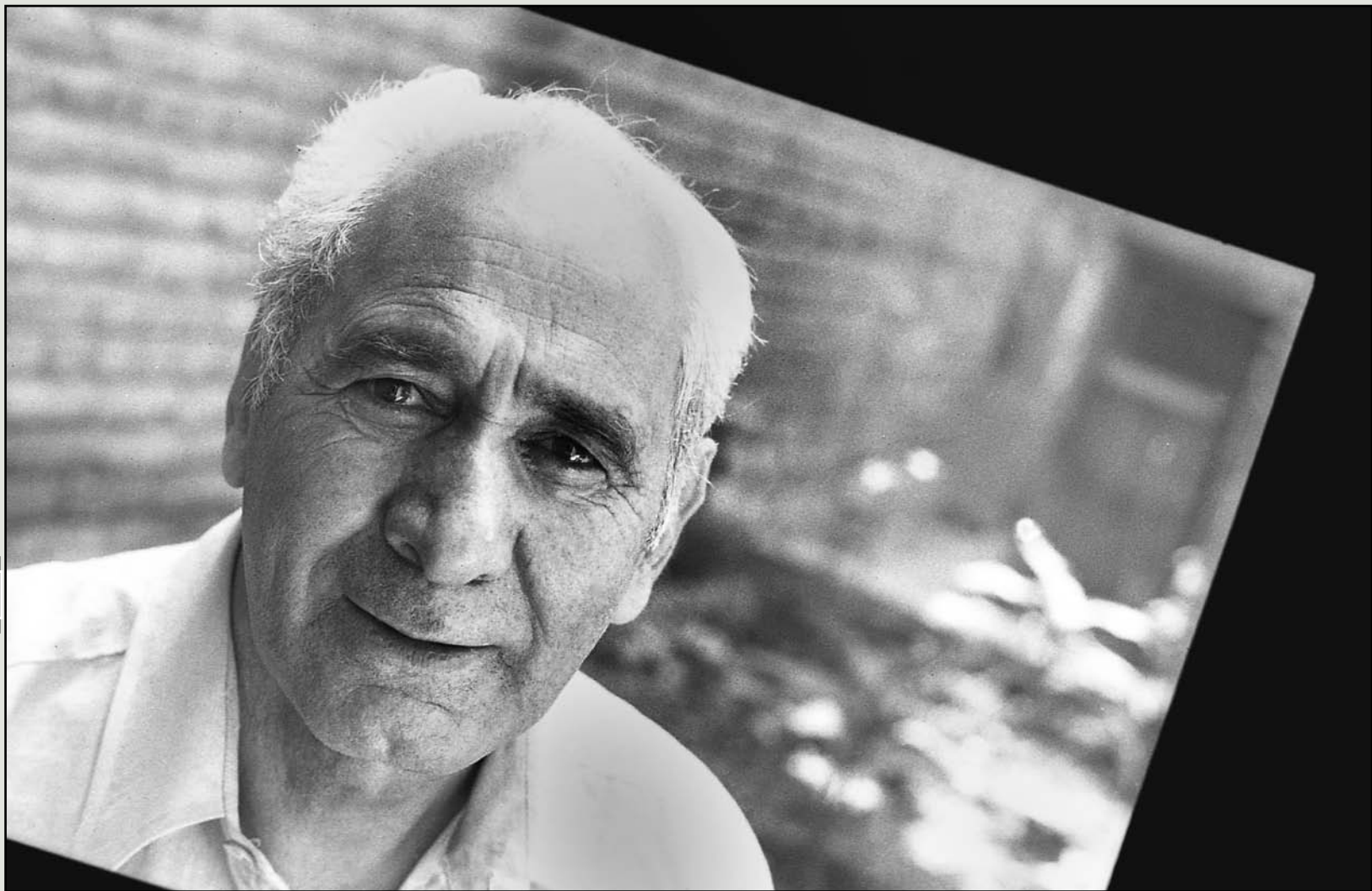


سال ۱۳۷۳ جاده ساوه - قزوین



سال ۱۳۵۳ روستای دیواندر، سبزوار











سال ۱۳۹۴ با استاد سیف الله صمدیان
در دفتر مجله تصویر، تهران



خنده کار

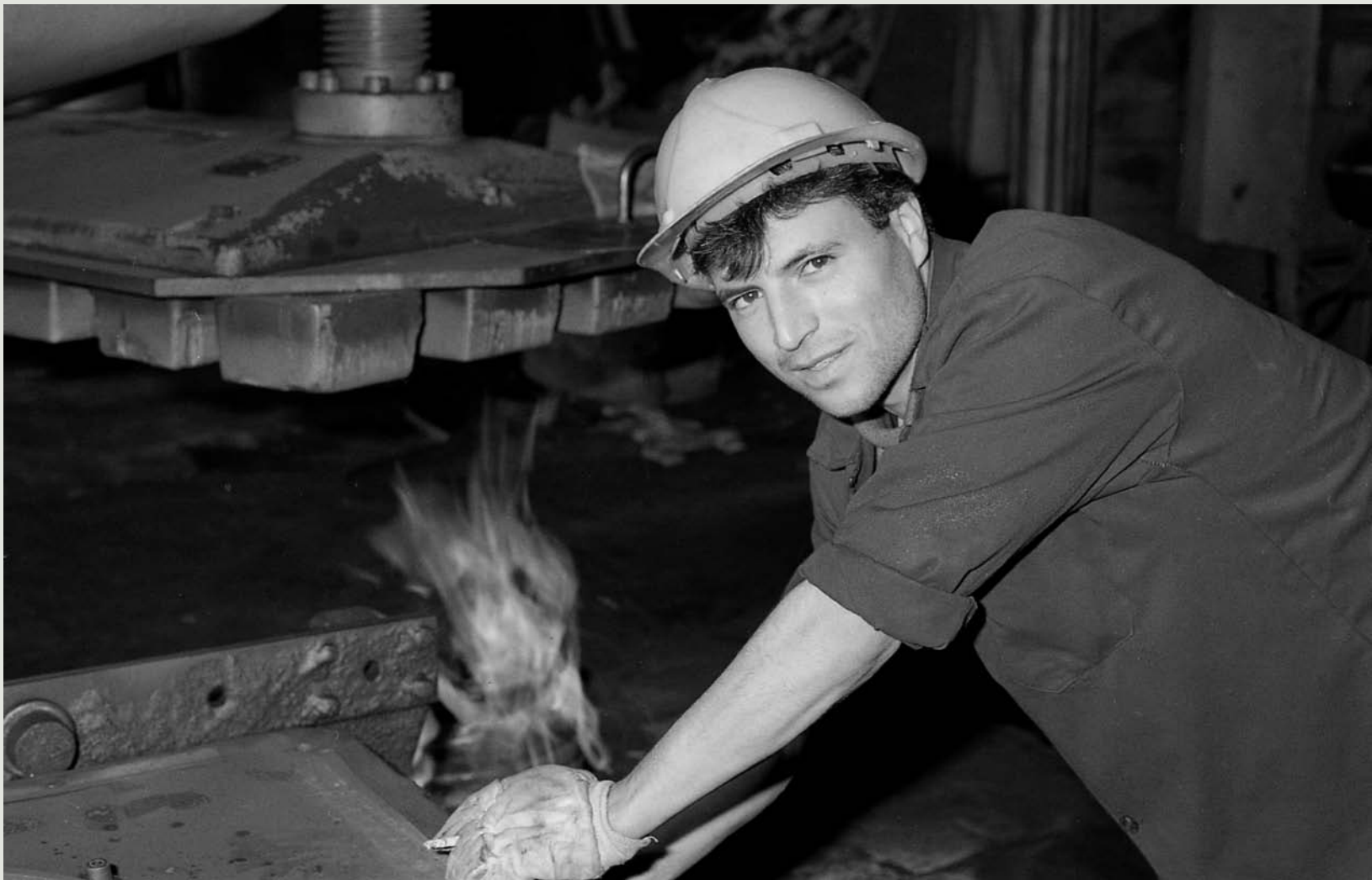
۳۵۵

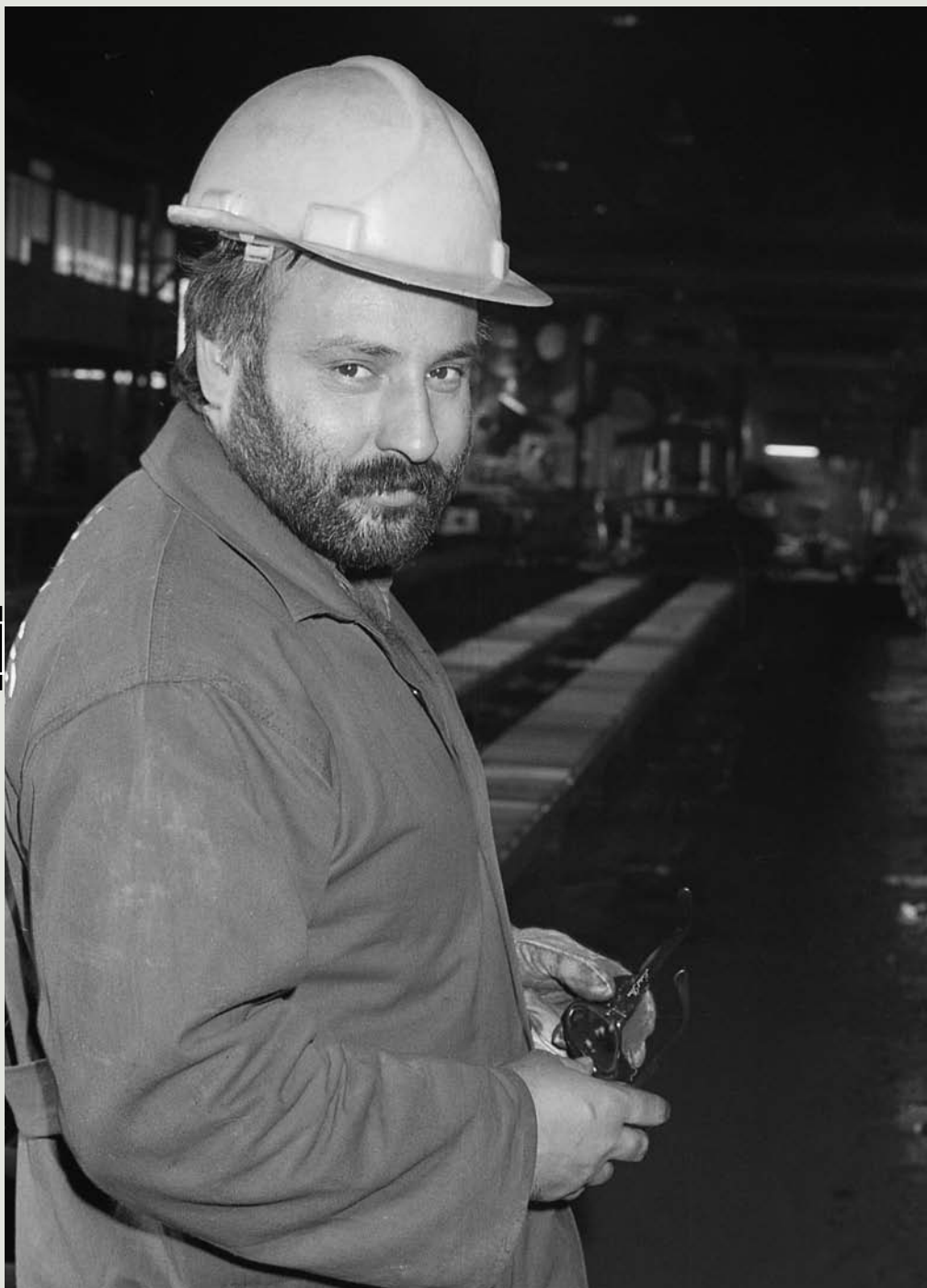
خنده و بازی

خنده وقار

ژست خنده

خنده شرم





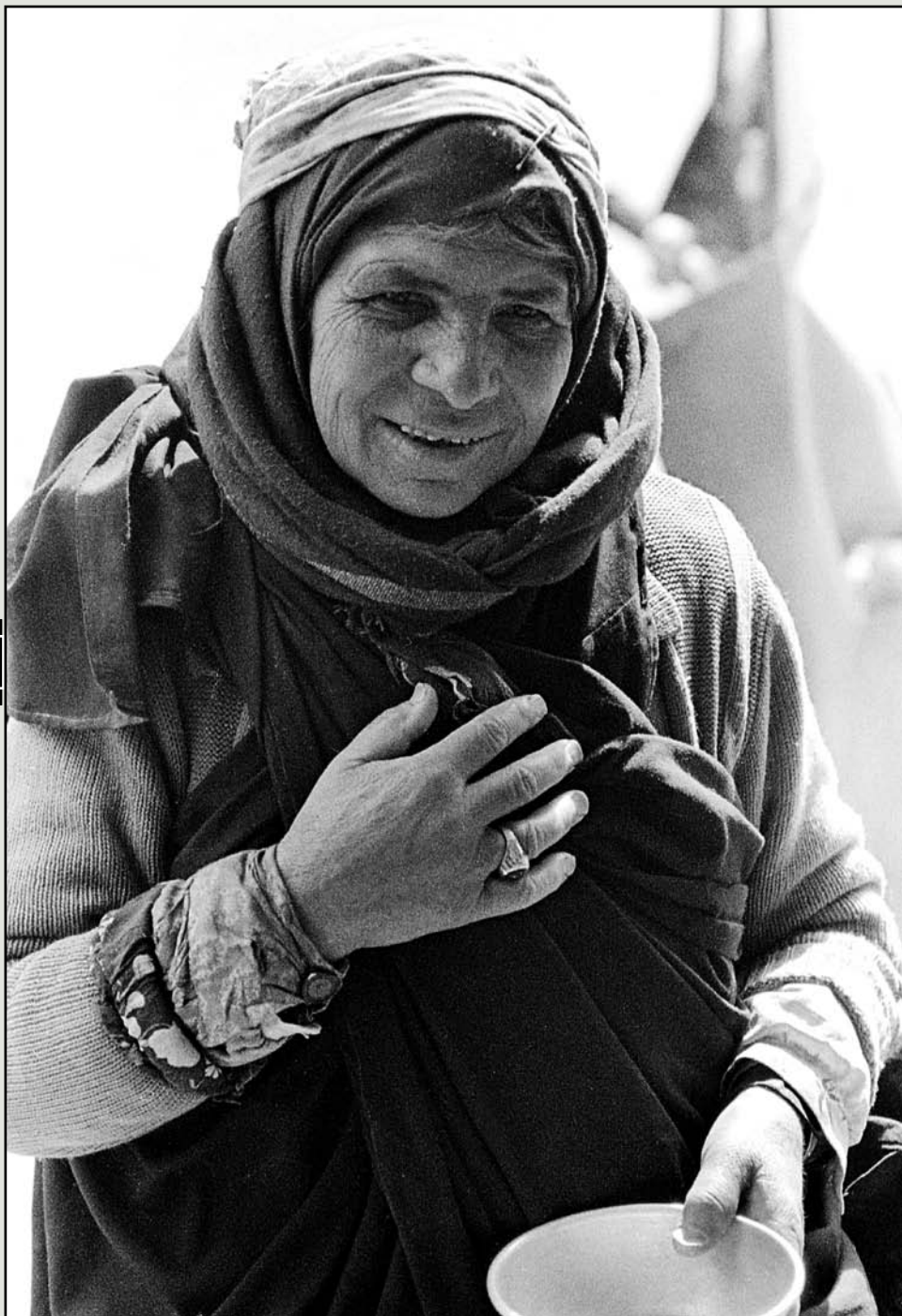
۳۵۶

سال ۱۳۷۲ شرکت لوله و ماشین سازی ایران ، تهران









سال ۱۳۶۵ سبزوار

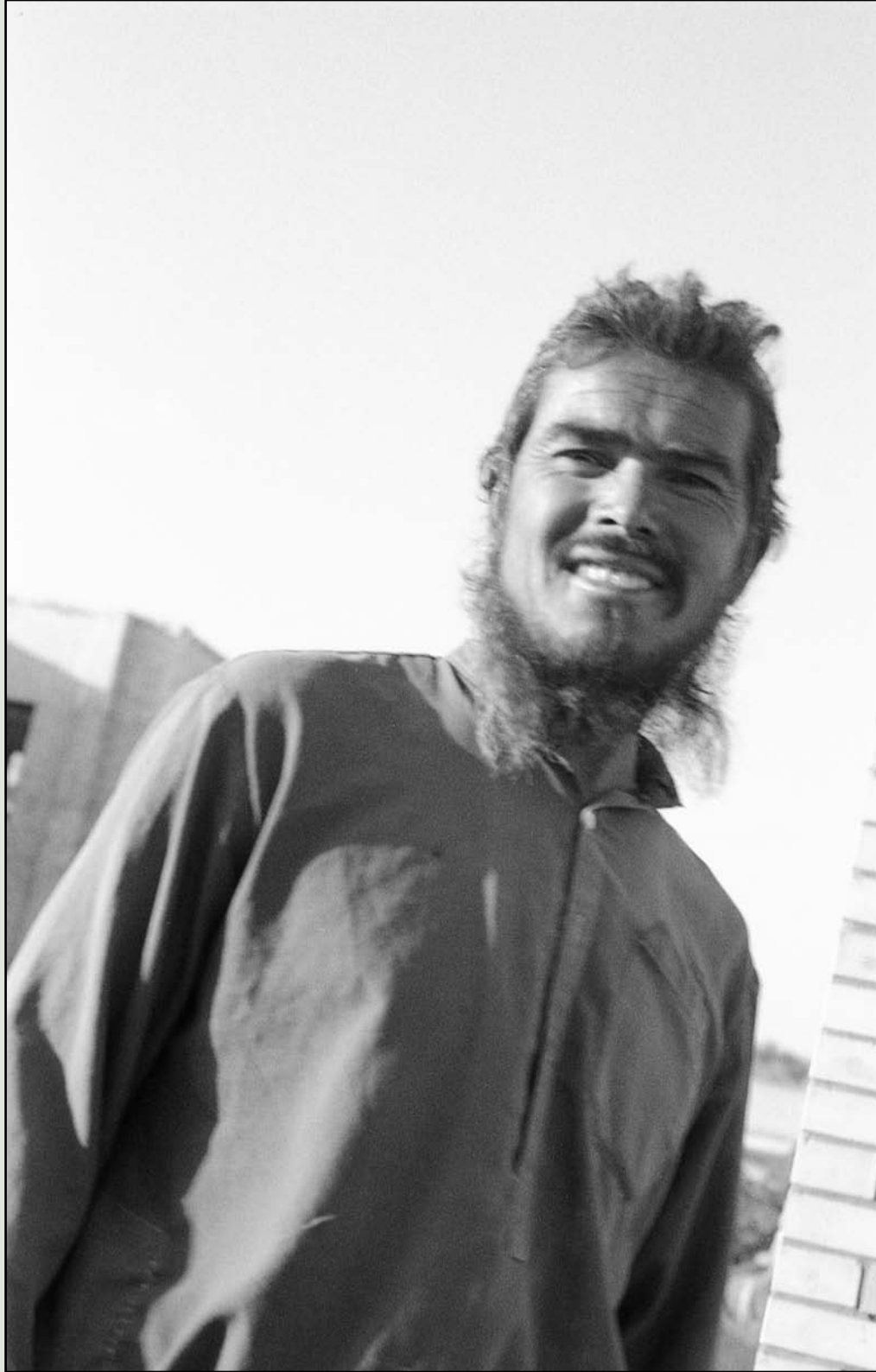




سال ۱۳۸۹ کارگاه قالی بافی در
عبدل آباد جوی، سبزوار

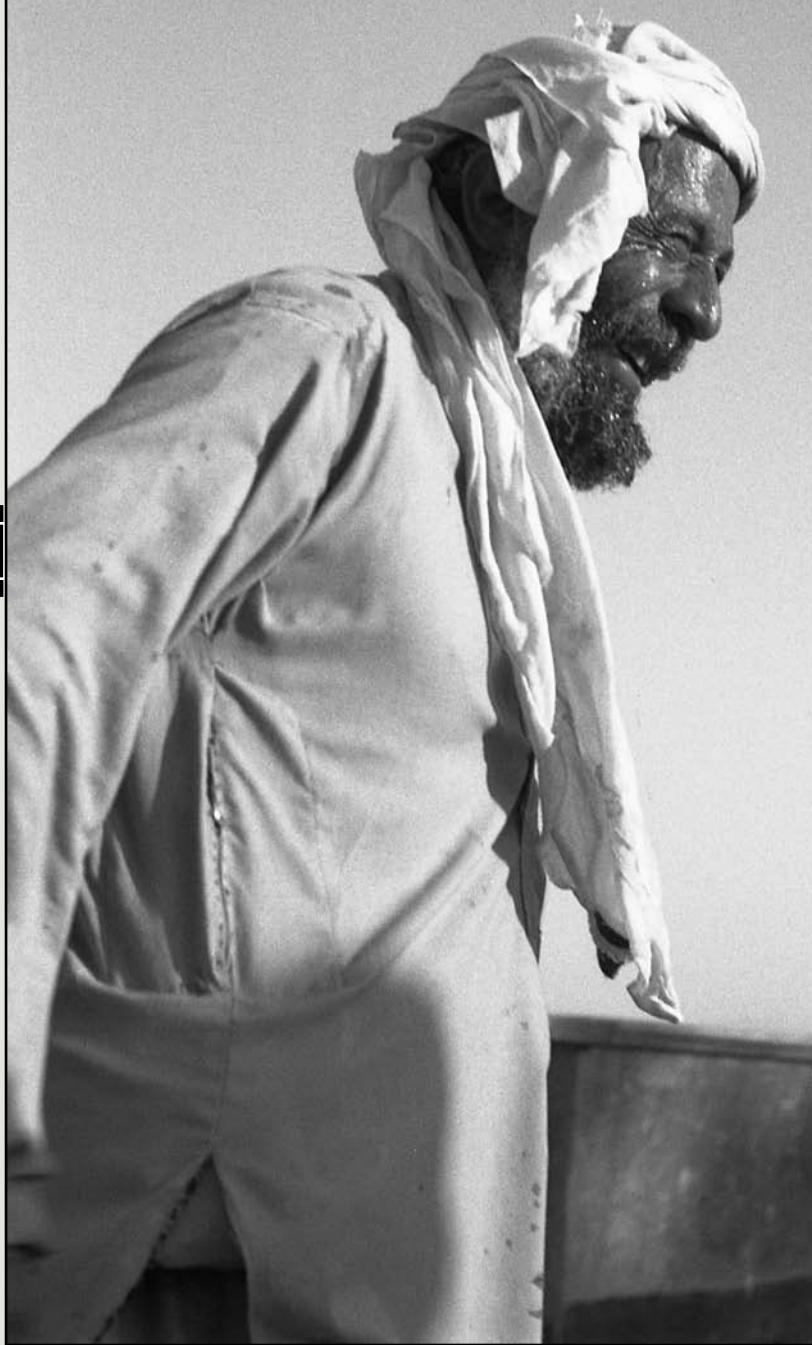






سال ۱۳۶۸ کارگران بلوچ در کارگاه
ساختمانی در ایرانشهر، بلوچستان

سال ۱۳۶۸ کارگران بلوچ در کارگاه
ساختمانی در ایرانشهر، بلوچستان







سال ۱۳۹۴ روستای بنجخ، دهستان کوهمایی، بخش روداب، سبزوار









سال ۱۳۹۲ محمدرضای نازنین مسئول تأسیسات حرارتی و برودتی دانشگاه تربیت مدرس تهران



سال ۱۳۹۴ تنگه چاه کوه، قشم





سال ۱۳۹۴ روستای توتیان، دهستان کوهمایی، بخش روداب، سبزوار



سال ۱۳۶۹ شرفخانه، شبستر، آذربایجان غربی





سال ۱۳۶۹ هریس، شبستر، آذربایجان غربی







سال ۱۳۹۷ حمل فضولات حیوانی به عنوان سوخت در جاده آگرا به جیپور، هند



سال ۱۳۹۶ شهر آبی جوجیانو شانگهای، چین





۳۸۵





سال ۱۳۹۷ معبد میمون ها، جیپور، هند











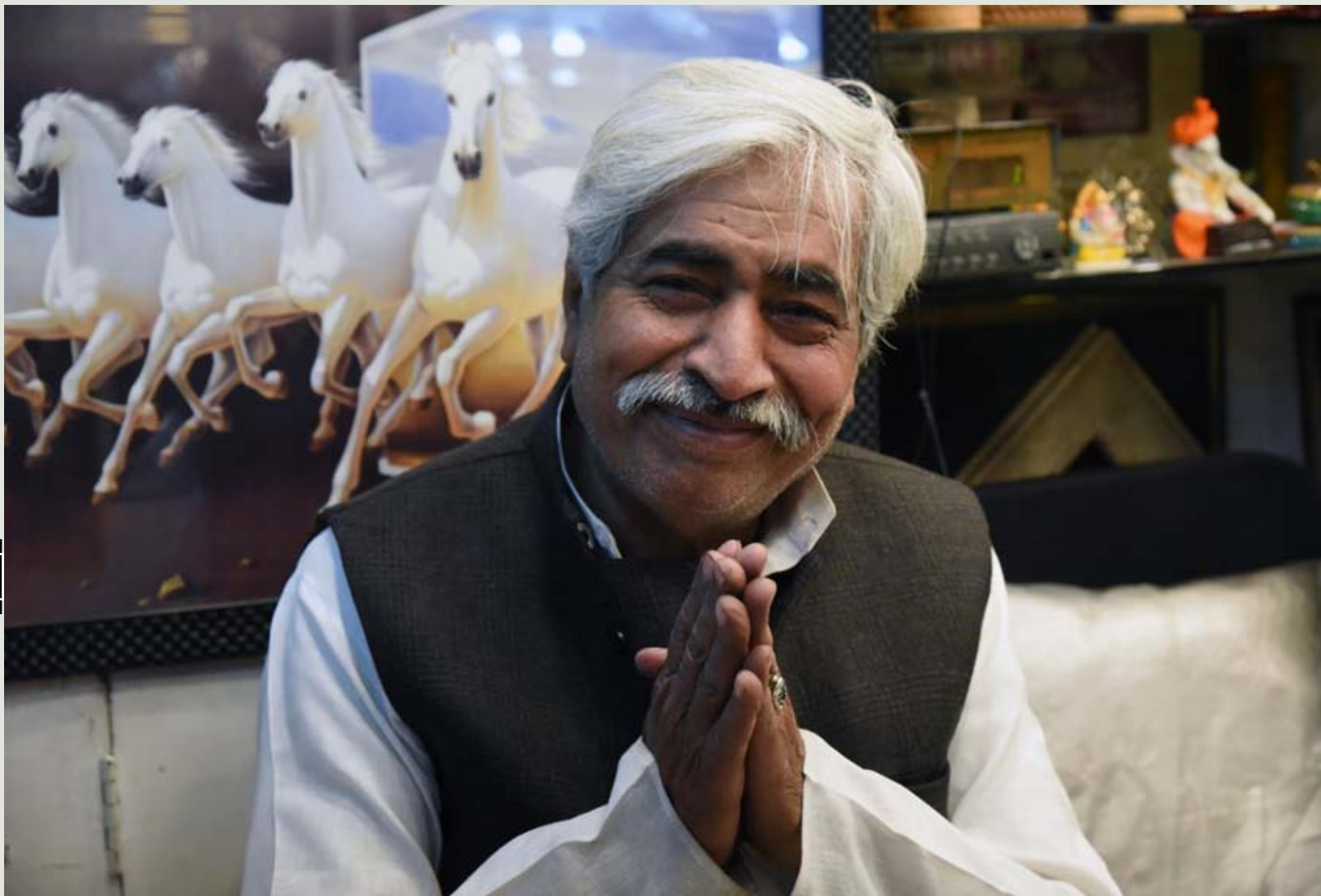








سال ۱۳۹۶ مرکز چای، پکن، چین



۳۹۷









سال ۱۳۹۶ هنرمند نقاشی در خیابان وان فوجینگ ، پکن ، چین

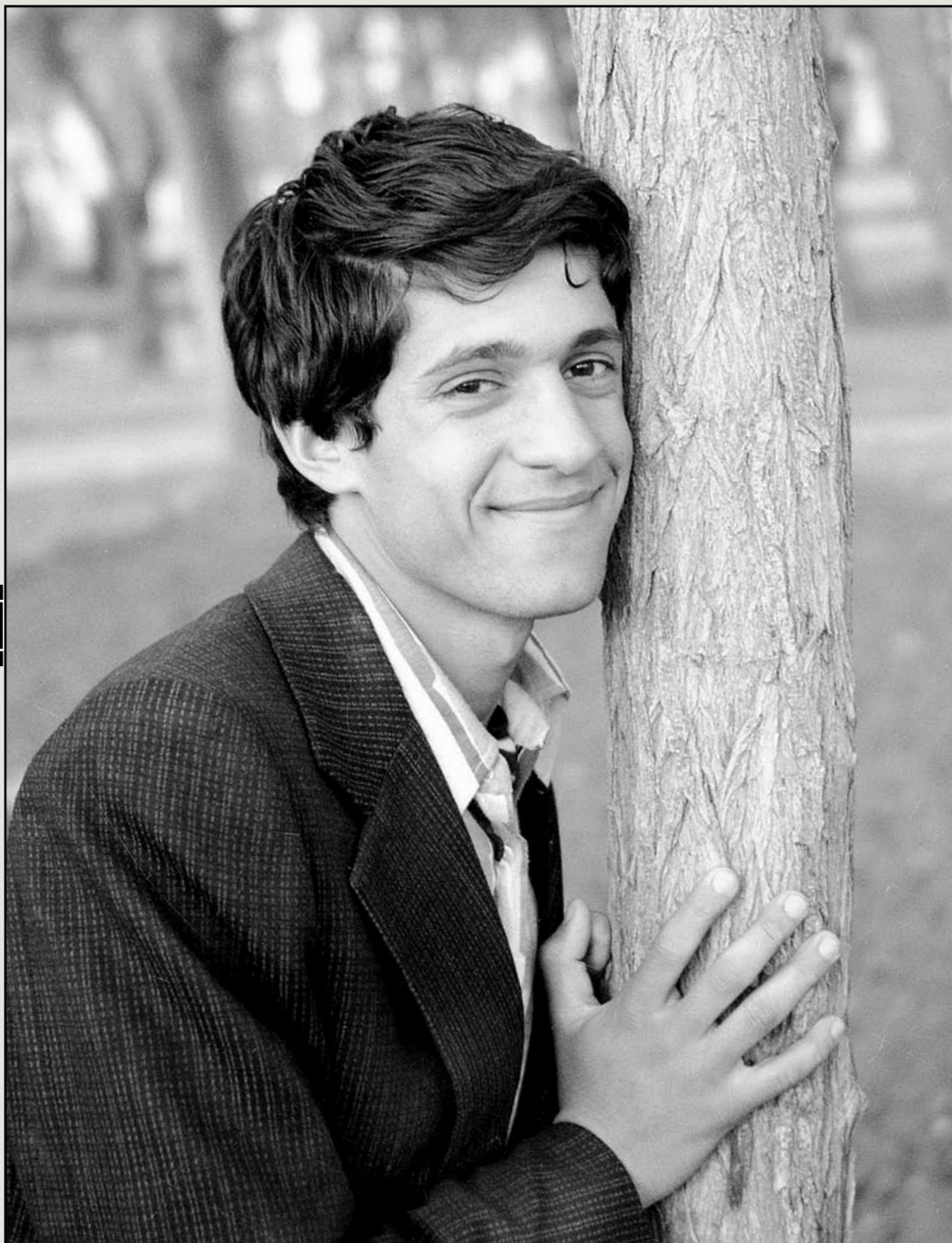












سال ۱۳۵۴ باغ ملی ، سبزوار





سال ۱۳۹۴ روستای کمیز، دهستان کاه، شهرستان داورزن، سبزوار





سال ۱۳۹۷ بازار مرکزی، جیپور، هند



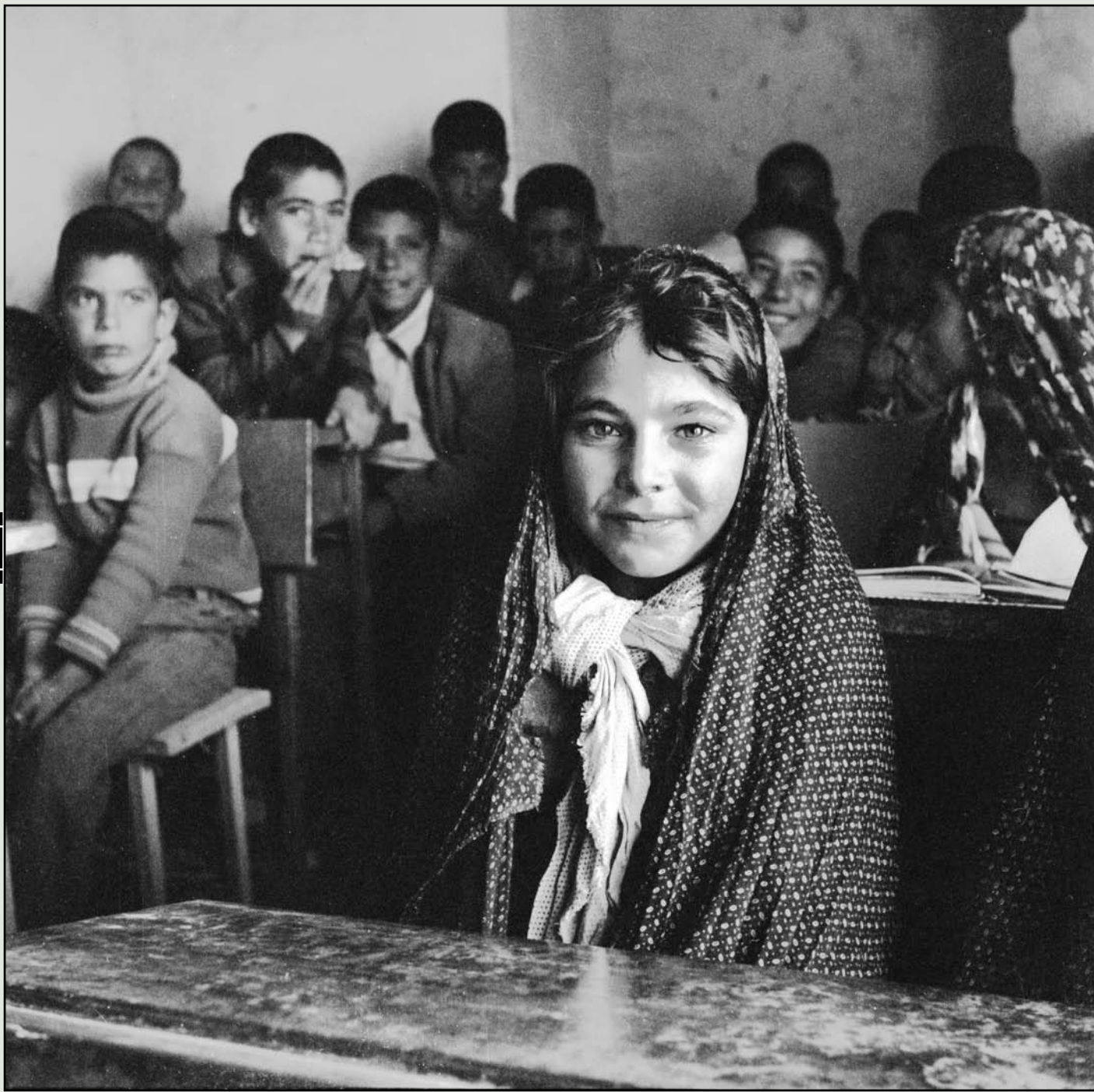






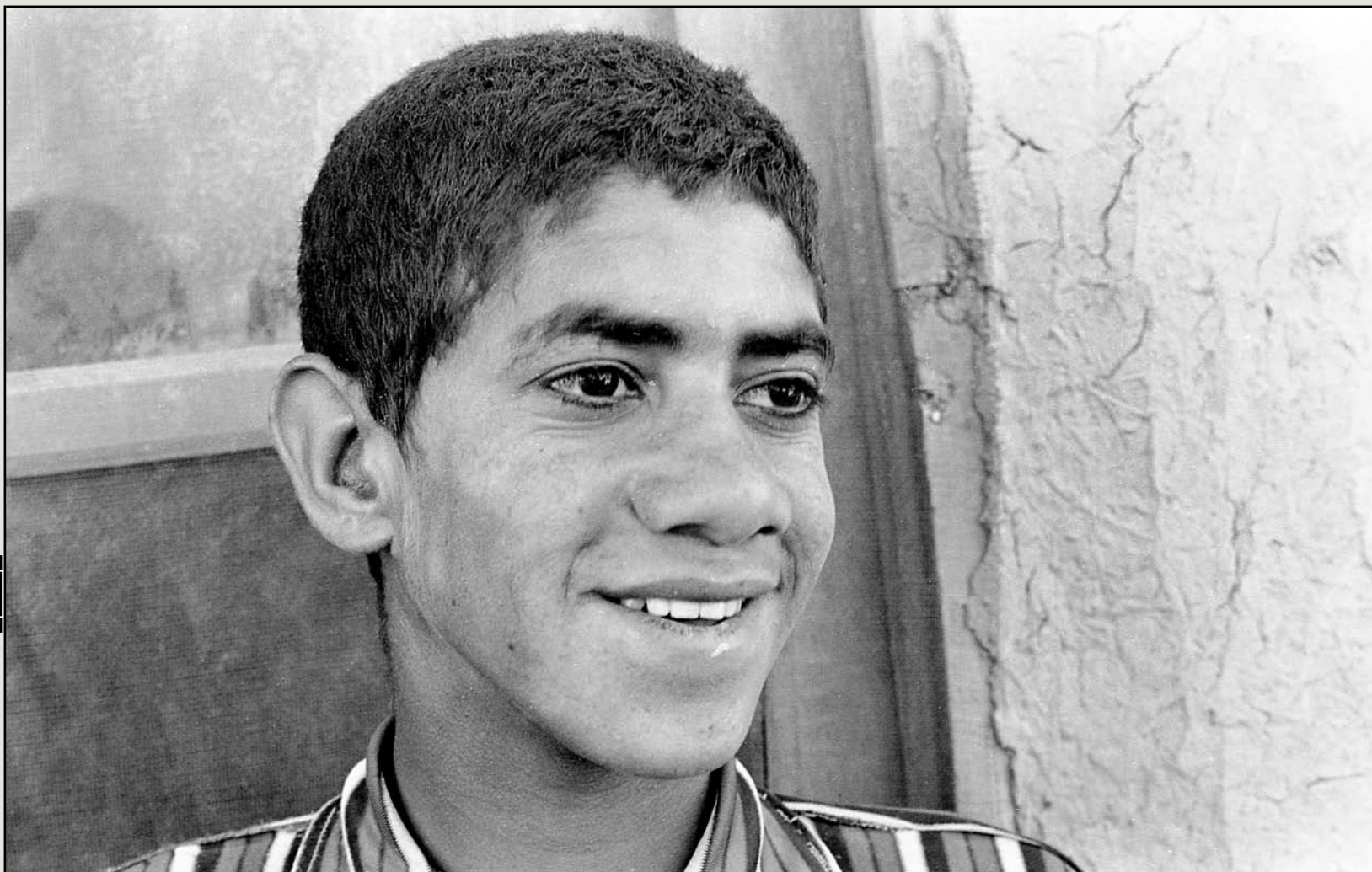
سال ۱۳۵۹ ینق، سزوار عکس: حمید امیری





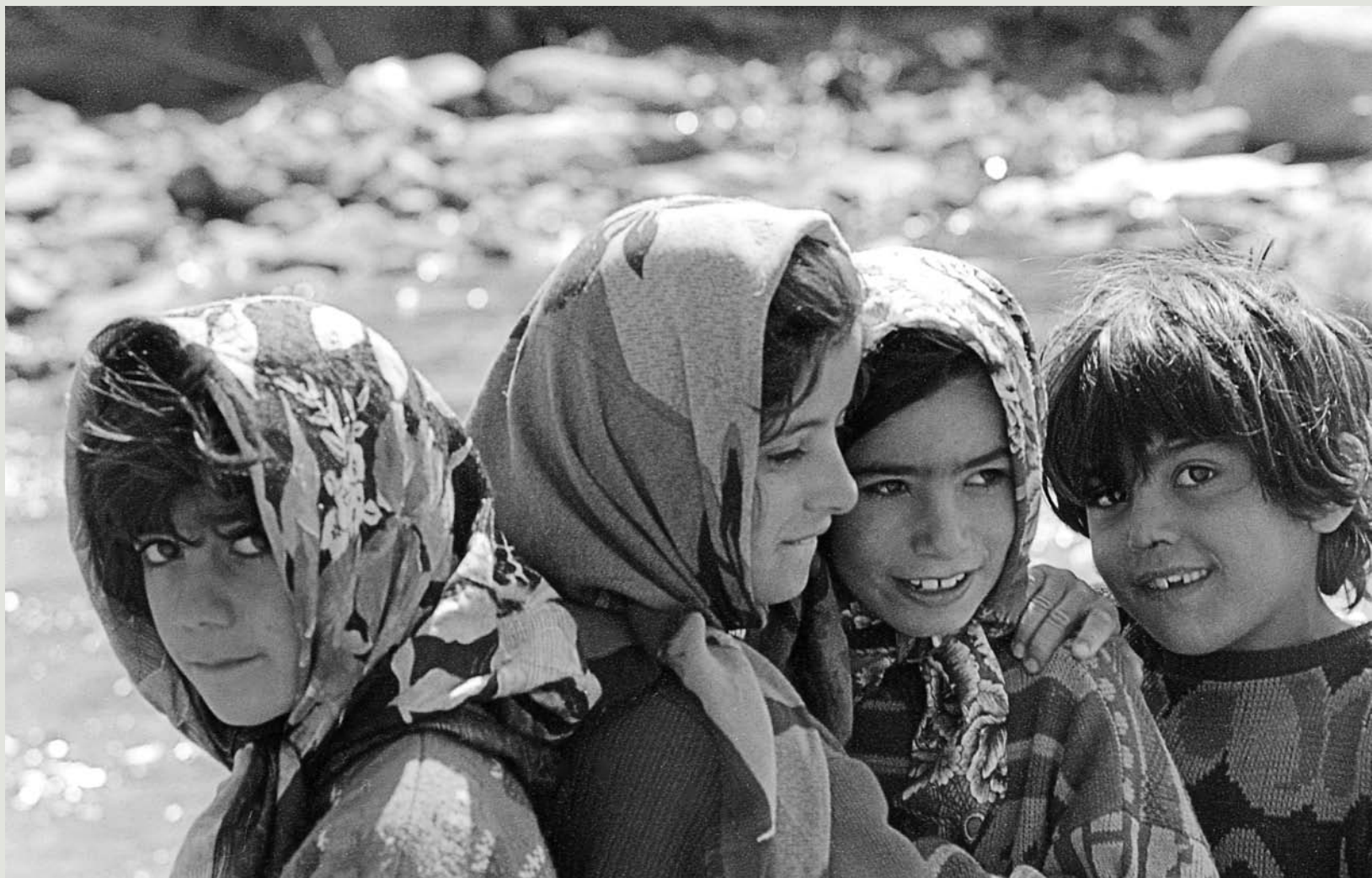
سال ۱۳۵۹ عبدال آباد جوبن، سبزوار عکس : حمید امیری

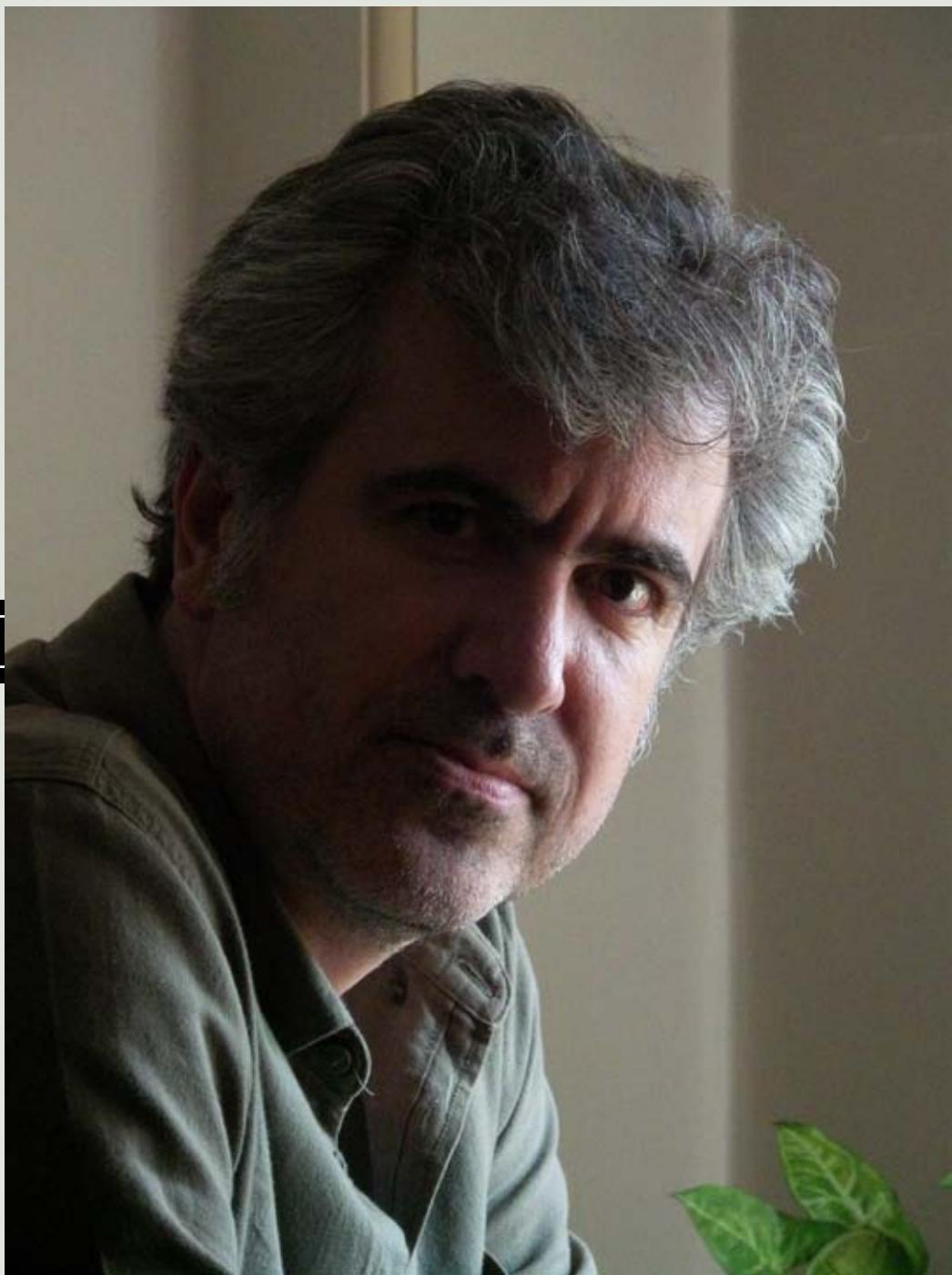




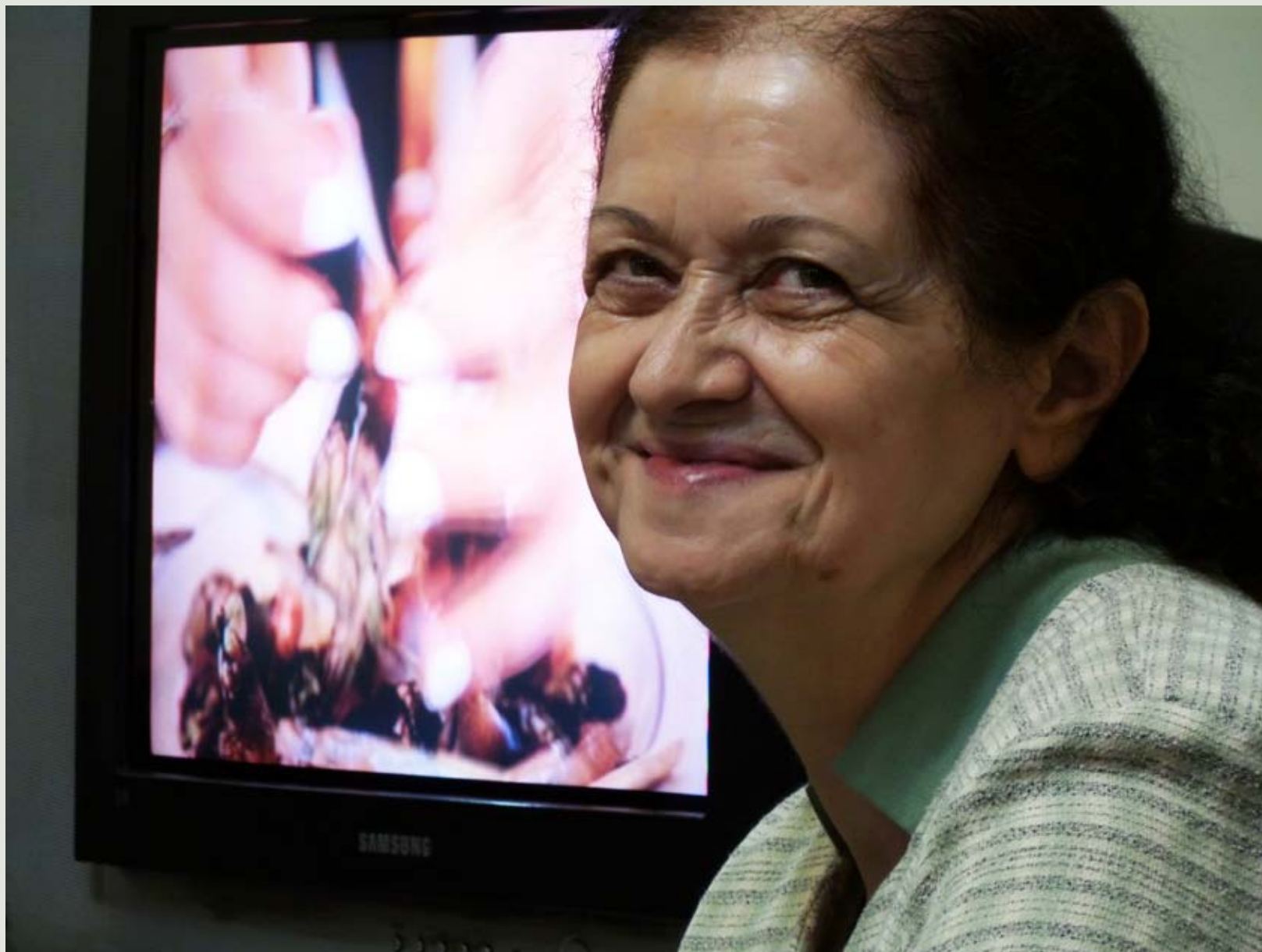




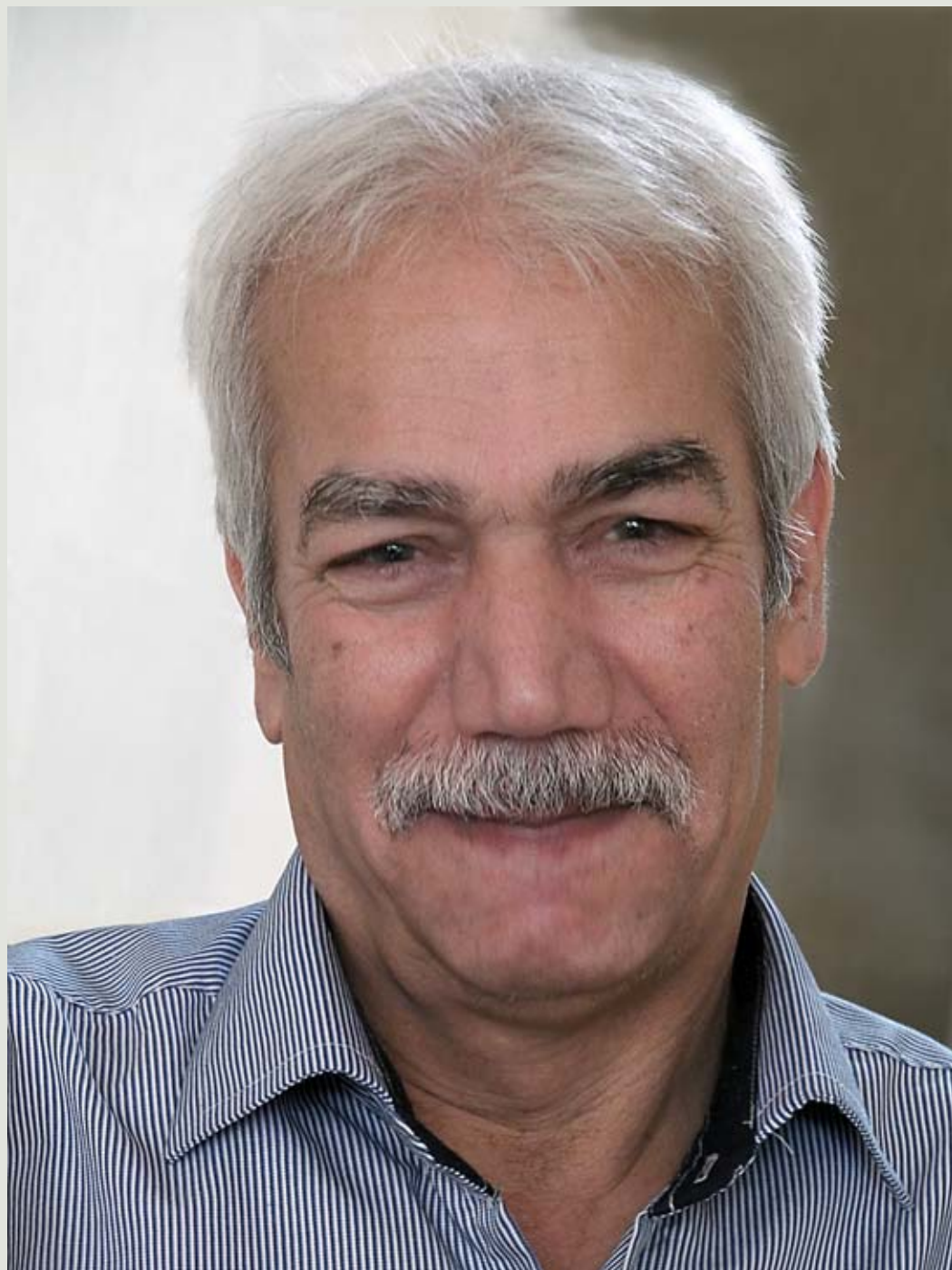




سال ۱۳۹۵ تهران









سال ۱۳۹۴ بسطام، نوشهر



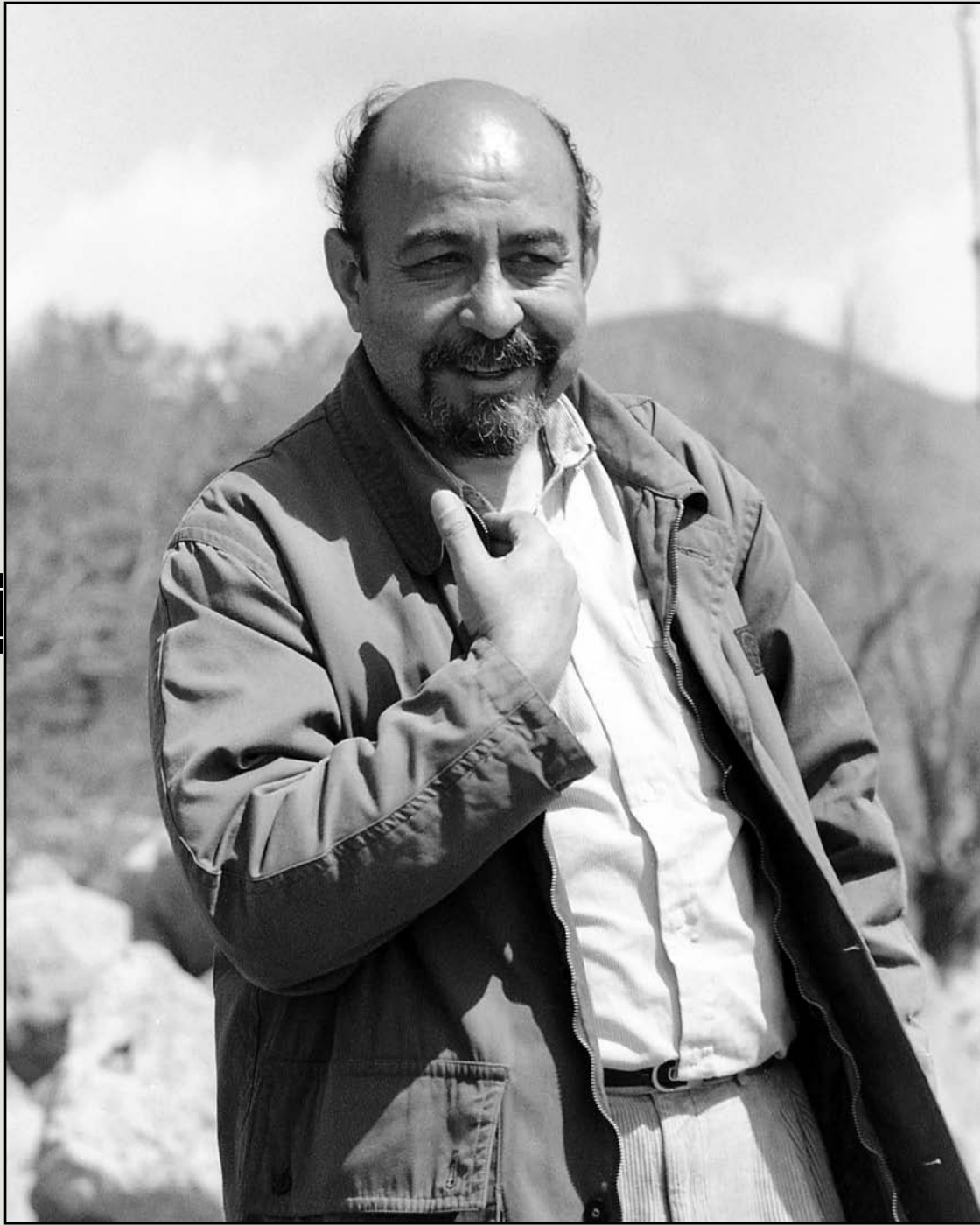
سال ۱۳۹۱ نرماندی، فرانسه



سال ۱۳۹۴ استاد سیف الله صمدیان ، دفتر مجله تصویر، تهران



سال ۱۳۵۴ دکتر لامبا در مرکز رفاه خانواده سبزوار



سال ۱۳۷۳ استاد دکتر سیمون آیوازیان در سفر قزوین و ساوه



سال ۱۳۷۰ صاحبخانه مهربانمان در تهران

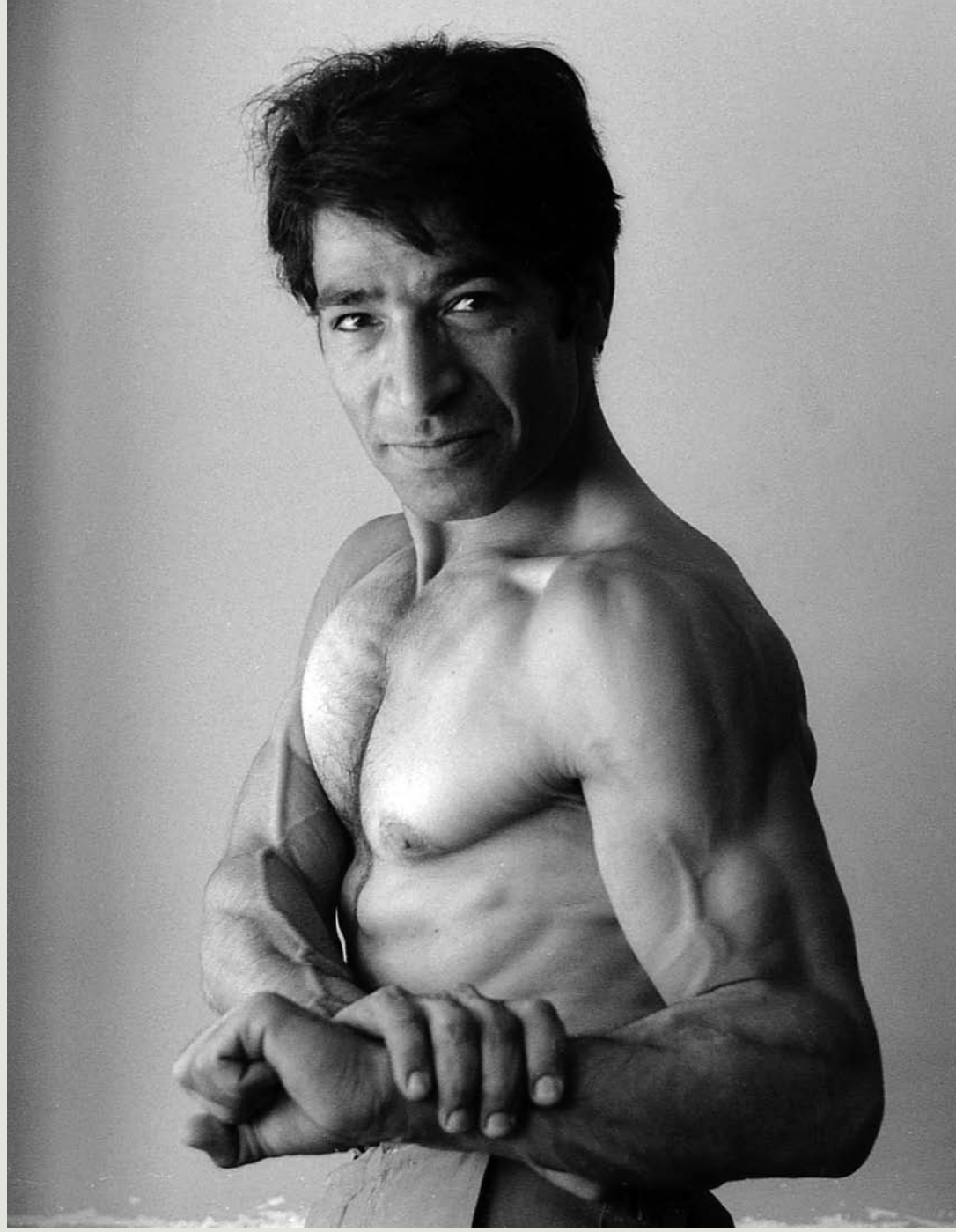






سال ۱۳۸۹ پیزا، ایتالیا

سال ۱۳۵۶ خدمت سربازی و سرگروهان بادی بیلدینگ! تهران





سال ۱۳۹۸ تهران



سال ۱۳۹۴ خواجه عبدالله، تهران







سال ۱۳۹۷ تاج محل، آگرا، هند



سال ۱۳۹۷ دهلې نو ، هند



سال ۱۳۹۷ تاج محل، آگرا، هند





سال ۱۳۵۴ کوچه کلاه فرنگی سبزوار - زنده یاد دایی سعید و برادرم حمید









سال ۱۳۹۴ بسطام، نوشهر

















۴۵۶





سال ۱۳۵۲ کوچه پادروخت ، سبزوار

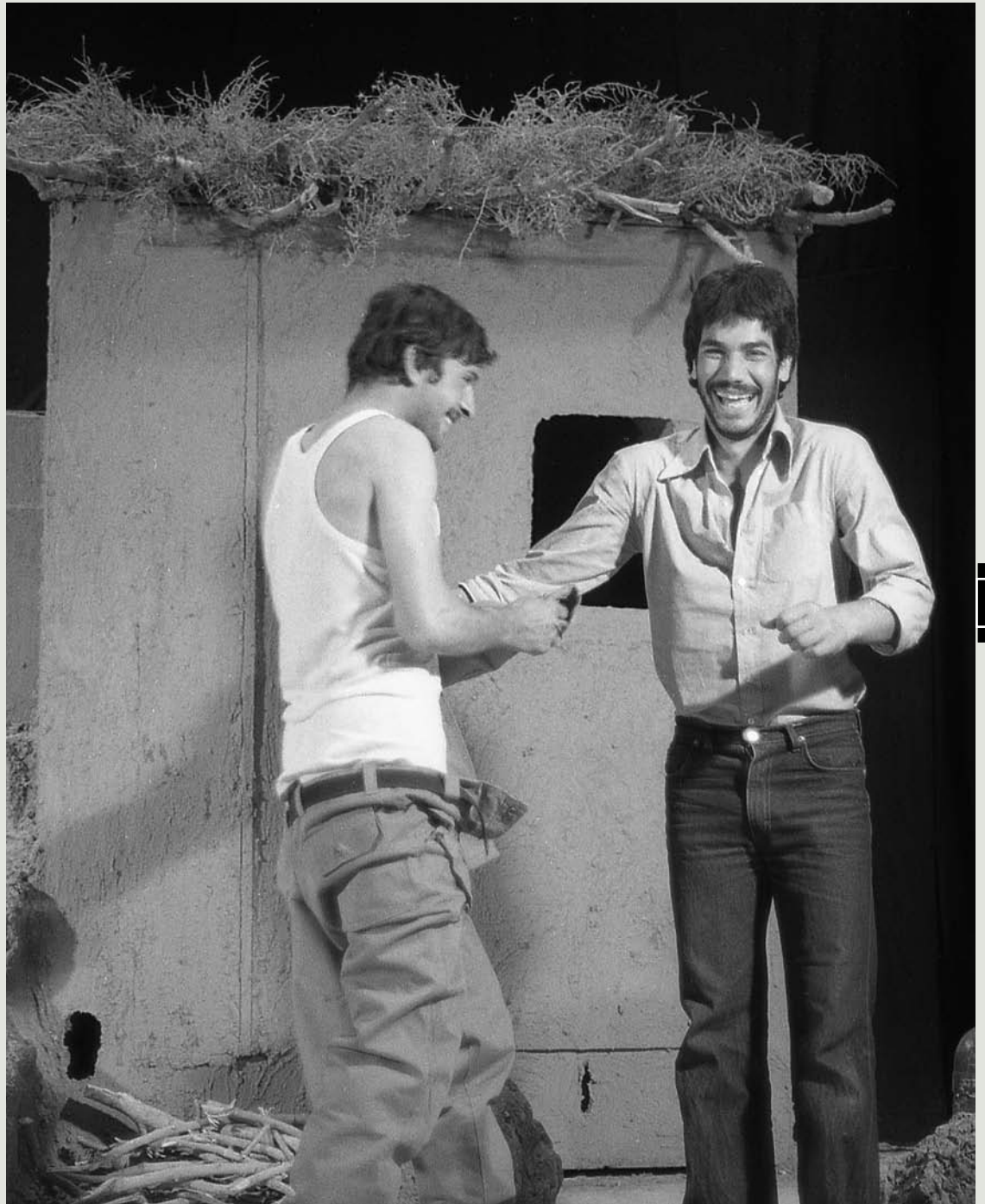




خندهٔ خاص

نمایش

مجسمه





سال ۱۳۷۵ نمایش سیاه بازی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران





سال ۱۳۷۵ نمایش سیاه بازی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران









سال ۱۳۹۱ محوطه برج ایفل ، پاریس ، فرانسه





سال ۱۳۹۱ سن میشل، پاریس، فرانسه









سال ۱۳۹۸ موزه صنایع دستی، گرگان



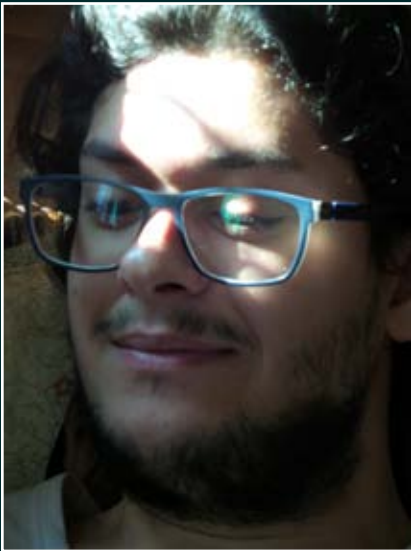


سال ۱۳۹۶ معبد لینگ ین، هانگزو، چین



سال ۱۳۹۶ بودای خندان کارخانه سنگ یشم، پکن، چین







Laughs in my Photographs

Visual coexistence for covid 19,20,21...!!!



500 laughing Photos during more than 4 decades of photography

Mahmoud Amiri

September 2020